



سپر پولادین اتحاد ملی

صادق

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و چهارم | شماره ۱۲۰۱ | دوشنبه ۳ شهریور ۱۴۰۴ | اول ربیع‌الاول ۱۴۴۷ | ۲۵ آگوست ۲۰۲۵ | ۱۶ صفحه

بررسی توافق صلح ارمنستان و آذربایجان
صلح وارداتی

پرونده

نویید کمالی
معماری تحمیل انزوا!



۴
راهبرد

فتح‌الله پریشان
تفرقه افکنان بیانیه نویس!



۳
دیدگاه

صبح صادق در یک سالگی دولت چهاردهم
عملکرد اقتصادی کابینه مسعود پزشکیان را بررسی می‌کند

کارنامه وفاق

۲
سرمقاله



سپاه کنار دولت ایستاده است

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت هفته دولت بیانیه‌ای منتشر کرد که فرازهایی از آن را در ادامه می‌خوانید:

«سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در تداوم مأموریت تاریخی و الهی خویش، راهبرد «کمک به دولت» و «مشارکت در سازندگی و پیشرفت کشور» را به‌عنوان یک اصل بنیادین در کنار سایر مأموریت‌ها و وظایف قانونی و ابلاغی خود فعالانه دنبال می‌کند. تجربه بیش از چهار دهه گذشته نشان داده است که حضور مؤثر و راهبردی سپاه در کمک به اجرای طرح‌های کلان و ملی، از توسعه زیرساخت‌ها تا محرومیت‌زدایی، نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشبرد اهداف انقلاب و ارتقای سطح زندگی و رفاه مردم داشته است. این مسیر، با نگاه بلندمدت و برنامه‌ریزی دقیق، در دولت چهاردهم نیز دستور کار قرار دارد و با قدرت بیشتری دنبال خواهد شد.

یادآوری و تأکید بر این واقعیت مهم ضروری است که «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» با درک عمیق از پیچیدگی‌های محیط امنیتی و تهدیدات نوظهور، اولویت خود را در حفظ و ارتقاء ظرفیت‌ها و توانمندی‌های دفاعی و امنیتی قرار داده است. این نهاد انقلابی، ضمن آمادگی همه‌جانبه برای اجرای مأموریت‌های خطیر در صیانت از انقلاب، تمامیت ارضی و منافع ملی، به موازات آن نقش‌آفرینی فعال در عرصه سازندگی و توسعه پایدار کشور را که ایرانیان عزیز به ویژه اقشار کم‌برخوردار در جای جای این سرزمین طعم شیرین آن را با رفع محرومیت و مشاهده زیرساخت‌های مادر و اساسی در بخش‌های مختلف صنعتی، عمرانی، کشاورزی و دیگر عرصه‌ها چشیده‌اند؛ بدون توجه به عملیات روانی و ماجرا سازی‌های رسانه‌ای بدخواهان ایران و ایرانی تا هنگامه نیاز کشور و درخواست دولت، همچنان در زمره وظایف راهبردی خود می‌داند.

سپاه مقتدر مردمی بر این باور است که پیوند عمیق میان دولت، ملت و نیروهای مسلح، ضامن تحقق چشم‌انداز ایران قوی و پیشرفته خواهد بود. مادر مسیر تحقق این آرمان، با تمام ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها در کنار دولت و ملت ایستاده‌ایم و با توکل به خداوند متعال و تبعیت از فرامین ولی فقیه زمان، حضرت امام خامنه‌ای عزیز مدظله‌العالی، آینده‌ای روشن و سرفراز برای ایران اسلامی می‌اندیشیم.»

شماره ۲ دوشنبه ۳ شهریور ۱۴۰۴

صداق

نیم نگاه

نمایش شکست خورده!



رضا صارمی‌راد

کارشناس مسائل بین‌الملل

«هیاهو برای هیچ» عنوانی است که می‌توان برای دیدار پوتین و ترامپ در «آلاسکا» برگزید. رئیس‌جمهور آمریکا، این دیدار را به گونه‌ای طراحی کرده بود که در موقعیت برتر قرار گیرد، ترامپ جلسه را به این دلیل به آلاسکا برد که آمریکا در ۱۹۶۷ از روسیه به پایین‌ترین قیمت خریده است؛ انتخاب یک پایگاه هوایی برای دیدار در همان ایالتی که در جریان جنگ جهانی دوم آمریکاهزارافروند هواپیمارا از طریق آن وارد خاک شوروی کرد تا شوروی را از شکست نجات دهد، بخش دیگری از نمایش قدرت ترامپ بود؛ او پوتین را از میان هواپیماهای اف ۲۲ مستقر در محل عبور داد و هواپیماهای بی‌سی ۵۲ و بی ۲ را به پرواز درآورد تا قدرت خود را به رئیس‌جمهور روسیه تحمیل کند؛ ولی همه این اقدامات بر سرنوشت مذاکرات تأثیری نگذاشت؛ پوتین آتش بس را قبول نکرد، حضور زلنسکی در جلسه را نپذیرفت، اروپایی‌ها را از چرخه مذاکره خارج کرد و اعلام کرد چین باید در مذاکرات آتی حضور داشته باشدو فراتر از همه ترامپ را مجبور کرد با واگذاری شبه جزیره کریمه و عدم عضویت اوکراین در ناتو موافقت کند!

شرایط به شکلی پیش رفت که در واکنش به مذاکرات آلاسکا «چاک شومر» رهبر اقلیت مجلس سنا هم گفت: «ترامپ اوکراین را تقدیم پوتین کرده و توقع دارد بابت این کار به او جایزه صلح نوبل داده شود.» رفتارهای فردی ترامپ در این دیدار هم سوژه رسانه‌ها شده است، رفتاری که نشان می‌داد او به‌شدت تحت تأثیر شخصیت پوتین قرار دارد. «مالکوم تر نوبل» نخست‌وزیر اسبقی استراليا در توصیف این وضع می‌گوید: «وقتی ترامپ با پوتین دیدار می‌کند، مثل یک پسر بچه دوازده‌ساله می‌ماند که به کاپیتان تیم فوتبال قهرمانش رسیده است.»

به فاصله سه روز از دیدار بسا پوتین در آلاسکا؛ ترامپ، زلنسکی را به واشنگتن فراخواند. اروپایی‌ها که نگران بودند زلنسکی مجدداً در کاخ سفید تحقیر شود، او را در سفر به آمریکا همراهی کردند.

ترونی‌کای اروپا، رئیس‌جمهور فنلاند و نخست‌وزیر ایتالیا، همراه با زلنسکی ۲۷ مرداد در واشنگتن با ترامپ دیدار کردند و ترامپ تلاش کرد اروپایی‌ها را وادار کند که با خواسته‌های پوتین موافقت کنند؛ اگرچه اروپایی‌ها خواستار تضمین‌های امنیتی از سوی آمریکا شدند؛ اما به نظر می‌رسد اوکراین به ناچار با واگذاری بخشی‌هایی از سرزمینش موافقت دارد، چنانچه «میخائیل پودولیساک» مشاور رئیس‌دفتر ریاست جمهوری اوکراین اعلام کرد؛ «ما با از دست دادن مناطقی که در کنترل نیروهای روس هست موافقیم و اولویت اول توقف درگیری‌ها است» اما آیا همه مناطق مورد نظر روسیه را واگذار خواهند کرد؟

در مجموع می‌توان گفت؛ همچنان راه طولانی تا پایان جنگ وجود دارد، زیرا روسیه خواستار واگذاری مناطقی است که در اختیار روسیه قرار ندارد و این از نظر سیاسی برای زلنسکی قابل قبول نیست، علاوه بر این مسئله تضمین‌های امنیتی نیز محل اختلاف است، اگرچه ترامپ قول‌هایی داده اما اروپایی‌ها خواستار حضور نیروهای نظامی آمریکایی در منطقه هستندولی ترامپ می‌گوید در حد پشتیبانی از نیروهای اروپایی حاضر به ورود است. روس‌ها نیز مخالف استقرار هرگونه نیروی نظامی بین‌المللی در خاک اوکراین هستند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در سالروز شهادت امام رئوف حضرت علی‌بن موسی‌الرضا(ع) در دیدار هزاران نفر از قشرهای مختلف مردم، «انتشار فوق‌العاده مکتب اهل بیت» و «شتاب یافتن انتشار مسئله عاشورا و فلسفه قیام امام حسین در دنیای اسلام» را مهمترین برکات سفر امام هشتم به خراسان خواندند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در باب مسائل روز، ایستادگی ملت در کمال قوت و قدرت را در جنگ تحمیلی دوم، باعث عظمت ویژه و عزت مضاعف ملت ایران در چشم جهانیان بر شمردند و با طرح یک سوال مهم گفتند: واقعا علت دشمنی مستمر همه دولت‌های آمریکا با ایران در ۴۵ سال اخیر چیست؟

ایشان در پاسخ به این سوال ظاهرأ مساده اما پیچیده،

امام خامنه‌ای در دیدار هزاران نفر از قشرهای مختلف مردم بیان کردند

سپر پولادین اتحاد ملی

افزودند: آمریکایی‌ها در گذشته علت حقیقی این دشمنی را زیر عناوینی مانند تروریسم، حقوق بشر، دموکراسی، مسئله زن و مسائل مشابه پنهان می‌کردند یا آبرومندانه می‌گفتند می‌خواهیم رفتار ایران را عوض کنیم اما این فردی که امروز در آمریکا سر کار است، علت حقیقی خصومت با ایران را لو داد و گفت «می‌خواهیم ایران به حرف ما گوش کند»؛ یعنی در واقع می‌خواهیم ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی گوش بغرمان ما باشد.

ایشان کسانی را که می‌گویند علت عصبانیت و دشمنی آمریکا شعار های ملت ایران است، افرادی ظاهرین خواندند و افزودند: کسانی هم که می‌گویند «چرا با آمریکا مذاکره مستقیم و مسائل را حل نمی‌کنید»، ظاهرین هستند؛ چرا که باطن قضیه این نیست و در سایه هدف

ساخت مدارس را برای برقراری عدالت آموزشی و استانداردسازی و قرار است تا پایان دولت چهاردهم پیش از ۷۰۰۰ هزار مدرسه در سراسر کشور ساخته شود که در همین راستا پیشرفت‌های خوبی حاصل شده است.

ورود جدی دولت

در ساخت نیروگاه‌های تجدیدپذیر اراده دولت در ساخت نیروگاه‌های تجدیدپذیر برای رفع ناترازی برق بسیار جدی است و رئیس‌جمهور، شخصا به این موضوع ورود پیدا کرده و بنای دولت بر این است که موانع موجود پیش‌روی ساخت نیروگاه‌های تجدیدپذیر را از پیش‌رو بردارد. طبق برنامه‌ریزی صورت‌گرفته قرار است در طی فعالیت دولت چهاردهم حدود ۳۰ هزار مگاوات به ظرفیت برق تجدیدپذیر کشور اضافه شود که از این میزان ۲۵ هزار مگاوات نیروگاه خورشیدی و ۵ هزار مگاوات نیروگاه بادی خواهد بود.
ساتبا منابع مالی موردنیاز برای توسعه ۳۰ هزار مگاواتی نیروگاه‌های تجدیدپذیر را ۱۵ میلیارد دلار اعلام کرده و دولت با کمک بخش خصوصی در این مدت یک سال پروژه‌های زیادی را افتتاح کردند.
با اشاره به تأکیدات مقام معظم رهبری بر لزوم توجه به انرژی‌های پاک، دولت چهاردهم و وزارت نیرو، متعهد به پیگیری این سیاست کلان هستند و برنامه‌ریزی‌های دقیقی در این زمینه انجام شده است.

کارنامه تجارت خارجی

تجارت خارجی غیرنفتی کشور در سال ۱۴۰۳ به رقم ۱۳۰ میلیارد و ۲۱۹ میلیون دلار رسید. از مجموع تجارت غیرنفتی کشور ۵۷ میلیارد و ۸۴۴ میلیون دلار به صادرات غیرنفتی (بدون احتساب صادرات نفت، برق، خدمات فنی مهندسی و صادرات از محل تجارت چمدانی) و ۷۲ میلیارد و ۳۷۵ میلیون دلار به واردات اختصاص داشته است که این میزان نسبت به مدت مشابه سال ۱۴۰۲، ۱۵/۶۲ درصد افزایش داشته است. اما بر اساس تازه‌ترین گزارش گمرک جمهوری اسلامی ایران، در سه ماهه نخست سال ۱۴۰۴، مجموع مبادلات تجاری غیرنفتی ایران به ۴۳ میلیارد و ۴۸۹ هزار تن کالا به ارزش ۲۴ میلیارد و ۶۸۴ میلیون دلار رسید. این رقم نسبت به مدت مشابه سال قبل، از لحاظ وزن ۹/۳ درصد و از نظر ارزش ۱۴/۴ درصد کاهش داشته است.

مالیات ستانی برنامه محور

فرآیند وصول درآمدهای مالیاتی در دو بخش «مالیات‌های مستقیم» و «مالیات‌بر کالا و خدمات» که از ابتدای سال ۱۴۰۳ آغاز شده بود، مطابق برنامه پیش‌بینی شده و هم‌زمان با آغاز به کار دولت چهاردهم تا پایان همان سال با رشد صددرصدی همراه شد. این دستاورد نشان‌دهنده حرکت باثبات و هدفمند نظام مالیاتی در مسیر ارتقای کارایی و تأمین پایدار منابع درآمدی دولت است.در سال ۱۴۰۳ مجموع درآمدهای مالیاتی وصول‌شده بالغ بر ۱۲۲۹ همت رسید. این رقم نسبت به دوره مشابه سال ماقبل ۵۲ درصد رشد داشته است؛ همچنین در مقایسه با رقم پیش‌بینی‌شده در قانون بودجه تحقق ۱۰۱ درصدی اهداف مصوب حاصل شده که نشان‌دهنده عملکرد فزاتر از انتظار و اثربخشی سیاست‌های اجرایی دولت چهاردهم در حوزه وصول مالیات است. در چهار ماهه نخست سال ۱۴۰۴ روند مثبت وصول درآمدهای مالیاتی ادامه یافت و دراین بازه زمانی بالغ بر ۳۹۶ همت درآمد

واقعی آمریکا از دشمنی با ایران، این مسائل حل نشدنی است.

رهبر انقلاب تصور خام‌فصله میان مردم و نظام را از دیگر توهمات دشمنان و مزدورانشان خواندند و گفتند: ملت اما با ایستادگی در کنار نظام، نیروهای مسلح و دولت مشت محکمی به دهان همه آنها‌زد.

ایشان قدرت‌نمایی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را باعث تغییر معادلات خواندند و افزودند: ما و همه ملت ایران از کار بزرگ نیروهای مسلح تشکر می‌کنیم وپس از این نیز روز به روز و قدرت توانایی ایران و نیروهای مسلح آن افزوده خواهد شد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای جمع‌بندی دشمن از حوادث اخیر را ناتوانی در از به زانو درآوردن ایران با جنگ و حمله نظامی دانستند و گفتند: جمهوری اسلامی با وجود این دشمنی‌ها در ۴۵ سال گذشته هر روز قوی‌تر شده و دشمن هم دریافته است که راه عقب راندن جمهوری اسلامی، بکارگیری ابزار و وسایل خشن نیست بلکه باید در داخل کشور اختلاف و نفاق ایجاد کند.

رهبر انقلاب صیانت از اتحاد ملی را وظیفه‌ای همگانی دانستند و گفتند: اتحاد مقدس، اجتماع عظیم و سپر پولادین دلها و اراده‌های مردم نباید مخدوش شود و

سر مقاله

کارنامه وفاق

صبح صادق در یک سالگی دولت چهاردهم عملکرد اقتصادی کابینه مسعود پزشکیان را بررسی می کند

از شکل‌گیری بحران‌های گسترده‌تر شد. در عین حال، تجربه این روزها می‌تواند درس‌های ارزشمندی برای بهبود سیستم توزیع سوخت، تقویت زیرساخت‌های الکترونیکی ثبت مصرف و افزایش تاب‌آوری در برابر بحران‌های مشابه در آینده فراهم کند.یکی از نکات جالب توجه در مدیریت بنزین مقایسه مصرف بنزین در تهران با آمار کشور ترکیه بود. رضا نواز سخنگوی صنف جایگاه‌داران سوخت اعلام کرد در برخی روزها، فقط در استان تهران مصرف بنزین به بیش از سه برابر کل مصرف بنزین ترکیه رسیده است؛ عددی که نشان‌دهنده فشار شدید به شبکه توزیع و سامانه‌های حمل‌ونقل سوخت ایران در این بازه‌زمانی محدود بوده است.از مدت ۱۲ روزه جنگ هم بگذرم عملکرد دولت در طول یک سال در بخش سوخت با توجه به ناترازی‌ها و بدون افزایش قیمت پایداری این بخش ستودنی است.

در مورد بررسی عملکرد اقتصاد ایران در روزهای جنگ با رژیم صهیونیستی و حامیان آنها نشان داد بر خلاف تصورات و تحلیل‌های واوونه که از قبل وجود داشت، اقتصاد کشور از پایداری قابل قبولی به‌ویژه در حوزه تأمین اقلام اساسی و بخش خدمات در زمان جنگ برخوردار بود. تحریم‌های گسترده و طولانی مدت در طول سال‌های گذشته تاب‌آوری اقتصادی مردم را خود به خود از قبل بالا برده بود. همین عامل باعث شد که علی‌رغم فشارهای زیاد، اقتصاد ایران به روند کاری و روزمرگی خود در کمال آرامش ادامه داد چون بنای اقتصادی کشور و نگاه متولیان امر به کمک‌های خارجی نبود، بلکه بر مبنای مدل «ترمیمی» و متکی به توان داخلی شکل گرفته است. ایرانی‌ها بر خلاف برخی ملت‌ها که دچار جنگ و بحرانی در این تراز می‌شوند، بدون هجوم بردن به فروشگاه‌ها و خرید پر تعداد و یا ترک وطن، در کمال آرامش تنها بعضاً با سفر و جابه‌جایی به شهرهای اطراف به صورت موقت چند روز را مدیریت کردند.

علاوه بر بیان برخی اقدامات در خور توجه در حوزه سیاست‌گذاری اقتصادی، آنچه مشاهده می‌شود ادامه همان نسخه‌های تکراری دهه گذشته است. دولت جدید، تغییر محسوسی در سیاست‌های پولی و مالی ایجاد نکرده است و در مسیرهایی چون واردات خودرو، همچنان همان مسیر بسته گذشته را طی می‌کند. از نظر شاخص‌های کلان، تورم در محدوده ۴۰ تا ۴۵ درصد باقی مانده است، با اینکه در بخش مالیات اقدامات خوبی انجام گرفته است اما همچنان کسری بودجه یک معضل اقتصاد ایران است مضافاً افزایش قیمت در کالاهای خوراکی و آشنامیدنی از جمله گوشت و برنج، فشار شدیدی بر معیشت خانوارها وارد کرده و قدرت خرید مردم را پایین آورده است. بااینکه وضعیت تجارت خارجی اقدام قابل توجهی رخ نداده است. در بخش بازار سرمایه به نوعی اعتماد مردم از دست رفته و چند اقدام اساسی هم توانست این بازار را به سر خط بیاورد و ورود پول‌های حقیقی مردم وارد این بازار شود. در بخش صنعت و معدن نیز اقدام ملموس و در خوری رخ نداد و سیاست تحولی مشاهده نمی‌شود. در مجموع بیشتر اقدامات دولت در حد اقدامات روزمره بود و اقدامات تحولی و جهشی ملموسی اتفاق نیفتاده است و برای برون‌رفت از این وضعیت، متولیان امر نیازمند تصمیمات بسیار سخت‌و اصلاحات ساختاری و نهادی هستند تا بتوانند ریل حکمرانی اقتصادی کشور را تغییر دهند.

روزنه

سپاه چگونه ایران را حفظ کرد؟

سعید پور ملائی هریس

کارشناس سیاسی



در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه ایران واقعیات فراوانی بر مردم روشن شد که شاید در شرایط عادی صدها هزار ساعت برنامه تلویزیونی و تبلیغی هم نمی توانست آن را به مردم نشان دهد. در شرایطی که تمام محور عبری عربی به سرکردگی رژیم صهیونیستی و با پشتیبانی آمریکا قصد داشتند تا با ایجاد شوک های سنگین روانی نظام جمهوری اسلامی ایران را به سمت فروپاشی ببرند، مقاومت سپاه سبب شد تا تمام نقشه های آنان با شکست رویه و شود.

کمتر کسی شک دارد که رژیم صهیونیستی در جریان جنگ ۱۲ روزه پیکان خود را به سمت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گرفته بود. نهادی که مهم ترین ظرفیت دفاعی در مقابل این رژیم محسوب می شد. در تمام این مدت با وجود هدف قرار گرفتن برخی از مهم ترین فرماندهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیروهای جان بر کف این نهاد انقلابی به سرعت و در قالب عملیات وعده صادق ۳ حملات مداوم توانست تا حملات هوایی رژیم صهیونیستی را خنثی کند.

در درون کشور نیز نیروهای جان بر کف بسیج و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با برقراری گشت های ایست و بازرسی نقش مهمی در کشف نیروهای نفوذی و جلوگیری از ادامه حملات تروریستی به مواضع حساس در داخل کشور داشت. تمام اینها در حالی بود که یک نبرد اطلاعاتی پنهان هم در جریان بود تا اطلاعات دقیق تری برای ضربه به کشور کشف شود.

با وجود این و با تمام این فشارها نه تنها برنامه های رژیم صهیونیستی در داخل ایران محقق نشد بلکه عملاً نظام جمهوری اسلامی توانست به یک پیروزی درخشان دست پیدا کند. نکته مهم اینجاست که علی رغم تمام تبلیغات مسموم درباره هزینه های بیش از اندازه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و یا نقش مخرب علیه آزادی این نهاد توانست شاکله کشور را در مقابل این حمله نظامی مستحکم نگاه دارد.

حمله ای که شاید سال های باید بگذرد تا تمام ابعاد و توطئه های خطرناک آن افشا شود. با در نظر گرفتن تمام این توطئه های خطرناک می توان گفت که بنا بر گفته امام عزیزمان این سپاه است که کشور را نگه داشته چرا که در صورت وقوع هر واقعه نامطلوبی علیه نظام جمهوری اسلامی این ماهیت ایران بود که با خطر مواجه می شد. خطری که حتی تجزیه ایران را به دنبال داشت.

امروز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی جدی تر و شایسته تر از هر زمان دیگری حامی ایران و نظام جمهوری اسلامی است و رژیم صهیونیستی و کشورهای غربی نیز می دانند که بدون شک امکان گذر از چنین مانعی را نخواهند داشت همان گونه در گذشته و در فتنه ها و جنگ های قبلی نداشته اند.



تفرقه افکنان بیانیه نویسی!



فتح الله پریان

کارشناس سیاسی

در ماجرای تجاوز دشمن آمریکایی- صهیونیستی به این سرزمین، آنچه آشکار گردید آن بود که پس از ۱۲ روز جنگ و آتش، دشمنان در رسیدن به اهداف کلیدی خود ناکام ماندند و خیلی زود مجبور به عقب نشینی و درخواست آتش بس نمایند!

دست های خالی دشمن اما همه ماجرا نیست! همین ناکامی آنها را اصراف انداخته تا مجدداً ضربه دیگری را بپر ملت ایران وارد کنند، شاید تا حدودی جبران شکست در جنگ ۱۲ روزه باشد. اینکه تل آویو خوب فهمیده است که نمی تواند ایران را از بیرون شکست دهد؛ بنابراین تمرکز اصلی دشمن بر عملیات روانی و بحران آفرینی داخلی است. در چنین شرایطی، تنها یک حقیقت است که باید مبنای وحدت و اقدام قرار گیرد و آن «دفاع از کشور، دفاع از نظام و دفاع از ایران عزیز» است.

اختلاف افکنان

امسا در روزهای اخیر دو رویکرد انحرافی در مقابل روایت پیروزی ملت بزرگ ایران و انسجام اقشار مختلف مردم بعد از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی و آمریک علیه ایران قرار گرفته است. هر دو رویکرد به مثابه لبه های یک قیچی عمل می کنند؛



مهدی عامری

کارشناس علوم اسلامی

اصلاح طلبان در تازه ترین بیانیه خود بار دیگر سخن از «آشتی ملی» به میان آورده اند. اما مرور کارنامه سیاسی آنان نشان می دهد که این شعار بیش از آن که ریشه در دغدغه های اجتماعی داشته باشد، تلاشی است برای بازسازی جایگاه از دست رفته، از این رو دست به نگارش بیانیه ای زده اند که خود ابطال گر است!

نخست باید پرسید: آیا ملت ایران اساساً نیازمند «آشتی ملی» است؟ واقعیت این است که در بحران های بزرگ مانند دفاع مقدس، حوادث طبیعی یا همه گیری کرونا و در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، مردم همواره در کنار یکدیگر و حاکمیت ایستاده اند و گروه های مردمی و جهادی نشان داده اند که شکاف اجتماعی واقعی در میان ملت وجود ندارد. اگر نزاعی هست، بیشتر محصول رفتار جریان هایی است که در میدان سیاست، به ویژه اصلاح طلبان، همواره راه تفرقه افکنی را در پیش

برخی با فضاسازی های پرهیاهو علیه برخی از مسئولان و دستگاه های مختلف کشور به ویژه دولت و مطرح نمودن مسائلی مانند استیضاح رئیس جمهور این گونه وانمود می کنند که دولت کارشکن نیروهای مسلح در مقابله با رژیم صهیونیستی بوده و گروهی دیگر سعی دارد گفتمان باطل سازش را در قالب تغییر پارادایم تزئین و مجدداً به جامعه ارائه دهد و به افکار عمومی القاء کند که برای حل مشکلات کشور راهی جز سازش و تسلیم در برابر دشمن وجود ندارد. اگر چه دو گروه در مشی افراطی گری و رادیکالیسم و ندیدن منافع و امنیت ملی ایران این فصل مشترک دارند اما هر کدام با اهداف و انگیزه هایی متفاوت وارد این معرکه روایت ها شده اند. یک رویکرد با زیرسوال بردن نظریه «ساخت ایران قوی» در حوزه های موشکی، پهپادی، علمی و هسته ای، با طرح بازدارندگی سیاسی راه تسلیم و سازش از طریق پذیرش مذاکره تحمیلی را دنبال می کند و به نوعی امتیاز طلبی می نماید.

رویکرد دیگر، بدون توجه به واقعیت های روی زمین، و تنها با نگاه صرف آرمان خواهی انقلابی و اسلامی- بدون توجه به اقتضائات مکانی، زمانی و شرایط سیاسی و اقتصادی موجود- دولت و بی عرضگی آن را سر دست گرفته و از این طریق به انسجام ملی ایجاد شده لطمه می زند.

برآیند و خروجی هر دو نه یک نقد سازنده، بلکه آتشی است که بذریه ثباتی را در زمین می پاشد و این همه دستاورد و پیشرفت و صعود ضریب امنیت و انسجام ملی ایرانیان را به چالش می طلبد و دشمن را امیدوار می سازد.

گرفته اند.

تجربه سال ۸۸ شاهدهی روشن است؛ جریانی که با ادعای ثقل، کشور را به بحران کشاند و همان اعتراض سازی داخلی دستاویز اصلی تحریم های گسترده آمریکا و غرب شد. هزینه های تحمیل شده بر ملت، نتیجه مستقیم لجajt و عدم پذیرش قواعد رقابت سیاسی بود. این جا تناقض آشکار رخ می نماید: اصلاح طلبان در برابر آمریکا همواره توصیه به «تعلیق» و عقب نشینی کرده اند؛ تعلیق غنی سازی، تعلیق استقلال علمی و سیاسی، تعلیق پیشرفت. اما در برابر ملت و نظام، نه تنها حاضر به تعلیق رفتارهای خسارت بار خود نشده اند، بلکه با طلبکاری دائمی، همواره خود را محق دانسته اند. اگر کوتاه آمدن پسندیده است از ادعاهای باطل خود درباره انتخابات سال ۸۸ کوتاه می آمدید و اجازه می دادید ملت روی خوش زندگی را ببیند!

اینان اگر حقیقتاً دغدغه آشتی دارند، باید این منطق تعلیق را ابتدا در برابر ملت به کار گیرند و این موارد را تعلیق کنند:

-اعتراض دائمی و فرار از پاسخگویی

بیانیه های نامیون

در دو هفته اخیر چند بیانیه و موضع سیاسی از سوی افراد، گروه ها و احزاب منسوب و موسوم به جریان اصلاحات صادر شده است. ادعا و بهانه این بیانیه ها، ارائه راه حل برای عبور از شرایط کنونی فشار و تهدید دشمنان در کشور گفته شده است. اما بررسی و ارزیابی تحلیلی مفاد آنها و گفتمان و رویکرد سیاسی حاکم بر متن این بیانیه ها، واجد فرامتنی دیگر و نکاتی قابل مامل است. بصورت خاص بیانیه اخیر منسوب به جبهه اصلاحات مورد توجه است که رادیکالیسم را به اوج رسانده و رسماً به بیانیه ای در خدمت دشمن و مخالف منافع ملی تبدیل شده است. این جریان برای مطامع خود نه تنها منافع ملی را ذبح می کنند، بلکه حتی رعایت مصالح حزبی خود را نداشته و با وجود اینکه می دانند این رویکرد در کار دولت هم که داعیه اصلاح طلبی دارد اخلال ایجاد می کند، باز هم بر طبل خود می کوبند.

در ایسن بیانیه ن شکات ضعف زیر قابل توجه و مامل است: ارسال پیام ضعف و عجز و استیصال به دشمن، مطالبه تعلیق داوطلبانه غنی سازی و پذیرش نظارت آژانس انرژی اتمی از سوی ایران، تشدید دوقطبی ها در جامعه، کاهش انسجام و وحدت ملی ایجاد شده بعد از جنگ اخیر، تائید ادعاهای دروغ آمریکا و اسرائیل در خصوص ایران، تضعیف موضع کشور در مذاکرات احتمالی آینده، ناامیدسازی مردم از عملکرد قوای حاکمیتی به ویژه دولت.

-آشوب آفرینی و هزینه سازی برای مردم و نظام

-طلبکاری سیاسی و اصرار بر تمامیت خواهی در قدرت

آشتی ملی واقعی نه با بیانیه های پرطمطراق، بلکه با پذیرش مسئولیت گذشته و بازگشت به مردم ممکن است. اصلاح طلبان اگر صادقانه در پی آشتی اند، باید یکبار هم که شده همان طور که در برابر بیگانه کوتاه آمدند، در برابر ملت ایران کوتاه بیایند؛ از رفتارهای گذشته عذر خواهی کنند و از موضع طلبکاری به موضع مسئولیت پذیری تغییر مسیر دهند.

این جمع، در حالی سخن از «عفو عمومی» می زنند که هیچ گاه قائل به عفو رقیب سیاسی نبوده و نیستند. عفو عمومی در قاموس آنان یعنی بخشش آشوبگران و نیروهای دشمن، اما هرگز نشانی از گذشت و مدارای سیاسی نسبت به رقیب و منتقدان در گفتار و رفتارشان دیده نشده است!

اصلاح طلبان دائماً به دیگران توصیه می کنند که «ایدئولوژیک» رفتار نکنند؛ که البته مقصود آنان چیزی جز سکولاریسم نیست. اما همین جریان، خود بیش از هر جریان دیگری اسیر تعصب ایدئولوژیک است؛

این پیام پیامدها و آسیب های زیر را نیز برای کشور به همراه داشته است: مخدوش کردن روایت پیروزی، ایجاد تفرقه و افزایش دوگان سازی ها و تنش ها و ضربه به اتحاد ملی، امیدوار سازی دشمن به موثر بودن طراحی ها و ضرباتش، ترجیح مطامع جناحی و سیاسی بر منافع ملی؛ تلاش جهت پر کردن خلاء اپوزیسیون برانداز در داخل ایران، بر هم زدن وفای ملی و نمایش شکاف سیاسی اجتماعی در ایران، تلاش جهت تسلیم جمهوری اسلامی در برابر غرب از طریق مذاکره با آمریکا، تلاش جهت ایجاد صدایی در کنار صدای رهبری در جامعه ایران، عبور از دولت اصلاحاتی پزشکیان، تضعیف نیروهای مسلح کشور و پیام تسلیم شدن در برابر دشمن.

صدور این بیانیه نشان داد که چگونه برخی گروه های سیاسی در کشور تنها در خط مطلوب دشمن حرکت می کنند و هیچ توجهی حتی به مصالح اردوگاهی و جناحی خود ندارند و در حالی که دولت منسوب به اصلاح طلبان بر روی کار است، گرایش افراطی آنان درکی از حداقل عقلانیت و مصلحت سنجی را ندارد و همین امر موجب شده تا اندیشه این افراد به محاق رفته و دیگر پایگاه اجتماعی درخوری در جامعه نداشته باشند.

این روزها ملت آگاه ایران منسجم تر از دو دهه اخیر پای کار منافع ملی این سرزمین ایستاده است و تفرقه افکنان تنها عرض خود می برند و زحمت ما می دارند و عملاً صف خود را از ملت جدا می سازند!

ایدئولوژی ای به نام «اصلاحات» که نه ریشه در سنت ملی و اسلامی دارد و نه کارآمدی آن در تجربه های گذشته به اثبات رسیده است. آنان می خواهند دیگران از هویت اسلامی و انقلابی کوتاه بیایند، اما خود حاضر نیستند حتی اندکی از ایدئولوژی غرب زده و خود ساختنشان فاصله بگیرند. این دقیقاً همان منطق استکبار است!

در نهایت، بهترین «تغییر پارادایم» برای اصلاح طلبان این است که به جای اصرار بر ایدئولوژی غرب زده و تجربه شده خود، مدتی از قدرت فاصله بگیرند و به مردم و واقعیت های میدانی کشور نزدیک شوند. تجربه نشان داده است هر زمان که ایسن جریان از مصدر تصمیم گیری دور بوده -چه در دولت های نهم و دهم و چه در دولت سیزدهم- شرایط عمومی کشور و امید مردم به آینده به مراتب بهتر بوده است. در مقابل، بازگشت اصلاح طلبان همواره با تعطیلی، نزاع سیاسی، و توقف حرکت ملی همراه شده است. آشتی ملی یعنی همین: تعلیق اصلاحات پر هزینه و آغاز مسئولیت پذیری واقعی. از خودتان آغاز کنید.



رکوردشکنی برنامه حسینیہ معلی/ برنامه حسینیہ معلی با رشد ۱/۶ درصدی نسبت به سال گذشته، موفق شد مخاطبان خود را به ۴۵/۱ درصد از کل جمعیت ایران برساند؛ آماری کم نظیر که نشان از استقبال گسترده و همراهی میلیونی مردم با این برنامه دارد.



تخت بیمارستانی برای ۶ کودک/ بمباران عامدانه بیمارستان ها و جلوگیری از ورود تجهیزات پزشکی به غزه از سوی ارتش اشغالگر، موجب کاهش شدید سرانه درمانی در غزه شده است. در تصویری که به تازگی منتشر شده است، ۶ کودک زخمی از یک تخت بیمارستان استفاده می کنند.



تمدن کشته شده انسان مدرن/ سالانه حدود ۷۳ میلیون سقط جنین عمدی در دنیا اتفاق می افتد که معادل ۲۰۰ هزار مورد در روز است. از ابتدای ۲۰۲۵ تا کنون حدود ۲۹ میلیون جنین در سرتاسر دنیا سقط شده اند؛ در آمریکا، روزانه بین ۱۵۰۰ تا ۲۵۰۰ سقط جنین وجود دارد.



کمبود سرباز/ رادیو ارتش صهیونی فاش کرد که این نهاد نظامی با کمبود ۱۰ تا ۱۲ هزار نیروی انسانی روبه روست و برای جبران این کمبود، قصد دارد سالانه ۶۰۰ تا ۷۰۰ سرباز اضافی از جوانان یهودی از خارج از این رژیم را برای خدمت چندساله جذب کند.



تعلیق تیم فوتبال صهیون/ دو هفته مانده به بازی حساس ایتالیا مقابل اسرائیل در مسابقات انتخابی جام جهانی، اتحادیه مربیان ایتالیا (ICA) با ارسال نامه ای رسمی، از فیفا و یوفا خواست اسرائیل را به دلیل جنایات جنگی از تمامی مسابقات بین المللی محروم کنند.



تصویب طرح جنجالی «E۱»/ تل آویو به طور رسمی طرح شهرک سازی در منطقه حساس «E۱» را تصویب کرد؛ اقدامی که قدس را از چهار جهت محاصره و کرانه باختری را به بخش های جدا تقسیم می کند. وزیر دارایی رژیم صهیونیستی پس از تصویب این طرح گفت «دولت فلسطینی با عمل محو می شود، نه با شعار».

دیگران

جنگی دیگر؟

دودی کوگان

خبرگزاری JNS

صبح صادق این یادداشت را صرفاً برای اطلاع مخاطبان منتشر می کند /

ایران در حال حرکت به سوی یک درگیری چند جبهه‌ای است. در بجهو بحران آب و انتقادات داخلی جریان‌های سیاسی از یکدیگر، ارزیابی‌ها از احتمال بالای وقوع یک جنگ دیگر، فضای سیاسی کشور را فرا گرفته است. نزدیک به دو ماه از پایان جنگ میان ایران و اسرائیل می‌گذرد و مذاکرات برای یک توافق هسته‌ای جدید، پس از آنکه اصرار طرفین بر مواضع خود به بن‌بست انجامید، همچنان راکد مانده است. در این میان، فرانسه، آلمان و بریتانیا با تهدید به اعمال مجدد تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، فشارها را افزایش داده‌اند. وزرای خارجه این سه کشور اعلام کرده‌اند که آماده فعال‌سازی مکانیسم «ماشه» (اسنپ‌بک) در پایان ماه اوت هستند، اما این گزینه را برای ایران باقی گذاشته‌اند که در صورت تمایل به بازگشت جدی به میز مذاکره، این مهلت را به تعویق بیندازد. آنها در نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل نوشته‌اند:

«ما به صراحت اعلام کرده‌ایم که اگر ایران آماده دستیابی به یک راه‌حل دیپلماتیک قبل از پایان ماه اوت نباشد، یا از فرصت تمدید استفاده نکند، ما آماده فعال‌سازی مکانیسم ماشه خواهیم بود». این مکانیسم که در توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ گنجانده شده است، به اعضای گروه ۵+۱ اجازه می‌دهد تا در صورت عدم پابندی قابل توجه تهران به توافق، تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل را که بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ اعمال شده بود، مجدداً برقرار کنند. نکته کلیدی این است که اعضای دائم شورای امنیت نمی‌توانند این فرآیند را وتو کنند و این امر ایران را بدون سپر دیپلماتیک چین یا روسیه، آسیب‌پذیر می‌سازد.

با بازگشت این تحریم‌ها ایران با مجموعه‌ای از بحران‌های پیچیده روبروست که برجسته‌ترین آنها در حال حاضر، بحران آب است. این بحران به حدی جدی است که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، در پیامی ویدئویی به زبان فارسی به مردم ایران وعده داد که پس از «آزادی» ایران، اسرائیل به حل کمبود شدید آب این کشور کمک خواهد کرد. برخی مسئولان ایرانی نیز به چالش ایران در هر دو موضوع، یعنی بحران آب و مذاکرات هسته‌ای، اذعان کرده‌اند.

شکی نیست که بر نامه هسته‌ای ایران در جنگ دوازده روزه به آسیب دید، اما دو عامل نگران‌کننده باقی مانده است: اول آنکه انگیزه نظام برای پیشبرد برنامه هسته‌ای پس از آنکه بازدارندگی متعارفش بیشتر شده است؛ و دوم اینکه ایران همچنان انباری با بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصد در اختیار دارد که برای ساخت چندین کلاهک هسته‌ای کافی است. دنی سیتروویچ، رئیس سابق شاخه ایران در اطلاعات نظامی ارتش اسرائیل، معتقد است که ایران در یک «تنگناي استراتژیک» قرار دارد که می‌تواند به رویارویی مجدد منجر شود. او می‌گوید: «شرایط ایران ترکیبی از مسائل مهمی است: جنگ، رویارویی مداوم با اسرائیل، و از سوی دیگر بحران آب و مسائل منطقه‌ای دیگر». به عقیده او، «احتمال بالایی وجود دارد که اگر ایرانی‌ها ارزیابی کنند که اسرائیل در شرف حمله به آنهاست، حمله کنند.» تازمانی که ایران توانایی‌های پدافند هوایی و موشکی خود را که به آسیب دیده بازسازی نکند، احتمالاً «تصمیمات استراتژیک در مورد مسئله هسته‌ای نخواهد گرفت.»

رمزگشایی از راهبرد جدید غرب برای مهار ایران

معماری تحمیل انزو!

خصمانه در نزد افکار عمومی داخلی خودشان.

◆ **نهادینه‌سازی تهدیدانگاری ایران در اسناد غرب**

این رویکرد به وضوح در اسناد راهبردی اخیر قدرت‌های غربی قابل ردیابی است. به عنوان یک نمونه شاخص، سند «راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۵ بریتانیا» که در ژوئن ۲۰۲۵ منتشر شد، با صراحت بی‌سابقه‌ای کشورمان را به عنوان یک تهدید مستقیم معرفی می‌کند. در بخش «تقابل» یا Confrontation این سند ادعا شده است: «فعالیت خصمانه ایران در خاک بریتانیا نیز در حال افزایش است، به عنوان بخشی از تلاش‌های نظام ایران برای ساکت کردن منتقدان خود در خارج و همچنین تهدید مستقیم بریتانیا». این سند راهبردی در ادامه، کشورمان را به «فعالیت تهاجمی و بی‌ثبات‌کننده» متهم کرده و به صورت مستقیم به درگیری نظامی با رژیم صهیونیستی اشاره می‌کند. همچنین، بریتانیا ذیل طرح «ثبت نفوذ خارجی»، کشورمان را در کنار روسیه در ردیف «بالاترین سطح تهدید» قرار داده است که مستلزم نظارت و کنترل شدید بر فعالیت‌های مرتبط با آن در خاک بریتانیاست. نکته قابل تامل در اینجا، عدم تقارن راهبردی در ادبیات رسمی کشورمان متناسب با ادبیات غربی‌هاست. در حالی که سندی در این سطح، به صراحت از کشورمان به عنوان یک تهدید نام می‌برد و آن را به «فعالیت خصمانه» متهم می‌کند، در اسناد راهبردی و بیانیه‌های رسمی کشورمان، کمتر شاهد چنین رویکردی در قبال دولت بریتانیا یا سایر قدرت‌های اروپایی هستیم. در قبال دولت بریتانیا یا سایر قدرت‌های اروپایی هستیم. ادبیات سیاست خارجی ما عموماً بر مفاهیم کلی‌تری مانند «نظام سلطه» یا «مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای در منطقه» استوار است و از نام بردن مستقیم کشورها به عنوان «دشمن» یا «منبع تهدید اخلاکگر» پرهیز می‌کند. این عدم تقارن، اگرچه ممکن است ریشه در یک رویکرد دیپلماتیک متفاوت داشته باشد، اما در عرصه جنگ روایت‌ها، کشورمان را در موضعی تدافعی قرار می‌دهد. طرف مقابل با صراحت اتهام می‌زند و ما را به عنوان منبع تهدید معرفی می‌کند، در حالی که ما در سطح رسمی از برجسته‌سازی نقش تاریخی و معاصر همین قدرت‌ها در ایجاد بی‌ثباتی و اخلاخل در منطقه پرهیز می‌کنیم. این خلأ، به طرف غربی اجازه می‌دهد تا روایت خود را بدون چالشی جدی، به عنوان چارچوب تحلیلی غالب در مجامع بین‌المللی تثبیت کند.

◆ **هزینه‌های غفلت از جنگ روایت‌ها**

پیامدهای این روند بسیار جدی است. تهدیدشدن انگاره «ایران اخلاکگر» در آستانه تصمیم‌گیری‌های مهمی چون فعال‌سازی مکانیسم ماشه، می‌تواند اجماع‌سازی علیه کشورمان را تسهیل کند و هزینه مقاومت دیپلماتیک را برای کشورهای مستقل افزایش دهد. این روایت، هرگونه اقدام کشورمان در راستای تأمین منافع مشروع خود در منطقه، از حمایت از محور مقاومت گرفته تا توسعه برنامه‌های دفاعی را به عنوان شهادی بر «رفتار مخرب» آن بازتولید می‌کند. در چنین فضایی، ابتکارات

نوید کمالی

دبیر گروه راهبرد

در دوران گذار نظم بین‌المللی، «جنگ روایت‌ها» به یکی از تعیین‌کننده‌ترین ابعاد رقابت‌های ژئوپلیتیک تبدیل شده است. مدیریت افکار و شکل‌دهی به برداشت‌های جهانی از یک بازیگر، امروزه نقشی کمتر از قدرت نظامی یا اقتصادی در تأمین منافع ملی ایفا نمی‌کند. در این میان، قدرت‌های غربی با هدف بازآرایی نظم امنیتی و اقتصادی در مناطق راهبردی همچون غرب آسیا، به صورت فزاینده‌ای از ابزار برجسب‌زنی راهبردی برای منزوی‌سازی و مهار رقبای خود بهره می‌برند. یکی از کلیدی‌ترین این برجسب‌ها، معرفی کشورمان به مثابه یک «قدرت اخلاکگر» است؛ قدرتی که گویا مانع اصلی صلح، ثبات و توسعه پایدار در منطقه است. این رویکرد، صرفاً یک تاکتیک رسانه‌ای نیست، بلکه راهبردی چندلایه برای مشروعیت‌زدایی از نفوذ منطقه‌ای کشورمان و فراهم‌سازی زمینه برای اعمال فشارهای بیشتر است. این مقاله با تحلیل یکی از جدیدترین اسناد امنیت ملی غرب، یعنی «راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۵ بریتانیا»، در پی پاسخ به این پرسش محوری است که چگونه این روایت در حال نهادینه‌شدن در اسناد راهبردی قدرت‌های اروپایی است و این روند چه پیامدهای راهبردی برای امنیت و منافع ملی کشورمان در میان‌مدت و بلندمدت به همراه خواهد داشت؟

◆ **از برجسب‌زنی تا راهبرد مهار**

تحولات بنیادین در محیط بین‌المللی و منطقه‌ای، قدرت‌های غربی را به سمت بازتعریف منافع و راهبردهای خود سوق داده است. تلاش برای تحمیل نظمی نوین در غرب آسیا که تأمین‌کننده منافع بلندمدت آنها باشد، مستلزم تضعیف یا حذف بازیگرانی است که در برابر این نظم‌سازی مقاومت می‌کنند. کشورمان، به دلیل عمق راهبردی، استقلال در سیاست خارجی و توان تأثیرگذاری بر معادلات منطقه‌ای، در کانون این راهبرد مهار قرار گرفته است. از آنجایی که حذف فیزیکی یا تضعیف یکباره قدرت کشورمان از طریق درگیری نظامی مستقیم، گزینه‌ای پر هزینه و پرمخاطره است، یک جنگ شناختی و ادراکی مستمر برای فرسایش مشروعیت و انزوای سیاسی آن در دستور کار قرار گرفته است. هسته مرکزی این جنگ، تولید و ترویج گزاره‌ای است که کشورمان را نه یک بازیگر منطقی و دارای منافع مشروع، بلکه یک «عامل اخلاخل و بی‌ثباتی» معرفی می‌کند. این چارچوب‌سازی، هدف‌گذاری چندگانه‌ای را دنبال می‌کند: اول، ایجاد اجماع بین‌المللی برای اقدامات محدودکننده؛ دوم، بازداشتن بازیگران منطقه‌ای از همکاری با کشورمان؛ و سوم، توجیه سیاست‌های

اندیشکده

ضرورت تدوین سند امنیت ملی کشور

می‌کنند که نتیجه آن، صدایی پراکنده و گاه متناقض است؛ ضعفی راهبردی که به راحتی توسط رقبا مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد. یک سند مدون، این پراکندگی را به انسجام و این واکنش‌گرایی را به کنشگری فعال تبدیل می‌کند.

دیپلماسی رسانه‌ای، تولیدات فرهنگی راهبردی و مواضع دیپلماتیک ما زمانی از انسجام و تأثیرگذاری حداکثری برخوردار خواهند بود که همگی به یک دکتترین واحد، مدون و مورد اجماع ارجاع دهند. این سند، واژگان، مفاهیم و اولویت‌های امنیت ملی را از منظر ما تعریف کرده و از آن پس، هر سفیر، هر رایزن فرهنگی و هر رسانه رسمی، با اتکا به این چارچوب مفهومی مشترک، پیام خود را به جهان مخابره خواهد کرد. تکرار هوشمندانه و هماهنگ این پیام‌های منسجم در طول زمان، به تدریج روایت‌های جعلی را فرسوده کرده و روایت اصیل کشورمان را در ذهن نخبگان و افکار عمومی جهان تثبیت می‌نماید.

ایسن سند، ضمن تبیین دقیق تهدیدات، فرصت‌ها و خطوط قرمز از منظر منافع ملی کشورمان، چارچوبی منسجم و قدرتمند برای تمام کنشگران حوزه سیاست خارجی و رسانه فراهم می‌آورد. این چارچوب به آنها اجازه می‌دهد تا به جای گرفتار شدن در دام پاسخگویی به اتهامات

طبقه‌بندی‌شده باشد، یک بیانیه قدرتمند سیاسی و یک ابزار کارآمد در حوزه دیپلماسی عمومی است. این سند به جامعه بین‌المللی و به‌ویژه به همسایگان ما نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران، بازیگری منطقی، دارای منافع تعریف‌شده و صاحب دکتترین برای آینده منطقه است. در شرايطی که پروژه ایران‌هراسی بر مبنای «ابهام‌آفرینی» در مورد اهداف کشورمان بنا شده، ارائه یک متن رسمی که در آن بر اصولی چون احترام به حاکمیت ملی کشورها، امنیت دسته‌جمعی، توسعه همکاری‌های اقتصادی و مبارزه مشترک با تهدیدات فراملی مانند تروریسم و افراط‌گرایی تأکید شود، می‌تواند بخش بزرگی از تبلیغات مسموم رقبا را خنثی کند. چنین سندی به کشورهای پیرامونی این پیام روشن را می‌دهد که نگاه ما به منطقه، مبتنی بر ثبات، همکاری و پیشرفت مشترک است و این، سنگ‌بنای اعتماد متقابل را تقویت خواهد کرد.

علاوه بر این، سند امنیت ملی می‌تواند و باید به عنوان متن مادر و مبنای نظری اقدامات روانی و شناختی کشورمان در مقابله با جنگ روایت‌ها عمل کند. در غیاب چنین سندی، کنشگران ما در عرصه‌های مختلف بین‌المللی اغلب بر اساس برداشت‌های فردی یا واکنش‌های مقطعی عمل

روزمره، پیش‌دستانه عمل کرده و روایتی یکپارچه، مستدل و آینده‌نگر از نقش سازنده و ثبات‌ساز ایران در تحولات جهانی ارائه دهند. در واقع، این اقدام، پدافند شناختی ما را از یک حالت واکنشی و دفاعی، به یک راهبرد تهاجم روایی و متمرکز برای شکل‌دهی به افکار نخبگان و ملت‌های جهان تبدیل می‌کند؛ تهاجمی که سلاح آن، منطق، شفافیت و ارائه یک چشم‌انداز مثبت برای آینده منطقه و جهان است.

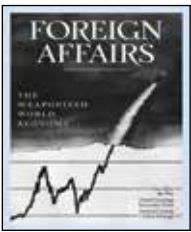
خوشبختانه، شرایط کنونی برای تحقق این مهم، مساعد به نظر می‌رسد. انتخاب دبیر جدید برای شورای عالی امنیت ملی و آغاز فصلی نو در فعالیت این نهاد راهبردی، فرصتی مغتنم برای برداشتن این گام بلند و تاریخی است. انتظار می‌رود که در دوره جدید، با درک عمیق از اهمیت جنگ ادراکی در هندسه نوین قدرت جهانی، تدوین و انتشار سند امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در دستور کار قرار گیرد. این اقدام نه تنها پاسخی قاطع به سال‌ها پرونده‌سازی و تصویرسازی منفی علیه کشورمان خواهد بود، بلکه فصلی جدید از شفافیت راهبردی را در سیاست خارجی ما خواهد گشود و جایگاه واقعی ایران را به عنوان لنگر ثبات و محور توسعه در منطقه تثبیت خواهد کرد.



و تحول بنیادین در ساختارها، افراد و سازمان‌هایی که مسئولیت دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای کشورمان را بر عهده دارند. عملکرد این نهادها در طول سال‌های گذشته، با وجود دسترسی به منابع عظیم مالی و انسانی، در خنثی‌سازی پروژه ایران‌هراسی و ارائه تصویری مطلوب، کارآمد و مبتکرانه از کشورمان، به هیچ وجه قابل قبول نبوده است. نیاز به تزییق تفکر راهبردی، خلاقیت و جسارت در این حوزه بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. دوم، تولید فعالانه و ترویج هوشمندانه روایت «ایران به مثابه قدرت ثبات‌ساز و توسعه‌محور». به جای گرفتار شدن در دام پاسخگویی به اتهامات، باید ظرفیت‌های کشورمان در مبارزه با تروریسم تکفیری، میزبانی از میلیون‌ها پناهنده، تأمین امنیت شاهراه‌های انرژی و پیشبرد پروژه‌های همگرایی اقتصادی مانند کریدور شمال-جنوب به صورت برجسته به افکار عمومی نخبگان و مردم جهان معرفی شود. سوم، بهره‌گیری از دیپلماسی چندجانبه و ائتلاف‌سازی با کشورهای مستقل برای به چالش کشیدن روایت‌های یک‌جانبه غربی، باید نقش تاریخی و معاصر همین قدرت‌ها در ایجاد جنگ، اشغال، کودتا و بی‌ثباتی در منطقه غرب آسیا به صورت مستند و عالمانه در مجامع بین‌المللی تبیین گردد. به طور کلی، پیروزی در این نبرد نامتقارن، نیازمند باوری عمیق به اهمیت «قدرت نرم» و سرمایه‌گذاری راهبردی بر ظرفیت‌های ادراک‌سازی است. غفلت از این عرصه، می‌تواند دستاوردهای بزرگ کشورمان در سایر حوزه‌های سخت را در معرض فرسایش و تهدید قرار دهد. آینده جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی کشورمان، تا حد زیادی به توانایی ما در روایت کردن خودمان بستگی دارد.

پیشخوان

سقوط قریب الوقوع آمریکا



«فارن افرز» درباره بحران مالی پیش روی آمریکا نوشت: «به علت بدهی های فوق العاده بالای آمریکا، دلار دیگر غیرقابل آسیب به نظر نمی‌رسد، به خصوص به علت عدم قطعیت در مورد سیاست آمریکا. در کوتاه مدت، بانک‌های مرکزی جهانی و سرمایه‌گذاران خارجی ممکن است تصمیم بگیرند که مجموع دارایی‌های خود به دلار آمریکا را محدود کنند. در میان مدت و بلندمدت، دلار ممکن است سهم بازار خود را به یوان چین، یورو و حتی ارزهای رمزنگاری شده از دست بدهد. در هر صورت، تقاضای خارجی برای بدهی آمریکایی کاهش خواهد یافت که فشار صعودی بیشتری بر نرخ‌های بهره آمریکا وارد کرده و محاسبات خروج از چاله بدهی را ترسناک‌تر خواهد کرد.» این نشریه افزود: «با افزایش شدید نرخ‌های بهره بلندمدت، نزدیک شدن بدهی عمومی به اوج خود پس از جنگ جهانی دوم، هراس‌ان‌تر شدن سرمایه‌گذاران خارجی، و تمایل کم سیاستمداران برای محدود کردن استقراض جدید، امکان وقوع بحران بدهی قرن در آمریکا دیگر دور از ذهن به نظر نمی‌رسد. بدهی و بحران مالی دقیقاً زمانی رخ می‌دهد که وضعیت مالی یک کشور از قبل ناپایدارتر شده، نرخ‌های بهره آن بالا است، وضعیت سیاسی آن فلج شده و یک شوک، سیاستگذاران آن کشور را غافلگیر کند. آمریکا همین حالا سه مورد اول را داراست؛ تنها چیزی که کم دارد، یک شوک است.»

خفت در برابر ترامپ



روزنامه واشنگتن پست نوشت: «ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، در دیدار اخیر خود با رئیس‌جمهور آمریکا بارها از او تشکر کرد. زلنسکی از ترامپ به خاطر میزبانی تشکر کرد، به خاطر معرفی کردنش به دیگر مهمانان و رسانه‌ها تشکر کرد، به خاطر یک مکالمه بسیار خوب تشکر کرد. در کل، رئیس‌جمهور اوکراین حدود ۱۱ بار در طول ۴ و نیم دقیقه‌ای که در چندین جلسه به طور عمومی خطاب به او صحبت کرد، از او تشکر کرد، و به دیگر رهبران اروپایی و ناتو در همسرایی سپاسگزاری و ستایش از ترامپ پیوست.» دور قبلی دیدار این دو رئیس‌جمهور، به فاجعه انجامید. ترامپ و معاونش زلنسکی را متهم کردند که به اندازه کافی از آمریکا برای کمک در طول جنگ سه ساله تشکر نکرده است. سپس او را از کاخ سفید بیرون کرده و تهدید کردند تمامی کمک‌های آمریکا به اوکراین را قطع می‌کنند. واشنگتن پست افزود: «رهبران اروپایی و ناتو نیز به طور مکرر در طول جلسه از ترامپ تشکر و تعریف کردند. مارک روته، دبیرکل ناتو، از «دونالد عزیز» به خاطر رهبری‌اش، رئیس کمیسیون اروپا به خاطر مطرح کردن رپایش سیستماتیک کودکان اوکراینی و نخست‌وزیر بریتانیا، رئیس‌جمهور فرانسه، صدراعظم آلمان و نخست‌وزیر ایتالیا هر یک به خاطر گرد هم آوردن آنها ابراز قدردانی کردند.»

قاتلان آمارساز

چگونه رژیم صهیونیستی با «پیشخوان مرگ» غیرنظامیان را قربانی کرد؟

آن زمان رئیس واحد اطلاعاتی «۸۲۰۰» این رژیم بود، روزانه شمار تلفات غزه را به شکل یک نمودار داده ارانه می‌کرد که «پیشخوان جنگ» نام داشت. منابع به این روزنامه گفتند که ساریل و دیگر فرماندهان ارشد، کشتن رزمندگان حماس را به خودی خود یک هدف جـا می‌زدند، هیچ بحثی درباره این که بعد از حماس، غزه چگونه کنترل یا اداره خواهد شد، یا این رژیم ممکن است با کشتار گسترده مبارزان چه امتیازاتی بگیرد، در جریان نبود. یکی از زیردستان ساریل گفت: «ما یک پیشخوان تعاملی داشتیم، اما اهداف جنگ را درک نمی‌کردیم. تقلیل همه چیز به شکل اعداد بسیار ناامیدکننده بود.» چندین منبع گفتند که برخی در ارتش، بزرگ‌نمایی آمار تلفات نظامیان، ارقامی که مکرراً توسط رسانه‌های صهیونیستی گزارش می‌شدند، را راهی برای احیای جایگاه خود در افکار عمومی پس از شکست در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ می‌دیدند.

یک منبع نظامی ارشد غربی گفت که از منظر استراتژیک، تلاش برای سنجش پیشرفت نظامی از طریق شمارش کشته‌های نظامی، در میان نرخ به شدت بالای کشتار غیرنظامیان، از نظر تاکتیکی نامعقول بوده است. برای نزدیک به دو سال، نتانیاھو گفته است که نیروهای اسرائیل برای

«نابودی حماس» در غزه هستند؛ این هدف آن مبهم است که می‌توان تقریباً به طور نامحدودی آن را دنبال کرد. گاردین افزود: «این در حالیست که پس از بمباران‌های شدید و عملیات‌های زمینی که ده‌ها هزار غیرنظامی را به کشتن داده است، بیشتر افرادی که در پایگاه داده (رژیم) اسرائیل به عنوان رزمندگان حماس و جهاد اسلامی فلسطین فهرست شده‌اند، هنوز زنده هستند. اسرائیل بسیاری از افرادی که درگیری مسلحانه فعال مشارکت نمی‌کنند و تحت قوانین بین‌المللی غیرنظامی محافظت‌شده محسوب می‌شوند را به عنوان نظامی تعریف کرده و هدف می‌گیرد.»

آمارسازی‌های رژیم صهیونیستی مورد تمسخر سایر سران این رژیم نیز قرار گرفته، ژنرال بازنشسته «ایتراک بریک»، که در آغاز جنگ محرم اسرار نتانیاھو بود اما اکنون منتقد سرسخت اوست، می‌گوید حتی رقم هشت هزار و نهصد نیز اغراق است. او گفت که تمرکز سران نظامی این رژیم برای شمار تلفات، به آمارسازی منجر شده و «یکی از جدی‌ترین بلوف‌ها» در تاریخ رژیم صهیونیستی را رقم زده است.

به نوشته گاردین، مقایسه پایگاه داده نظامی با فهرست تلفات وزارت بهداشت غزه نشان می‌دهد

پنجره

سکوت نمی‌کنیم!

نگاهی به مواضع حزب الله که اردوگاه واشنگتن را به هم ریخت

روزنامه «الاخبار» نوشت: بیروت میزبان هیئت‌های دیپلماتیک است که تشدید نبرد سیاسی در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی را در این کشور نشان می‌دهد. واشنگتن دیپلماسی فشار به لبنان را ادامه می‌دهد و تکمیل گام‌های لازم برای خلع سلاح مقاومت را خواستار است. ماهیت سفرن باراک در ظاهر تشویق «ارکان قدرت گوش به فرمان» لبنان بود، اما اصل ماجرا به تحولات متعددی مرتبط است که

مهم‌ترین آن، سفر لاریجانی بود. الاخبار نوشت: سخنرانی اخیر شیخ نعیم قاسم دبیرکل حزب‌الله که خطرناک‌ترین سخنرانی از زمان پایان جنگ توصیف شده، کاملاً تأثیرگذار بوده و به شدت دولتمردان را به هم ریخته و برخی از آنها را شوکه کرده است به ویژه اینکه آنها تصور نمی‌کردند که حزب‌الله توان دفاع از سلاحش را داشته باشد. آنچه از این دیدارها به بیرون درز پیدا کرد، یکپارچگی موضع لبنانی‌هاست که بر اساس آن، آمریکا باید تصمیم بدهد هر گامی از سوی لبنان با یک گام متقابل از سوی «اسرائیل» همراه باشد.

یک منبع رسمی به الاخبار گفت «عون و سلام» از واکنش حزب‌الله و سقف آن به شدت غافلگیر شدند زیرا تصور می‌کردند که حزب‌الله در قبال «نفتالی بنت»، نخست‌وزیر اسبق رژیم صهیونیستی، گفت که کابینه نتانیاھو در اهداف خود، «آزادی همه اسیران اسرائیلی» و «نابودی حماس» شکست خورده است. به گفته وی، ائتلاف نتانیاھو با ترجیح منافع سیاسی نسبت به جان اسیران، رژیم صهیونیستی را در باتلاق غزه گرفتار کرده است. بنت افزود: «آنها با پافشاری به تداوم حملات و اشغال شهر غزه نیروهای ذخیره ارتش را به فرسودگی بی‌سابقه رسانده و جهان را علیه ما تحریک کرده‌اند.» وی با تأکید بر اینکه افزایش شکاف داخلی منجر به تیره ائتلاف نتانیاھو از شکست در غزه می‌شود، اظهار کرد: «دولت فعلی با دامن زدن به شکاف‌ها، اسرائیل را در معرض جنگ داخلی قرار می‌دهد.»

زهراتوحیدیان

دبیر گروه بین‌الملل

همزمان با طرح جدید رژیم صهیونیستی برای اشغال غزه، آمار جدیدی از سوی رسانه‌های غربی افشا شده که اثبات می‌کند سران این رژیم علاوه بر دروغ‌گویی به شهروندان خود و جهان، در شکست رزمندگان حماس شکست خورده‌اند.

روزنامه «گاردین» افشا کرده است که در ماه مه ۲۰۲۵، پایگاه داده اطلاعات نظامی رژیم صهیونیستی از رزمندگان حماس و جهاد اسلامی فلسطین ۴۷ هزار و ۶۵۳ نام داشت و اسامی ۸هزارو ۹۰۰ نفر به عنوان «کشته شده» یا «احتمالاً کشته شده» مشخص شده بود. این رقم کمتر از یک پنجم کل اسامی است و به میزان قابل توجهی پایین‌تر از ارقامی است که به طور عمومی توسط سیاستمداران و فرماندهان نظامی رژیم صهیونیستی بیان شده است.

به نوشته این روزنامه، در غیاب یک استراتژی بلندمدت، ارتش رژیم صهیونیستی تصمیم گرفته که شمار کشتهشدگان نظامی را به عنوان معیاری برای موفقیت خود معرفی کند. چندین منبع اطلاعاتی به گاردین گفتند که پس از آغاز دور جدید جنگ در ۲۰۲۳، «یوسی ساریل»، که در

تحلیل

عاشق بلوف

فارین پالسی شخصیت ترامپ را بررسی می‌کند

کرد، چیزی برای آمریکا، متحدانش یا اوکراین به دست آورد ترامپ چه امتیازاتی از رهبران اروپایی گرفت؟» وی افزود: «انجام یک مذاکره موفق با یک رقیب جدی مستلزم ارزیابی خونسرد، بی‌رحمانه و واقع‌بینانه از منافع، قدرت و عزم هر طرف است. شما یک رهبر مانند پوتین را با محبوبیت یا با پهن کردن فرش قرمز روی باند فرودگاه مجذوب خود نمی‌کنید تا امتیاز بدهد، و با خیال‌پردازی یا با تهدید و وعده‌هایی که هیچ‌کس جدی نمی‌گیرد، به جایی نمی‌رسید. این مشکل بیش از یک دهه است که سیاست غرب در قبال روسیه و اوکراین را آزار داده است.»

والت خاطر نشان کرد: «به جای رویه بی‌ثبات و یک‌درمیان ترامپ، که علی‌القاعده میل شدید او برای جر و بحث با متحدان اروپایی‌اش در مسائل متعدد دیگر را نیز باید به آن افزود، بهترین راه برای دستیابی به بهترین معامله ممکن، از طریق موارد زیر میسر است: حفظ جبهه متحد آمریکا با اروپا، تداوم پشتیبانی نظامی ناتو از اوکراین، و دنبال کردن مذاکرات جدی و آماده از سوی اوکراین و واشنگتن با روسیه بر اساس ارزیابی واقع‌بینانه از موضع چانه‌زنی هر طرف.»

«استفان والت»، نظریه پرداز سرشناس روابط بین‌الملل، در فارن پالیسی نوشت: «ترکیب آن اجلاس عجیب در آلاسکا با پوتین و گردهمایی عجیب‌تر رهبران ناتو در واشنگتن، یادآوری کرد که ترامپ، یک مذاکره‌کننده بسیار ضعیف و استاد واقعی «برباد دادن» است. او در هر نشستی حاضر می‌شود بدون آنکه بداند چه می‌خواهد یا خطوط قرمز او کجاست. او استراتژی ندارد و به جزئیات علاقه‌ای نشان نمی‌دهد، بنابراین فقط بلوف می‌زند و بر اساس موقعیت پیش می‌رود.» وی افزود: «ترامپ فقط مشتاق جلب توجه است، به همراه تصاویر چشمگیری که الفا می‌کند او اوضاع را تحت کنترل دارد. ماهیت هر معامله‌ای که ممکن است منعقد کند، اگر نگویم برایش اهمیتی ندارد، دستکم در اولویت دوم قرار دارد؛ به همین دلیل است که برخی از توافقاتی تجاری که اخیراً امضا کرده، برای ایالات متحده کمتر از آنچه ادعا می‌کند، سودمند است.»

والت، اعضای کنگره از حزب جمهوری‌خواه را ترسو و فرصت‌طلب خواند که همچون یک فرقه رفاقر می‌کنند و هر خواست بی‌اساس ترامپ را بی‌چون‌وچسرا می‌پذیرند و افزود: «فقط از خود بپرسید: آیا ترامپ وقتی در آلاسکا با پوتین ملاقات

تله مرگ

«ایهود باراک»، نخست‌وزیر پیشین رژیم صهیونیستی، گفت: «اشغال غزه یک تله مرگ است که به نفع حماس خواهد بود و شکست آن را به یک پیروزی سیاسی تبدیل می‌کند.» وی افزود: «نتانیاھو علت اصلی وضعیت فروپاشی است که ما در آن به سر می‌بریم. زمان آن رسیده که حقیقت را به صورت آشکار در مورد ورود به غزه بگوییم که رئیس ستاد ارتش ایسن ورود را دام مرگ توصیف کرده است. حماس عمق بحران (رژیم) اسرائیل را در مقابل جهانیان عیان خواهد کرد.» نخست‌وزیر پیشین رژیم صهیونیستی تأکید کرد: «نتانیاھو ما را به یک ماجراجویی خطرناک به سمت پرتگاه می‌برد.»



جنگ داخلی

«نفتالی بنت»، نخست‌وزیر اسبق رژیم صهیونیستی، گفت که کابینه نتانیاھو در اهداف خود، «آزادی همه اسیران اسرائیلی» و «نابودی حماس» شکست خورده است. به گفته وی، ائتلاف نتانیاھو با ترجیح منافع سیاسی نسبت به جان اسیران، رژیم صهیونیستی را در باتلاق غزه گرفتار کرده است. بنت افزود: «آنها با پافشاری به تداوم حملات و اشغال شهر غزه نیروهای ذخیره ارتش را به فرسودگی بی‌سابقه رسانده و جهان را علیه ما تحریک کرده‌اند.» وی با تأکید بر اینکه افزایش شکاف داخلی منجر به تیره ائتلاف نتانیاھو از شکست در غزه می‌شود، اظهار کرد: «دولت فعلی با دامن زدن به شکاف‌ها، اسرائیل را در معرض جنگ داخلی قرار می‌دهد.»



یادداشت

ابهام تعرفه واردات

امیر حسن کلکایی

عضو هیئت علمی
دانشگاه علم و صنعت

تعرفه خودروهای وارداتی طی ماههای گذشته دستخوش تغییراتی شده است. تغییرات نرخ‌گذاری علی‌رغم اینکه در ظاهر امر ممکن است تفاوت فاحشی داشته باشد اما با اطمینان نمی‌توان گفت کاهش یا افزایش تعرفه خودروی وارداتی بتواند اثرگذاری خاص و ویژه‌ای روی بازار خودروی کشور به جای بگذارد.

در این موضوع تردیدی وجود ندارد که تعرفه ۱۰۰ درصدی رقم بسیار بالایی بود و با اینکه کارشناسی نبود متأسفانه مصوب و تأیید شد. شاید به دلیل اینکه تعرفه خودروی وارداتی کارشناسی نشده بود در طول ماههای گذشته چندین بار تغییر کرد. رقم هایی مثل تعرفه ۵۵ درصدی که به خودروهای ۲۰۰۰ سی‌سی و زیر ۱۵۰۰ سی‌سی تعلق گرفته بود و تعرفه خودروهای هیبریدی و برقی که به ترتیب ۱۵ و ۵ بود افزایش یک باره این ارقام به ۱۰۰ درصد قطعاً سیاستی غیر عقلانی بود.

تعرفه واردات خودروهای سنگین علی‌رغم اینکه صنعت و معدن کشور به شدت وابسته به واردات خودروهای سنگین است نیز وقتی رقم بیش از ۱۰۰ درصدی داشت بیانگر آن بود سیاست‌گذار رویکردی توسعه‌گرایانه و چندبعدی ندارد. کاهش تعرفه خودروهای گرانقیمت آن هم در پایان اسفند ماه را می‌توان اتخاذ یک سیاست اشتباه دیگر عنوان کرد. اشتباهی که محاسن آن در شب عید فقط به ثروتمندانی که توانایی خرید خودروی خارجی دارند نه مردم عادی رسید.

آغاز سال ۱۴۰۴ یک بار دیگر شاهد اقدامات و رویکردهای اشتباه دولت بودیم زیرا به یک باره اعلام شد تعرفه وارداتی به ارقامی در حدود ۲۰ و ۴۰ درصد کاهش داده شد آن هم برای واردات خودروهای زیر ۲۰۰۰ سی‌سی در حالی که چنین خودروهایی طی سال‌های گذشته همواره تعرفه‌های بالای ۱۰۰ درصدی داشته‌اند.

در موضوع تعرفه‌گذاری خودروها سیاست‌گذار ناظر بر توجه به همه ابعاد تصمیم‌گیری نکرده است. شک نداشته باشیم افزایش یا کاهش تعرفه‌ها و سیاست‌گذاری‌های این حوزه روی تعرفه واردات قطعات و برخی از خودروها و تولیدات داخلی نیز به همان نسبت اثر می‌گذارد.

هر چند برخی جوانب کاهش تعرفه‌ها می‌تواند مثبت باشد اما در خصوص صنعت خودروسازی عملاً منجر به ایجاد چالش‌هایی می‌شود ضمن اینکه انتظار می‌رود شاهد بروز برخی مشکلات برای خودروسازان و قطعه‌سازان داخلی باشیم. به هر حال تکلیف تعرفه واردات خودرو همچنان مشخص نشده و بازار در ابهام به سر می‌برد. ابهام واردات موجب چالش‌هایی در حوزه تولید می‌شود زیرا تولید با تعرفه ۴۶ درصدی عملکردی متفاوت با تعرفه ۱۵ یا ۷۰ درصدی خواهد داشت.

پیچیده شدن ماجرای تعرفه واردات خودرو منجر به باز شدن پای دیوان عدالت اداری به این بحث و اعلام حکم تعلیق موقت شد. علی‌رغم اینکه بحث‌های مختلفی در خصوص تعرفه واردات خودرو و اثر آن بر بازار داخل و حوزه قطعه‌سازی وارد است اما به دلیل عدم تناسب و همخوانی ارقام عنوان شده و آثاری که در درازمدت بر بازار تولید و روند تورم تولید ایجاد می‌کند باید منتظر سیاست‌های بعدی و تصمیماتی بود که چالش‌های پیش‌رو را کاهش دهد.

ساحل عباسی

خبرنگار

چون معاملات مسکن و خودرو نسبت به معاملات در سایر حوزه‌ها شفاف‌تر است و برای این معاملات سند رسمی صادر می‌شود این امکان وجود دارد که این حوزه‌ها تحت تأثیر مالیات بر عایدی سرمایه قرار بگیرند بنابراین سرمایه‌هایی که تا کنون وارد بخش مسکن و خودرو شدند به سمت بازارهایی با شفافیت کمتر مثل رمز ارزها، خرید ارز و طلا حرکت کنند. با توجه به اینکه معامله طلا و ارز نسبت به معامله در بخش مسکن و خودرو سهل‌تر است و دولت توان و ابزار لازم برای توانایی و رصد این مدل معاملات را ندارد و جریان‌های نقدی این موارد قابل رصد صد در صدی نیست لذا اخذ مالیات بر عایدی سرمایه از این بازارها دشوار است.

«سیدحسین رضوی‌پور» کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی در گفت‌وگو با صبح صادق با اشاره به کارکردهای قانون مالیات بر عایدی سرمایه، ابعاد پیدا و پنهان آثار این مصوبه را با ما مورد نقد و بررسی قرار داد و گفت: علی‌رغم اینکه زمان زیادی باید صرف بررسی زوایای پیدا و پنهان بحث مالیات بر عایدی سرمایه کرد، اما لازم به ذکر است که اصل تصویب و اجرای قانون مالیات بر عایدی سرمایه به عنوان یک مالیات تنظیمی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است؛ بدین معنا که تصویب و اجرای این قانون برای جلوگیری از رفتارهای سوداگرانه بسیار ضرورت دارد.

وی معتقد است: قانون مالیات بر عایدی سرمایه چنان کشورهای توسعه‌یافته باید بسیار زودتر از حال حاضر تصویب و عملیاتی می‌شد تا با توسل به این ابزار دولت‌ها بتوانند هر گونه سوداگری و سفته‌بازی را مهار کنند. اما اینکه این ابزار تنظیمی درست عمل کند و بتواند در رفتار

مودیان، اعم از مردم عادی و سفته‌بازان و سوداگران تغییرات مطلوبی ایجاد کند قطعاً به نحوه استفاده از این ابزار بازمی‌گردد.

رضوی‌پور خاطر نشان کرد: در خصوص مصوبه مالیات بر عایدی سرمایه باید چند نکته مورد بررسی قرار بگیرد، در وهله اول نگاه دولت به ابزار تنظیمی مالیاتی نباید کسب درآمد باشد. یعنی دولت به هیچ وجه به این قانون نباید به عنوان منبع درآمد نگاه کند. بلکه تحقق درآمد از این قانون خود نشانی از ناکارآمدی این قانون در مهار رفتار سفته‌بازانه است. پس شرط موفقیت این مصوبه نباید حصول درآمد از محل این نوع مالیات باشد بلکه هدف اصلی تغییر رفتار فعالان اقتصادی است.

این کارشناس و تحلیلگر اقتصادی تأکید کرد: با توجه به اینکه در اقتصاد اصولاً رفتار فعالان اقتصادی در حال تغییر است، لذا نهاد تنظیم‌گر یعنی سازمان مالیاتی ابزار تنظیم‌گری خود را باید مطابق با رفتارهای فعالان اقتصادی تغییر داده و تنظیم‌کند تا بتواند بر رفتار آنها اثر بگذارد. متأسفانه قانون تنظیم و تصویب شده، دست سازمان مالیاتی را به عنوان نهاد تنظیم‌گر به اندازه مورد نیاز باز نگذاشته و این موضوع در آینده می‌تواند چالش‌ساز شود. زیرا رفتار فعالان اقتصادی ناظر بر این سیاست اقتصادی دناما تغییر می‌کند اما نهاد تنظیم‌گر به سهولت و چابکی نمی‌تواند خود را با رفتار فعالان بازار تطبیق دهد و سیاست‌های مالیاتی را بر آن اساس تنظیم کند.

این کارشناس اقتصادی تصریح کرد: نکته دوم در خصوص تورم است، وقتی در شرایط غیر تورمی سیاست مالیاتی جدیدی اعمال می‌کنیم بدین معناست که الگوی رفتاری را از طریق تنظیم مالیات‌ها به مردم دیکته می‌کنیم اما زمانی که در شرایط تورمی به سر می‌بریم و تورم به عنوان یک عامل تعیین‌کننده روی رفتارها تأثیر

کارشناس مسائل اقتصادی در گفت‌وگو با صبح صادق

وقتی دولت منتفع شود تورم ادامه دارد



حرکت کنند. با توجه به اینکه معامله طلا و ارز نسبت به معامله در بخش مسکن و خودرو سهل‌تر است و دولت توان و ابزار لازم برای توانایی و رصد این مدل معاملات را ندارد و جریان‌های نقدی این موارد قابل رصد صد در صدی نیست لذا اخذ مالیات بر عایدی سرمایه از این بازارها دشوار است.

وی در این خصوص خاطر نشان کرد: با توجه به اینکه بازار ارز، طلا و رمز ارز روی کاهش و افسد ارزش پول ملی اثرگذارترند در هنگامه تقاضای سفته‌بازانه مردم به این بازارها شاهد اوج گرفتن موج تورمی در اقتصاد کشور خواهیم بود. رضوی‌پور با اشاره به بسترهای موفق‌سازی این مصوبه گفت: برای موفقیت این سیاست مالیاتی فراهم‌سازی بسترهای لازم اصل است، به عبارت دیگر زمانی که طرح مالیات بر عایدی سرمایه در مجلس مطرح شد به بستر اجرایی آن نیز به عنوان مکمل موفقیت این طرح توجه شد. اما متأسفانه بستر اجرایی عملیاتی شدن این قانون در شناسایی جریان‌های نقدی اثرگذار در بازارهای دلالی و سوداگری هنوز آزمون خود را پس نداده و در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

این کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی افزود: به نظر می‌رسد بهتر بود دولت و مجلس در وهله اول با استقرار نظام مالیاتی مبتنی بر مجموع درآمد، بستر اجرایی کار را دنبال کنند تا جریان‌های نقدی افراد به شکل مؤثری رصد و کنترل شود و سپس به سراغ اجرای قانون مالیات بر عایدی سرمایه می‌رفتند. زیرا همچنان این بیم و نگرانی وجود دارد که امکان استقرار بستر اجرایی به لحاظ فنی برقرار نباشد یا شناسایی جریان‌های نقدی به صورت مؤثر ممکن نباشد و اجرای مالیات بر عایدی سرمایه، باعث شود که منابع مالی حاضر در بازارهای سفته‌بازانه از بازارهای شفاف به بازارهای غیر شفاف مخرب‌تر سوق پیدا کند.

می‌گذارد ماجرا متفاوت می‌شود. زیرا در شرایط تورمی بخش عمده‌ای از فعالان حوزه سفته‌بازی و سوداگری، به دنبال حفظ ارزش پول خود در برابر سیلاب تورم هستند. حال این سؤال مطرح می‌شود به تناظر رفتاری که با آنها داریم و آنها را سوداگر عنوان می‌کنیم و بر عایدی سرمایه آنها مالیات می‌بندیم آیا دولت هم رفتار خود را به عنوان بزرگترین عامل ایجادکننده تورم اصلاح می‌کند یا فقط تلاش می‌کند فشار تورم را به سمت فعالان اقتصادی و سوداگران تحمیل کند؟

حسین رضوی‌پور معتقد است: با توجه به اینکه دولت به عنوان موتور محرک تولید تورم از ایجاد تورم نفع می‌برد اینچنان نیز مجدداً از ایجاد تورم در حوزه‌هایی که به عنوان حوزه‌های مالیات بر عایدی سرمایه تلقی شدند اگر دولت به دنبال کسب سود باشد به معنای ایجاد چالش‌های جدید در اقتصاد ایران است. وی معتقد است: مادامی که دولت از ایجاد تورم منتفع می‌شود شاهد افزایش روند تورمی در اقتصاد ایران خواهیم بود، لذا از این دریچه نیز باید به مسئله توجه داشت.

رضوی‌پور افزود: نکته سوم حائز اهمیت در این موضوع آن است که مادامی که نهادهای مالیاتی توسعه یافته‌ای نداشته باشیم که بتوانند جریان‌های نقدینگی مردم را به طور مؤثری رصد کنند مالیات بر عایدی سرمایه موجب می‌شود پول‌های سفته‌بازی و سوداگری از بازارهایی که شفاف‌تر هستند به بازارهایی که این شفافیت را ندارند سوق پیدا کنند، به عبارت دقیق‌تر چون معاملات مسکن و خودرو نسبت به معاملات در سایر حوزه‌ها شفاف‌تر است و برای این معاملات سند رسمی صادر می‌شود این امکان وجود دارد که این حوزه‌ها تحت تأثیر مالیات بر عایدی سرمایه قرار بگیرند بنابراین سرمایه‌هایی که تا کنون وارد بخش مسکن و خودرو شدند به سمت بازارهایی با شفافیت کمتر مثل رمز ارزها، خرید ارز و طلا

شاخص

جهش ۷۵ درصدی

غول فناوری چین یعنی شیائومی اعلام کرد که سود خالص این شرکت در دوره سه‌ماهه دوم سال جاری میلادی نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۷۵/۴ درصد افزایش یافته و به ۱۰/۸ میلیارد یوان (۱/۵ میلیارد دلار) رسیده است. به گفته شیائومی، درآمد این شرکت در دوره آوریل تا ژوئن به ۱۱۶ میلیارد یوان (۱۶/۱ میلیارد دلار) رسیده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۳۰/۵ درصد رشد داشته است. بر اساس این گزارش، درآمد شیائومی از فروش گوشی‌های هوشمند طی سه‌ماهه دوم به ۴۵/۵ میلیارد یوان (۶/۳ میلیارد دلار) رسید. شیائومی برای بیستمین دوره سه‌ماهه متوالی، رتبه سوم جهانی را کسب کرد.



منهای نفت

جلبک

پرورش و صادرات جلبک، صنعتی سودآور و رو به رشد در جهان است. کشورهای چین، مالزی، کره جنوبی، اندونزی و هند از پیشگامان تولید و مصرف جلبک‌اند و درآمد کلانی کسب می‌کنند. ایران، با ظرفیت بالای استان‌هایی چون خوزستان، هرمزگان و فارس، پتانسیل ورود به این بازار را دارد، هرچند سهم کنونی اش تنها یک درصد است. ارزش بازار جهانی جلبک در سال ۲۰۲۱ حدود ۲۰/۱۶ میلیارد دلار بود و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۱ با رشد ۱۰/۹ درصدی به ۵۵/۶۷ میلیارد دلار برسد. با توجه به کاربرد جلبک در صنایع آرایشی، غذایی، دارویی و کشاورزی، صادرات آن می‌تواند درآمد دلاری قابل توجهی برای ایران به همراه داشته باشد.



افزوده

بهره

بهره، هزینه‌ای است که وام‌گیرنده برای استفاده از پول وام‌دهنده می‌پردازد و معمولاً به‌صورت نرخ سالیانه درصدی بیان می‌شود. دو نوع اصلی بهره شامل بهره ساده و مرکب است. بهره ساده بر اساس اصل پول محاسبه می‌شود، در حالی که بهره مرکب هم بر اصل پول و هم بر سود انباشته اعمال می‌شود. در ایران، بهره ساده رایج است، اما در بسیاری از کشورها بهره مرکب استفاده می‌شود. عوامل مؤثر بر نرخ بهره شامل هزینه فرصت، تورم، ریسک نکول، مدت وام، دخالت دولت و نقدینگی است. قانون ۷۲ روشی تقریبی برای تخمین نرخ بهره مرکب است؛ مثلاً، تقسیم ۷۲ بر ۵ سال، نرخ ۱۴/۴ درصد را نشان می‌دهد.



ما شیعه هستیم یا محب اهل بیت (ع)؟

گفتاری از **حجت الاسلام والمسلمین ناصر رفیعی**



زمین می خورد و به آن سارق اصابت نمی کرد.

بعد از آن، والی مجددا او را نزد امام حسن عسکری (علیه السلام) آورد و گفت: یا ابن رسول الله! بسیار جای تعجب است، فرمودی که او از شیعیان شما نیست، اگر از شیعیان شما نباشد پس لابد از شیعیان و پیروان شیطان خواهد بود و باید در آتش قهر خداوند متعال بسوزد.

و سپس افزود: با این اوصاف، من از این مرد معجزه و کرامتی را مشاهده کردم که بسیار مهم خواهد بود، هر

چه مأمورین بسر او تازیانه می زدند بر زمین می خورد و بر بدن او اصابت نمی کرد و تمام افراد از این جریان در تعجب و حیرت قرار گرفته اند.

در این موقع امام حسن عسکری (علیه السلام) به والی خطاب نمود و فرمود: ای بنده ی خدا! او در ادعای خود دروغ می گوید، او از شیعیان ما نیست، بلکه از محبین و دوستان ما می باشد.

والی اظهار داشت: از نظر ما فرقی بین شیعه و دوست نمی باشد، لطفا بفرمائید که فرقی بین آنها

انتظار مهم ترین وظیفه در دوران غیبت

حتی اگر تحقق وعده الهی به نظر برخی دور آید، برای مؤمنان منتظر، این وعده نزدیک و قطعی است. انتظار حقیقی، یعنی ایمان به این وعده و زیستن برای آن، حتی در میان سختی ها و تأخیر ها. شیطان در کمین است تا این رشته ارتباط با هدف بزرگ را قطع کند، اما منتظر حقیقی با تمسک به ایمان و امید، این پیوند را حفظ می کند.

خودسازی، به عنوان رکن اصلی انتظار، دو بعد اساسی دارد: تربیت ایمانی و تربیت جهادی. تربیت ایمانی، یعنی پرورش ایمانی عمیق به وجود مقدس امام زمان (عج) و باور به غیب، چنان‌که خداوند در توصیف متقین می فرماید: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» (بقره/۳). این ایمان، ارتباط قلبی و روحی با امام را در پی دارد. منتظر حقیقی، وجود امام را در زندگی خود حس می کند و با مناجات و دعا، مانند «اَللّٰهُمَّ اَرِنِي الطَّلَعةَ الرَّشِيدةَ، وَالْفَرَجَ الْحَمِيدةَ، وَاجْعَلْ نَاطِرِي بِنَظَرَةِ مَتَّى الْيَوْمِ»، از این ارتباط لذت می برد. چنین فردی، نه تنها خود به ظهور امیدوار است، بلکه تلاش می کند این امید را به جامعه نیز منتقل کند. او ظهور را نزدیک می بیند و با این باور، دیگران را نیز به ایمان به وعده الهی دعوت می کند.

در بعد تربیت جهادی، منتظر با پرورش روحیه مقاومت و مبارزه، خود را برای سربازی در رکاب امام آماده می کند. حرکت امام زمان (عج) در زمان

ظهور، حرکتی جهادی است که در برابر استکبار جهانی ایستادگی می کند. از این رو، منتظر باید روحیه‌ای داشته باشد که در دفاع از ارزش های مهدویت، تردید نکند و از فداکاری در راه حق دریغ ننورزد. ایسن آمادگی، تنها با تمرین و تربیت جهادی ممکن است؛ تربیتی که منتظر را به انسانی شجاع، مقاوم و فداکار تبدیل می کند.

امروزه، جریان هایی مانند «اسلام فرمانده» به عنوان نمادی برجسته از تربیت ایمانی و جهادی در عصر انتظار، نقش مهمی در نزدیک سازی جامعه به آرمان های مهدویت ایفا می کنند. این حرکت عظیم، با ترویج فرهنگ انتظار فعال، جوانان و آحاد جامعه را به سوی خودسازی و آمادگی برای ظهور هدایت می کند. چنین جریان هایی، با ایجاد انگیزه و تقویت روحیه ایمانی و جهادی، زمینه ساز تحقق دولت عدل الهی هستند.

انتظار هم به یک معنا همین است که آدم بزرگ بشود و از تعلق به اهداف کودکانه خودش جدا شود «وَ مَا هِذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ» (عنکبوت/۶۴) این دنیا با همه بزرگیش بازی است و بازیچه هایش دست به دست می شود. منتظر آن کسی است که وعده خدا را قطعی می داند و می داند که قطعا واقع می شود و به تحقق آن وعده امیدوار است و بعد آرام آرام خودش را مهیا می کند. لذا در روایاتی

چیست؟

حضرت فرمود: همانا شیعیان ما کسانی هستند که در تمام مسائل زندگی مطیع و فرمان بر دستورات ما باشند و سعی دارند بر این که در هیچ موردی معصیت و مخالفت ما را ننمایند. و هر که خلاف چنین روشی باشد و اظهار علاقه و محبت نسبت به ما نماید دوست ما می باشد، نه شیعه ما.

سپس امام (علیه السلام) به والی فرمود: تو نیز دروغ بزرگی را ادعا کردی، چون که گفتی معجزه دیده‌ام؛ و چنانچه این گفتار از روی علم و ایمان باشد مستحق عذاب جهنم می باشی.

بعد از آن، حضرت در توضیح فرمایش خود افزود: معجزه مخصوص انبیاء و ما اهل بیت عصمت و طهارت می باشد، برای شرافت و فضیلتی که ما بر دیگران داریم و نیز برای اثبات واقعیات و حقایقی که از طرف خداوند متعال به ما رسیده است.

در پایان، امام عسکری (علیه السلام) به آن مرد متهم به سرقت خطاب نمود و فرمود: باید شیعه علی (علیه السلام) در تمام امور زندگی، شیعه و پیرو او- و دیگر اهل بیت رسالت- باشد و ایشان را در هر حال تصدیق نماید؛ و نیز باید سعی نماید که هیچ گونه تخلفی با ایشان نداشته باشد و خلاصه آن که در همه امور، خود را هماننگ و مطیع ایشان بداند.

که در باب انتظار آمده تعبیر این است که بر امامتان حبس نفس کنید. انسان باید اهداف امام را بفهمد و به آن هدف‌های بزرگ دل ببندد و تعلق داشته باشد تا بزرگ بشود و بعد هم یقین و اطمینان و امید داشته باشد و بعد هم با امیدواری امکاناتش را بیاورد و برای حضرت مهیا کند. این جمله‌ای که در زیارت جامعه کبیره آمده و مکرر در زیارت ائمه آمده برای همین است «قَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ وَ زَائِي لَكُمْ تَبَعٌ وَ تُصَرِّتِي لَكُمْ مُعَدَّةً» قلب که عرش وجود انسان است باید تسلیم امام بشود. تا او تسلیم نشود قوای دیگر تسلیم نمی‌شود. فکر انسان و قوای دیگر انسان ذیل قلبش است. در قلب چیزی جز امام نباید نباشد و قلب انسان باید میزان بشود و قلبش با امام عالم را ترازو کند و دنبال اهداف او باشد و آرائش هم دنبال رای امام باشد و برای خودش در عرض امام رای نداشته باشد.

جان کلام اینکه انتظار، به معنای واقعی کلمه، زیستن برای هدفی بزرگ‌تر از خود است. منتظر حقیقی، کسی نیست که صرفاً در انتظار رفع مشکلات شخصی خود باشد، بلکه کسی است که خود را به اهداف والای امام زمان (عج) متصل کرده و برای تحقق آن هازندگی می کند. این مسیر، مسیری است که با ایمان، امید و تلاش جهادی پیموده می‌شود و هر گام در آن، ما را به لحظه موعود نزدیک‌تر می کند.

حفظ جان پیامبر!

شب اول ماه ربیع مصادف است با لَیْلَةُ الْمَبِیت، شبی که امام علی(ع) برای حفظ جان پیامبر(ص) در بستریشان خوابید. در این شب، مشرکان قصد داشتند دسته جمعی به خانه پیامبر حمله کنند و او را به قتل برسانند. به امر الهی و به درخواست پیامبر(ص)، امام علی(ع) در بستر پیامبر خوابید و در نتیجه مشرکان متوجه عدم حضور پیامبر نشدند و رسول خدا(ص) توانست در آن شب به سمت مدینه، هجرت کند. بسیاری از مفسران، شأن نزول آیه شراء یا آیه لیلة الممبیت را این فداکاری امام علی(ع) در لیلة‌المبیت می دانند. تاریخ این واقعه شب اول ربیع الاول سال اول قمری ذکر شده است.



دین

شماره ۱۲۰۱ | دوشنبه ۳ شهریور ۱۴۰۴

صداقت

لا اکره فی الدین؟!

« لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ ۚ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» در دین هیچ اجباری نیست و راه از بیراهه به خوبی آشکار شده است. پس هر کس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد، به یقین به دستاویزی استوار که آن را گسستن نیست، چنگ زده است. و خداوند شنوای داناست» (بقره/۲۵۶). این آیه شریفه، یکی از اصول بنیادین نظام مرفقی اسلام را به نمایش می گذارد که نه تنها راهنمای مؤمنان در تعامل با دیگران است، بلکه به عنوان یک اصل راهبردی در گفت‌وگو با پیروان دیگر ادیان نیز مطرح می شود.

این آیه بر آزادی انسان در انتخاب عقیده تأکید دارد. خداوند متعال در قرآن کریم، پیامبر اکرم(ص) را از اجبار مردم به ایمان باز داشته و فرموده: «و لو شاء رَبِّكَ لَأَمَنَ مِنْ فِی الْأَرْضِ كُلِّهِمْ جَمِيعاً أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (یونس/۹۹). این سخن به صراحت نشان می دهد که ایمان، امری قلبی و باطنی است و اجبار در آن نتیجه بخش نیست. به تعبیر علامه طباطبائی در تفسیر المیزان، عبارت «لا اِکراه فی الدین» یا بیانگر حقیقت تکوینی انسان است که آزادانه عقیده خود را انتخاب می کند، یا حکمی تشریعی است که اجبار در پذیرش دین را نفی می کند. این آزادی، ریشه در طبیعت وجودی انسان دارد که خداوند او را مختار آفریده است.

با این حال، باید میان دو حوزه «عقیده» و «عمل» تمایز قائل شد. در حوزه عقیده، اجبار بی معناست، زیرا ایمان امری درونی است و نمی توان آن را با زور تحمیل کرد. اما در حوزه عمل، هر نظام اجتماعی، از جمله نظام اسلامی، نیازمند قوانین و مقرراتی است که برای حفظ نظم و حقوق جمعی، اجبار را به عنوان ابزاری مشروع به کار می گیرد. در تمام جوامع، نهادهای قضایی و انتظامی برای اجرای قوانین وجود دارند و بدون این جبر قانونی، اداره جامعه ممکن نیست.

تفاوت نظام اسلامی با دیگر نظام‌ها در این است که علاوه بر تأمین آسایش جسمانی، به حفظ ارزش های معنوی نیز توجه دارد. در جامعه اسلامی، قوانینی که مانع آسیب به معنویت افراد می شوند، بخشی از نظام حقوقی اند. برای مثال، در حالی که برخی جوامع تنها به رفاه مادی و آسایش جسمی اهمیت می دهند، اسلام قوانینی را وضع کرده که از ارزش های معنوی و اخلاقی حفاظت می کنند. این قوانین باید با دقت و بر اساس کارشناسی دقیق دینی تدوین شوند تا از برداشت های افراطی یا تفریطی جلوگیری شود.

بنابراین، آیه «لا اِکراه فی الدین» به ما می آموزد که انسان در انتخاب عقیده آزاد است، اما در حوزه عمل، برای حفظ نظم اجتماعی و ارزش های انسانی، التزام به قوانین ضروری است. این اصل، هم راهنمای تعاملات فردی و اجتماعی در نظام اسلامی است و هم الگویی برای گفت‌وگوی بین‌الادیانی، که نشان دهنده تعادل میان آزادی و مسئولیت در اسلام است.

گروه معارف

صبح صادق

مأموریت بزرگ حضرت بقیة الله الاعظم(عج)، یعنی گسترش توحید و برپایی دولت عدل الهی در سراسر جهان، هدفی است که قلب هر مؤمن منتظری را به تپش وا می دارد. اما پرسشی که در این میان مطرح می شود، این است که ما، به عنوان منتظران این حرکت عظیم الهی، چه جایگاهی در شکل گیری این انقلاب جهانی داریم؟ آیا بسنده کردن به عبادات فردی و دوری گزیدن از جامعه، می تواند ما را به این هدف والا نزدیک کند؟ پاسخ روشن است: خیر! انتظار واقعی، فراتر از انزوای فردی و محدود شدن به اعمال شخصی است؛ انتظار، تکلیف‌مداری است و تکلیف اصلی ما در این عصر، خودسازی بر مبنای تربیت ایمانی و جهادی است.

در روایات و آیات الهی، انتظار به عنوان مهم ترین وظیفه در دوران غیبت معرفی شده است. انتظار، نه یک حالت منفعلانه، بلکه یک تعهد فعال و پویا به اهداف بزرگ الهی است. این مفهوم، انسان را به سوی تعلق قلبی به آرمان های امام زمان (عج) سوق می دهد. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «إِنَّهُمْ بُرُوءُهُ بَعِيدٌ* وَ نَرَاهُ قَرِیبًا» (معارج/۷۶). این آیه به ما یادآوری می کند که

برنامه صبحگاهی!

حجت الاسلام و المسلمین سید ابراهیم خسروشاهی: علما فرموده اند: هر روز صبح فرصتی بگذار که با خود شرط و شروط کنی و با خود بگویی که: «ای نفس! من امروز را به عنوان یک نعمت می خواهم از خدا بگیرم، نگذار که این نعمت به زحمت و نعمت من تبدیل شود» این یادآوری، قلب را بیدار نگه می دارد تا روز را در هر کجایی که هستیم با آگاهی و مسئولیت سپری کنیم، نه با غفلت. نعمت امروز را قدر بدانیم و با خود شرط کنیم که در راه خیر و ادای وظیفه گام برداریم، تا در پیشگاه الهی سربلند باشیم و روزمان به زحمت نیفتد.



۸
پرونده
شماره ۱۲۰۱ دوشنبه ۳ شهریور ۱۳۰۴
 صداقت

 صلح وارداتی
بررسی توافق صلح ارمنستان و آذربایجان

تغییر در قفقاز؟

سید پویا هاشمی دبیر پرونده توافق زنگورو، که با وساطت و میانجی‌گری دونالد ترامپ به مرحله اجرا رسید، اکنون به یکی از موضوعات حساس و پیچیده ژئوپلیتیکی در قفقاز جنوبی تبدیل شده است.
دالان زنگورو، مسیر باریکی میان ارمنستان و نخجوان، بیش از یک شاهراه ترانزیتی ساده است؛ این مسیر می‌تواند تعامل قدرت در منطقه را تغییر دهد و جایگاه ایران در شمال‌غربی کشور را تحت تأثیر قرار دهد. اهمیت این توافق تنها در بعد ترانزیتی خلاصه نمی‌شود، بلکه پیامدهای امنیتی، اقتصادی و سیاسی آن، ایران و همسایگانش را مستقیماً درگیر می‌کند. این پرونده تلاش دارد ابعاد مختلف زنگورو را بررسی کند: پیامدهای اقتصادی و ترانزیتی، تأثیرات بر نفوذ و جایگاه ایران، تضاد احتمالی با سیاست‌های رسمی کشور، و نقش ترامپ و آمریکا در شکل‌گیری این مسیر. همراه با حضور اسرائیل و ترکیه هر یک از این محورها بخشی از واقعیت‌های پیچیده منطقه را روشن می‌کند و نشان می‌دهد که زنگورو نه تنها یک مسیر ارتباطی، بلکه نقطه‌ای استراتژیک با پیامدهای گسترده است.
در دیدگاه ایران، دالان زنگورو می‌تواند کاهش عمق استراتژیک شمال‌غرب کشور و محدود شدن نفوذ ایران در قفقاز را به دنبال داشته باشد. تهران همواره مسیرهای ترانزیتی شمال- جنوب و شرق- غرب را ابزاری برای نفوذ و تثبیت موقعیت ژئوپلیتیکی خود در منطقه می‌دانسته است، اما ایجاد این مسیر بدون هماهنگی، موضع ایران را با چالش مواجه می‌کند. در عین حال، ایران با حفظ نگاه مثبت به همسایگان و تعامل سازنده، همواره بر دیپلماسی عادل و حفظ روابط دوستانه تأکید داشته است.

نقش ترامپ و آمریکا در این توافق، فراتر از میانجی‌گری است. تحلیلگران معتقدند حضور ترامپ با هدف تبدیل نفوذ آمریکا، کاهش اثرگذاری ایران و روسیه و بازآرایی معادلات منطقه‌ای انجام شده است. حمایت آمریکا از مسیر ترانزیتی مستقل آذربایجان و ترکیه، ایران را از حلقهٔ ترابطات منطقه‌ای دورنگ می‌دارد و زنگورو را به ابزاری برای فشار غیرمستقیم بر تهران تبدیل می‌کند. همچنین، حضور رژیم صهیونی و نقش ترکیه اهمیت ویژه‌ای دارد. همکاری امنیتی و نظامی تا آویس‌باز آذربایجان، از جمله فروش پهپاد و فعالیت‌های اطلاعاتی، نشان می‌دهد که این کشور می‌تواند دسترسی به شمال غرب ایران را تسهیل کند. ترکیه نیز با حمایت مستقیم از آذربایجان، تلاش دارد نفوذ خود را در قفقاز افزایش دهد و کنترل مسیر ترانزیتی را به‌دست‌منافع استراتژیک خود تثبیت کند. این معادله پیچیده، ضرورت هوشیاری و سیاست‌گذاری دقیق ایران را در جودچنان می‌کند.

بعد اقتصادی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد؛ این پرونده، با ترکیبی از گزارش‌ها، مصاحبه‌ها و تحلیل‌های راهبردی، تلاش می‌کند تا خواننده را با تمام ابعاد زنگورو آشنا کند. هدف آن روشن کردن پیامدهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی، تحلیل نقش بازیگران خارجی و ارائه راهکارهایی برای ایران است. زنگورو، نه نهایت، نه تنها یک مسیر ترانزیتی، بلکه نمادی از تعامل پیچیده فرصت و تهدید در منطقه است؛ پرونده‌ای که ایران باید ناگاه مسئولانه، هوشیاری و دیپلماسی فعال مدیریت کند تا جایگاه خود را حفظ و تقویت نماید.

خط قرمز ایران

توافق زنگورو، با وجود ظاهر صلح آمیزش، یکی از پیچیده‌ترین پرونده‌های ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی را رقم زده است. دالان زنگورو، مسیر باریکی میان ارمنستان و نخجوان، اکنون نه تنها به شاهراه ارتباطی آذربایجان و ترکیه بدل شده، بلکه نقطه‌ای حساس در رقابت منطقه‌ای و بین‌المللی علیه ایران است. تهران، که همیشه در قفقاز به‌عنوان بازیگر کلیدی عمل کرده، اکنون در مواجهه با توافقی قرار دارد که بدون مشارکت و نظر ایران شکل گرفته است.

اهمیت ژئوپلیکی دالان زنگورو

دالان زنگورو برای جمهوری آذربایجان معنای استراتژیک دارد؛ این مسیر کوتاه‌ترین راه زمینی بین بخش اصلی آذربایجان و نخجوان است. هدف اعلامی توافق، بهبود ترانزیت و ارتباط اقتصادی است، اما در عمل، این دالان می‌تواند مستقل از ارمنستان و با کنترل آذربایجان و ترکیه، به دسترسی برای افزایش نفوذ خارجی در نزدیکی مرزهای ایران تبدیل شود.

از منظر ایران، این اتفاق به معنای کاهش عمق استراتژیک در شمال غربی کشور است. تهران همواره مسیرهای ترانزیتی شمال- جنوب و شرق- غرب را ابزاری برای نفوذ و حفظ موقعیت ژئوپلیتیکی خود در منطقه می‌دانسته است. اکنون ایجاد دالان زنگورو، بدون هماهنگی با ایران، این موقعیت را به چالش کشیده است.

پیامدهای اقتصادی

بعد اقتصادی توافق زنگورو نیز قابل توجه است. این دالان می‌تواند در آینده به مسیر عبور کالا و انرژی بدل شود و به جایگزینی مسیرهای ترانزیتی فعلی ایران بینجامد. کاهش عبور کالا و انرژی از خاک ایران، به معنای کاهش درآمدهای ترانزیتی و محدود شدن نفوذ اقتصادی کشور در منطقه است.

به طور خاص، ایران ممکن است در زمینه صادرات انرژی به بازارهای قفقاز و ترکیه با محدودیت‌های جدید مواجه شود، چرا که مسیر جایگزین بدون عبور از خاک ایران فراهم شده است. علاوه بر این، این توافق می‌تواند سرمایه‌گذاری‌های خارجی در منطقه قفقاز را به سمت مسیر جدید سوق دهد، که نفع کشورهای حامی دالان و به ضرر ایران است.

پیامدهای امنیتی

ایران همچنین با بعد امنیتی این توافق مواجه است. ایجاد مسیر کنترل‌شده توسط آذربایجان و ترکیه می‌تواند امکان فعالیت اطلاعاتی و نظامی بازیگران خارجی، از جمله اسر ایل، را در نزدیکی مرزهای ایران افزایش دهد. حتی کوچک‌ترین اقدام امنیتی بین هماهنگی ایران می‌تواند پیامدهای استراتژیک مهمی برای خطوط مرزی، امنیت مرزهای غربی و شمال غرب کشور داشته باشد. تحلیل‌گران بر این باورند که حضور دالان زنگورو، به‌ویژه در شرایط عدم هماهنگی، می‌تواند بر نفوذ ایران از قفقاز تأثیر مستقیم بگذارد و موقعیت تهران را در مذاکرات و تصمیم‌گیری‌های منطقه‌ای تضعیف کند.

تضاد با منافع ایران؟

ایران همواره اعلام کرده که با تغییر مرزها و ایجاد مسیرهای حاکمیتی که بدون مشارکت انجام شود، مخالف است. مقامات ایرانی تأکید کرده‌اند که ایجاد دالان زنگورو نباید با تهدید حاکمیت ارمنستان یا کاهش نفوذ ایران همراه باشد. با این حال، برخی تحلیل‌گران معتقدند که موضع ایران در عمل محافظه‌کارانه بوده است. تهران می‌توانست با اقدامات پیش‌سازانه، از جمله ارائه مسیرهای جایگزین با پیشنهاد مدل مشترک مدیریت دالان، هم از منافع خود حفاظت کند و هم همکاری منطقه‌ای را پیشی ببرد. در واقع، این توافق بخشی از اهداف ایران را نادیده گرفته و تضاد میان سیاست اعلامی و واقعیت میدانی ایجاد کرده است. ایران اکنون در وضعیتی قرار دارد که باید تعاملات میان مخالفان با کاهش نفوذ و حفظ روابط دوستانه با همسایگان برقرار کند.

واکنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

کشورهای منطقه، به ویژه روسیه، ترکیه و ارمنستان، هر یک موضع متفاوتی نسبت به توافق زنگورو دارند. روسیه که همواره نقش حافظ امنیت در قفقاز را ایفا می‌کند، ممکن است این توافق مستقل دالان زنگورو را هدف حفظ نفوذ خود موافق باشد، اما نگران افزایش نفوذ آمریکا و ترکیه در منطقه است. ترکیه با حمایت مستقیم از آذربایجان، تلاش دارد دسترسی مستقیم به نخجوان را تثبیت کند و نفوذ خود در قفقاز را گسترش دهد.

ارمنستان که به لحاظ امنیتی و اقتصادی در موقعیت آسیب‌پذیر قرار دارد، در حال مذاکره برای حفظ حاکمیت بخشی از مسیر و تضمین منافع خود است. این پیچیدگی‌ها نشان می‌دهد که ایران باید فعلاً نه‌در مذاکرات حضور داشته‌باشد تا از حداکثر ظرفیت دیپلماسی بهره‌مند شود.

راهکارهای دیپلماسی ایران

ایران و ارمنستان تأکید کردند که مسیرهای مواصلاتی و خطوط انرژی می‌توانند آزاد شود و روابط اقتصادی بین کشورها تقویت گردد اما تمایت ارضی و حاکمیت ارمنستان نباید تضعیف شود. در دیدار میان بائینیان و علی‌اف دو واشنگتن، توافقی مطرح شد، به تفاوت عمده‌ای به طرح اولیه دارد، به این ترتیب که مسیر تحت حاکمیت ارمنستان باقی می‌ماند و مدیریت آن توسط یک کنسرسیوم شرکت‌های ارمنی و آمریکایی صورت خواهد گرفت، این توافق هنوز قطعی نیست و نهایت‌سند توافق میان ارمنستان و

جمهوری آذربایجان توسط بائینیان و علی‌اف پاراف شده است و خود توافق صلح معنای مشکلاتی تا اجرایی شدن دارد و پس از توافق صلح بحث اجرایی کردن مسیر شمال می‌تواند وارد مراحل اجرایی شود. موانع اجرایی شامل تقابن‌قانون اساسی در ارمنستان، تثبیت مرزها بر اساس نقش‌شمار دوره شوروی و اختلافات تاریخی میان طرفین اقتصادی و امنیتی.

توافق زنگورو، با وجود پتانسیل ایجاد صلح و همکاری منطقه‌ای، در صورت نادیده گرفتن منافع ایران، به تهدیدی برای امنیت ملی و اقتصادی کشور بدل خواهد شد. ایران باید ناگاه مثبت و فعال داشته باشد؛ حمایت از صلح منطقه‌ای همراه با حراست از منافع ملی، کلید مواجهه موفق با این پرونده است.



کارشناس مسائل منطقه قفقاز، در گفت‌وگو با صبح صادق بررسی شد

مرزهای تاریخی حفظ می‌شوند؟

در تمام دنیا است و اهمیت استراتژیک ویژه‌ای دارد. این حضور نشان‌دهنده سیاست بلندمدت آمریکا در قفقاز و تلاش برای افزایش نفوذ در مرزهای ایران است. ایجاد مسائل ژئوپلیتیک در قفقاز طی سال‌های اخیر است. این توافق، علاوه بر اینکه روابط بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان را هدف قرار می‌دهد، به طور مستقیم منافع و دسترسی ایران به مسیرهای مواصلاتی و خطوط انرژی منطقه‌ای را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ایران از ابتدا با نسخه اولیه این توافق که دالان سرزمینی جدی داشت زیرا این طرح ایران را در یک بن‌بست بدون حاکمیت ارمنستان را پیشنهاد می‌کرد، مخالف عنوان مسیر ترامپ مطرح شده، بخشی از خواسته‌های ایران را مدنظر قرار داده و حاکمیت ارمنستان بر مسیرها را حفظ می‌کند. هرچند هنوز اجرای کامل آن با موانع زیادی مواجه است. در همین راستا برای روشن شدن جایگزین با پیشنهاد مدل مشترک مدیریت دالان، هم همکاری منطقه‌ای را پیشی ببرد. در واقع، این توافق بخشی از اهداف ایران را نادیده گرفته و تضاد میان سیاست اعلامی و واقعیت میدانی ایجاد کرده است. ایران اکنون در وضعیتی قرار دارد که باید تعاملات میان مخالفان با کاهش نفوذ و حفظ روابط دوستانه با همسایگان برقرار کند.

حضور رژیم صهیونیستی در منطقه قفقاز چه پیامدهایی برای امنیت شمال‌غرب ایران دارد؟ اسرائیل از سال‌ها قبل در جمهوری آذربایجان حضور نظامی و اطلاعاتی داشته و بزرگترین تأمین‌کننده تسلیحات و امکانات نظامی باکو است. بیش از ۶۰ درصد انرژی اسرائیل توسط باکو تأمین می‌کند و بیش از ۷۰ درصد خرید تسلیحاتی باکو از اسرائیل تأمین می‌شود. این همکاری‌ها شامل پهپادها، جاسوسی از سایت‌های هسته‌ای ایران، ترور دانشمندان و اقدامات اطلاعاتی گسترده بوده‌و در جنگ ۱۲ روزه نیز همکاری‌های نظامی با اسرائیل به طور واضح دیده می‌شود. کی‌پورهای نیسی منطقه‌ای که اسرائیل ایجاد می‌کند، مانند کریدور داوود، از جنوب سوریه تا شمال عراق امتداد دارند و امنیت غرب و شمال غرب ایران را پیچیده می‌کنند. مسیر ترامپ نیز این همکاری‌ها را گسترش داده و دست ایران را در منطقه محدود می‌کند.

توافق زنگورو را چگونه ارزیابی می‌کنید و چه تأثیری بر موقعیت ژئوپلیتیک ایران دارد؟

طرح اولیه زنگورو که توسط باکو با حمایت ترکیه و رضایت نیسی روسیه ارائه شده، بر اساس آن بود که یک دالان سرزمینی از جنوب خاک ارمنستان عبور کند و ارتباطات ارمنستان با آن مسیر مورد نداشته باشد. این طرح هم از طرف ارمنستان و هم از سوی ایران مورد مخالفت جدی قرار گرفت زیرا ایران را در یک بن‌بست ژئوپلیتیک قرار می‌داد و ایران را به طور کامل به ترکیه و جمهوری آذربایجان وابسته می‌کرد.

ایران و ارمنستان تأکید کردند که مسیرهای مواصلاتی و خطوط انرژی می‌توانند آزاد شود و روابط اقتصادی بین کشورها تقویت گردد اما تمایت ارضی و حاکمیت ارمنستان نباید تضعیف شود. در دیدار میان بائینیان و علی‌اف دو واشنگتن، توافقی مطرح شد، به تفاوت عمده‌ای به طرح اولیه دارد، به این ترتیب که مسیر تحت حاکمیت ارمنستان باقی می‌ماند و مدیریت آن توسط یک کنسرسیوم شرکت‌های ارمنی و آمریکایی صورت خواهد گرفت، این توافق هنوز قطعی نیست و نهایت‌سند توافق میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان توسط بائینیان و علی‌اف پاراف شده است و خود توافق صلح معنای مشکلاتی تا اجرایی شدن دارد و پس از توافق صلح بحث اجرایی کردن مسیر شمال می‌تواند وارد مراحل اجرایی شود. موانع اجرایی شامل تقابن‌قانون اساسی در ارمنستان، تثبیت مرزها بر اساس نقش‌شمار دوره شوروی و اختلافات تاریخی میان طرفین اقتصادی و امنیتی.

توافق زنگورو، با وجود پتانسیل ایجاد صلح و همکاری منطقه‌ای، در صورت نادیده گرفتن منافع ایران، به تهدیدی برای امنیت ملی و اقتصادی کشور بدل خواهد شد. ایران باید ناگاه مثبت و فعال داشته باشد؛ حمایت از صلح منطقه‌ای همراه با حراست از منافع ملی، کلید مواجهه موفق با این پرونده است.

فراتر از یک جاده!

دالان زنگورو، این نوار باریک میان ارمنستان و نخجوان، حالا دوباره به یکی از کانون‌های حساس منطقه قفقاز جنوبی تبدیل شده است؛ اما نه صرفاً به خاطر جغرافیایش، بلکه به‌خاطر توافقی که با وساطت آمریکا و حمایت مستقیم دونالد ترامپ در حال شکل‌گیری با تثبیت است؛ توافقی که شاید در ظاهر یک پروژه اقتصادی و حمل‌ونقل باشد، اما در واقع، نقشه‌ای عمیق‌تر برای بازطراحی نظم منطقه‌ای است.

دالان زنگورو چیست و چرا اهمیت دارد؟

زنگورو نام منطقه‌ای در جنوب ارمنستان است که جمهوری آذربایجان پس از جنگ ۴۴ روزه قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ خواستار دسترسی مستقیم به آن از طریق نخجوان شد. این مسیر، اگر برقرار شود، به آذربایجان اجازه می‌دهد بدون عبور از خاک ایران، مستقیماً با نخجوان- و از آنجا با ترکیه- ارتباط زمینی پیدا کند.

اگرچه در توافق سه‌جانبه آتش‌بس میان روسیه، ارمنستان و آذربایجان (نوامبر ۲۰۲۰) فقط از «ایجاد مسیر حمل‌ونقل» میان نخجوان و آذربایجان سخن گفته شده بود، اما آذربایجان و ترکیه مدعی‌اند که این مسیر باید یک «دالان حاکمیتی» باشد؛ یعنی منطقه‌ای که کنترل آن از دست ارمنستان خارج شود. همین مسئله، چالش‌های سیاسی و امنیتی گسترده‌ای ایجاد کرده و وضعیت را از یک پروژه اقتصادی به موضوعی راهبردی تبدیل کرده است.

ترامپ چگونه وارد این بازی شد؟

در ماه‌های اخیر و در اوج تحركات انتخاباتی دونالد ترامپ، منابع دیپلماتیک و رسانه‌ای از تلاش پشت‌پرده تیم ترامپ برای وساطت میان آذربایجان و ارمنستان در خصوص اجرای نهایی توافق زنگورو خبر داده‌اند. در ظاهر، ترامپ با وعده «صلح پایدار در قفقاز» وارد میدان شده، اما واقعیت این است که حضور او در این پرونده، با هدف بازگرداندن نفوذ آمریکا به نقطه‌ای است که طی سال‌های اخیر عملاً در اختیار روسیه و ترکیه قرار گرفته بود.

ترامپ در دوره اول ریاست‌جمهوری‌اش بارها نشان داد علاقه‌مند به بستن توافقات به‌ظاهر صلح‌طلبانه، اما در واقعیت، ژئوپلیتیکی است؛ توافق راهیم با رژیم صهیونیستی، فشار به افغانستان، نقش‌آفرینی در شرق آسیا و ... اکنون زنگورو برای ترامپ یک برگ انتخاباتی جذاب دیگر است تا خودش را «مرد صلح» معرفی کند- آن هم در منطقه‌ای که منافع روسیه و ایران گره خورده است.

ایران چه ابزارهای دیپلماتیک و امنیتی می‌تواند برای حفظ نفوذ خود استفاده کند؟

ایران پیشتر توانست تسلط باکو ترکیه بر دالان سرزمینی از جنوب ارمنستان را متغی کند و دسترسی کامل آمریکا و ناتو به مسیرها را محدود سازد اما برای حفظ نفوذ خود، ایران می‌تواند با دیپلماسی فعال با کشورهای منطقه مانند روسیه، گرجستان، ازبکستان و سایر کشورهای آسیای مرکزی بران حفظ مسیرهای اقتصادی جایگزین که از ایران می‌گذرد تلاش کند. گرجستان و روسیه و ازبکستان به دلیل حذف از مسیرهای تجاری و کاهش اهمیت ژئوپلیتیک قاعدتاً مانند ایران مخالف این مسیر خواهند بود، توسعه زیرساخت‌های داخلی شامل راه‌آهن، جاده‌ها و کریدورهای اقتصادی منطقه‌ای کنار بگذارد و دسترسی از فرصت همراهی روسیه برای کاهش نفوذ آمریکا و ناتو و مدیریت مسیرهای منطقه‌ای با رعایت منافع ملی و

حضور رژیم صهیونیستی در کنار آمریکا در فرآیندهای مربوط به توافق زنگورو، این نگرانی را تقویت می‌کند که این مسیر، فقط یک شاهراه ترانزیتی نیست؛ بلکه دالانی است برای عبور نفوذ دشمن از مرزهای شمالی ایران.

موضع ایران: مخالفت در قالب دیپلماسی

ایران بارها و به صراحت اعلام کرده که با هرگونه تغییری در ژئوپلیتیک منطقه، به‌ویژه تغییر مرزهای بین‌المللی، مخالف است. مقامات ایرانی- از رهبر معظم انقلاب گرفته تا وزیر امور خارجه- تأکید کرده‌اند که ایجاد دالان زنگورو نباید تهدید حاکمیت ارمنستان یا عبور از موانع‌های منطقه‌ای همراه باشد.

با این حال، برخی تحلیل‌گران معتقدند موضع ایران با وجود صراحت کلام، قدرتش را از حفاظت‌کارانه و واکنشی بوده است. از نظر آنان، ایران می‌توانست با اقدامات پیش‌سازانه، نه‌تنها مخالفتش را اعلام کند، بلکه جایگزین‌های ساند‌زای پیشنهاد دهد. مثلاً، تقویت کریدور شمال- جنوب با مسیرهای ترانزیتی دیگر، به‌منافع ایران را تأمین کند و هم نیازهای آذربایجان و ارمنستان را برآورده سازد.

واقعیت این است که ایران اگرچه با دالان زنگورو مخالف است، اما نمی‌خواهد وارد تقابل مستقیم با آذربایجان یا ترکیه شود. این توازن شکننده میان منافع و روابط، دقیقاً همان جاست که باید مراقبش بود.

نه‌شنی با همسایگان، نه‌ساده‌انگاری

ایران به‌درستی تأکید دارد که دشمنی با همسایگان در دستور کارش نیست؛ اما این بدان معنا نیست که نسبت به تحولات ژئوپلیتیکی بی‌تفاوت باشد. پرونده زنگورو دقیقاً مصداق وضعیتی است که در آن، باید هم از منافع ملی حراست کرد، هم اجازه نداد بازیگران رقیب، ایران را به حاشیه ببرند. تعادل دقیق و هوشمندانه میان مخالفت با کریدور مضر و حمایت از صلح منطقه‌ای، همان جایی است که دیپلماسی ایرانی باید خودی‌نشان دهد. ایران باید با ارائه مدل جایگزین برای اتصال منطقه، ضمن حفظ نقش محوری خود، نشان دهد که مخالف اتصال نیست، اما حامی عبور از مرزهایش هم نیست.

چال‌پایه چه کرد؟

توافق زنگورو، اگرچه ممکن است در ظاهر یک پروژه حمل‌ونقلی ساده به‌نظر برسد، اما در باطن خود، میدان رقابت ژئوپلیتیکی است میان ایران، ترکیه، آمریکا، روسیه و حتی رژیم صهیونی. ورود ترامپ به این پرونده، زنگ خطری برای منطقه است؛ نه فقط به خاطر شخصیت غیرقابل‌پیش‌بینی او، بلکه به‌خاطر طر‌های اتمام دوشش برای بازآرایی نقشه خاورمیانه. در چنین شرایطی، ایران باید با صدای بلند از منافع خود دفاع کند. در عین حال که زیان‌ش را برای گفت‌وگو با همسایگان بسته نباشد. مسیر زنگورو می‌تواند به شاهراه همکاری بدل شود، اگر قرار نباشد از منافع ایران عبور کند.



همکاری راهبردی

گزارشی از سفر مسعود پزشکیان به پایتخت ارمنستان

سفر اخیر مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور کشورمان به ایران را می‌توان نقطه عطفی در روابط دو کشور دانست؛ سفری که نه‌تنها جنبه‌های سیاسی و اقتصادی داشت، بلکه حامل پیام‌های مهمی درباره امنیت منطقه و حفظ منافع ملی ایران بود. ارمنستان در این سفر کوشید با اعتمادسازی نسبت به تهران، نشان دهد که در معادلات ژئوپلیتیک قفقاز حاضر است منافع ایران را به رسمیت بشناسد و به‌عنوان شریک راهبردی عمل کند. ایران و ارمنستان در طول سه‌دهه گذشته روابطی مبتنی بر اعتماد و همکاری داشته‌اند. با این حال، تحولات اخیر در قفقاز جنوبی، از جمله توافقات مرتبط با کریدور زنگورو و فشارهای خارجی برای تغییر موازنه منطقه‌ای، ایجاب می‌کرد که این روابط بازتعریف و تقویت شود. سفر پزشکیان در چنین بستری رخ داد و حامل این پیام روشن بود که ایران مصمم است نقش فعال‌تری در تحولات قفقاز ایفا کند و اجازه ندهد که مسیرهای مواصلاتی و ژئوپلیتیکی منطقه به ضرر منافعش تغییر یابد.

گفت‌وگوهای راهبردی و پیام‌های روشن

در دیدارهای رسمی، طرفین بر گسترش همکاری‌های اقتصادی، حمل‌ونقل و انرژی و امنیتی تأکید کردند. آنچه این سفر را مهم‌تر می‌کند، اعلام آمادگی ارمنستان برای تضمین منافع ایران در هر توافق منطقه‌ای است. مقامات ارمنستان با اشاره به جایگاه ایران به‌عنوان کشوری بزرگ و اثرگذار، تصریح کردند که بدون لحاظ کردن نظر تهران، هیچ پروژه‌ای در قفقاز امکان تحقق نخواهد داشت. این رویکرد نشان می‌دهد که ارمنستان نه‌تنها به دنبال روابط سنتی دوستانه با ایران است، بلکه می‌خواهد این روابط را به سطحی راهبردی ارتقا دهد.

برای ایران نیز اهمیت چنین توافقی روشن است. تهران همواره بر این نکته تأکید کرده که تغییر در مرزهای ژئوپلیتیکی منطقه خط قرمز آن است. بنابراین وقتی ایران با حضور رسمی متعد می‌شود که منافع ایران در مذاکرات آینده محفوظ خواهد ماند، این موضوع را می‌توان دستاوردی سیاسی برای دولت جدید تهران دانست.

تقویت همکاری‌های اقتصادی و ترانزیتی

بخش مهمی از راینیتی‌های دو طرف به موضوع ترانزیت و انرژی اختصاص داشت. ایران و ارمنستان دارای ظرفیت‌های مکملی هستند که می‌توانند با اتصال زیرساخت‌های خود، به شریان‌های حیاتی در قفقاز و آسیای غربی تبدیل شوند. پروژه‌های مرتبط با برق، گاز و حمل‌ونقل جاده‌ای از جمله زمینه‌هایی است که در مذاکرات مورد توجه قرار گرفت.

ایران در شرایط تحریم، به‌طور ویژه نیازمند مسیرهای مطمئن ترانزیتی است و ارمنستان نیز که از مسیرهای سنتی خود تحت فشار قرار گرفته، به همکاری با ایران به چشم یک فرصت نگاه می‌کند. بنابراین، ورود ایران به این حوزه می‌تواند به کاهش فشارهای خارجی کمک کند و در عین حال جایگاه ایران را به‌عنوان مسیر جایگزین در قفقاز تثبیت کند.

پیوند امنیت و دیپلماسی

امنیت در قفقاز جنوبی همواره مسئله‌ای شکننده بوده است. جنگ‌های گذشته میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان، حضور بازیگران خارجی مانند ترکیه، اسرائیل و آمریکا، و تلاش برای تغییر معادلات ژئوپلیتیکی منطقه، حساسیت‌های خاصی برای ایران ایجاد کرده است. در همین چارچوب، سفر پزشکیان پیامی روشن داشت: ایران اجازه نخواهد داد حضور قدرت‌های بیگانه در قفقاز منافع ملی‌اش را تهدید کند. تأکید بر حفظ ثبات مرزها و مخالفت با هرگونه تغییر اجباری ژئوپلیتیک بخشی از همین راهبرد است. ارمنستان نیز در این سفر کوشید نشان دهد که آماده است در این زمینه با ایران هماهنگ عمل کند و حتی از حمایت تهران در برابر فشارهای خارجی بهره‌مند شود.

اعتمادسازی و چشم‌انداز آینده

آنچه این سفر را متمایز می‌کند، تلاش دو طرف برای اعتمادسازی متقابل بود. در شرایطی که برخی بازیگران منطقه‌ای سعی دارند روابط ایران و ارمنستان را محدود یا مخدوش کنند، ایران این پیام را مخابره کرد که در پی ایجاد تنش نیست و ایران را شریک طبیعی و تاریخی خود می‌داند. در مقابل، تهران نیز با اعزام رئیس‌جمهور خود به ایران، نشان داد که روابط با این کشور صرفاً یک همکاری تاکتیکی نیست، بلکه در چارچوب یک نگاه راهبردی تعریف می‌شود.

چشم‌انداز آینده روابط ایران و ارمنستان را می‌توان در سه محور اصلی ترسیم کرد: نخست، گسترش همکاری‌های اقتصادی و ترانزیتی برای ایجاد یک مسیر امن و پایدار در قفقاز؛ دوم، تعمیق روابط سیاسی و امنیتی برای مقابله با مداخلات خارجی؛ و سوم، ایجاد سازوکارهای مشترک برای تضمین منافع دو کشور در توافقات منطقه‌ای.

سفر مسعود پزشکیان به ارمنستان نشان داد که تهران و ایران و هدنبال ارتقای روابط خود به سطحی بالاتر از گذشته هستند. ارمنستان با دادن اطمینان نسبت به حفظ منافع ایران، سعی دارد از ظرفیت تهران برای مقابله با فشارهای خارجی استفاده کند و ایران نیز با تثبیت جایگاه خود در قفقاز، می‌خواهد مانع از تغییرات ژئوپلیتیکی مضر شود.

در مجموع، این سفر نه‌تنها گامی مهم در دیپلماسی دو جانبه بود، بلکه می‌تواند سرآغاز دوره‌ای تازه در همکاری‌های راهبردی ایران و ارمنستان تلقی شود؛ دوره‌ای که در آن دو کشور با تکیه بر اعتماد و منافع مشترک، مسیر آینده را ترسیم می‌کنند.

**سید مهدی حسینی**
مورخ و پژوهشگر

حضرت امام خمینی(ره) در طول مبارزات خود مکرر خطر تجاوزگری رژیم صهیونی در منطقه را یادآور می شدند؛ به ویژه در بند هشتم پیام مهم‌شان در رابطه با حج ابراهیمی در ۱۳ شهریور ۱۳۶۲ مرقوم فرمودند: «مسلمانان و خصوصاً مظلومان منطقه بدانند، که اسرائیل با تغییر و تبدیل مهر‌ها که شاید برای اغفال رزمندگان فلسطینی و لبنانی باشد، هیچگاه از مقصد شوم خود که حکومت بر کشورهای مسلمین از نیل تا فرات است منصرف نخواهد شد و آمریکا، که چنگ و دندان در منطقه نشان می‌دهد از مهر‌های چون اسرائیل که مجری جنایت‌های آن در منطقه است، به طور کامل پشتیبانی می‌کند. و بازی‌های سیاسی اینان را نباید از نظر دور داشت و کسانی که از اسرائیل حمایت می‌کنند باید بدانند که افعی گزنده را در حمایت خود قوی می‌کنند که در صورت فرصت خدای ناخواسته حرث و نسل منطقه را به هلاکت می‌کشاند و باید به این افعی خزه خند خطرناک مهلت ندهند.» درباره اینکه تاکنون به این اهداف تاریخی دسترسی پیدا نکرده‌اند و همواره با شکست و ناکامی روبه‌رو شده می‌توان چند علل را یادآور شد.

۱-دلیل اصلی و مهم آن را الزاماً می‌بایست موفقیت‌های انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی تلقی کرد، بدون شکست جریان‌های تجزیه‌طلب که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ جملگی در راستای مقابله با جمهوری اسلامی، برای برداشتن مانع در تحقق شعار «نیل تا فرات» بوده است.

۲-روند رو به رشد جریان انقلاب اسلامی در منطقه غرب آسیا و سایر نقاط جهان بوده است که امروز از آن به جبهه مقاومت یاد می‌شود، همه طرح‌ها و نقشه‌های متعددی که رژیم برای سامان دادن موقعیت خود تعریف کرده بود را با ناکامی هارویه‌روساخت.

۳-سیاست‌ها و رفتارهای خشمگینانه صهیونیست‌ها با مردم مسلمان تحت ستم را می‌توان یکی دیگر از عوامل ناکامی رژیم صهیونیستی در تحقق این شعار دانست، یعنی آنچه به مردم مبارز و مقاوم غره گلشسته و اکنون می‌گذرد؛ از کوچاندن، آواره نمودن، زیر ششیدترین بمباران‌ها تا تحمیل گر سنگی، تشنگی و... موجب شکست و ناکامی جنایتکاران صهیونیست شده‌است.

۴-فراموش نکنیم که این ناکامی در حالی رخ می‌دهد که همه دستگاه‌های رسانه‌ای و خبری در جهان معاصر که از عوامل آمریکا و رژیم غاصب و جنایتکار محسوب می‌شوند از تضعیف جمهوری اسلامی و جبهه مقاومت دریغ نکردند و انواع دروغ و شایعات و بوق‌های تبلیغاتی و دشمنان اسلام در کمین نشسته و مراقب اعمال و اقوال آنان هستند و به تعبیر امام راحل «درصدند که از کاهی کوهی بسازند و در سراسر جهان را از شایعه‌های خود پر نمایند از کوچکترین مسئله‌ای بهانه‌ای بزرگ جلوه می‌دهند اما آن همه نسل‌کشی را نادیده می‌گیرند.»

و همچنین سران برخی از کشورهای اسلامی با موضع منفعلانه بسا آمریکا و صهیونیست‌ها همدستی می‌کنند تا جمهوری اسلامی جبهه مقاومت تضعیف و به شکست بکشانند. اما هر چه کردند موجب رسوایی‌شان شده و می‌شود و شعار نیل تا فرات در آینده مبهم خواهد بود.

بدتر از عهدنامه ترکمنچای!

محمد گنجی

روزنامه نگار

جریان تصویب کاپیتولاسیون در مجلسین سنا و شورای ملی، در سال ۱۳۴۳، یکی از رخداد‌های غم‌انگیز و پرحاشیه تاریخ دوران پهلوی است. در جلسه تصویب آن در مجلس سنا، میرفندرسکی معاون وزارت خارجه توضیح داد که مطابق این قانون قرار است «مستشاران نظامی آمریکایی که در خدمت دولت شاهنشاهی هستند از مزایا و مصونیت‌هایی که طبق قرارداد وین به کارکنان فنی سفارت‌تخانه‌ها تعلق می‌گیرد برخوردار شوند... شاید در نظر اول خیلی گران بیاید که ما برای یک عده خارجی در ایران تقاضای مصونیت و معافیت بکنیم، ولی این مصونیت‌ها و این معافیت‌ها را ما به خاطر آن خارجی‌ها تقاضا نمی‌کنیم، ما برای خاطر خدمتی تقاضا می‌کنیم که آنها برای ما انجام می‌دهند؛ پس از اینکه زیاد برای این موضوع فکر کردیم و مشاوره نمودیم با دستگاه‌های مختلف مملکت به این نتیجه رسیدیم که اعطای این مصونیت‌ها و این مزایا ضرری برای دولت شاهنشاهی ندارد و معافیت مالیاتی است که از حقوق آنان مالیات گرفته نشود، یا برای مسکن و تغذیه معافیت داشته باشند مهم نیست.

بعلاوه این نظر چیزی نیست که ما تنها کرده باشیم، دولت‌های دیگر هم کرده‌اند، دولت ترکیه

و یونان هم کرده‌اند. این مستلزم همکاری است که ما با دولت آمریکا داریم و اگر فرض بفرمایید که ما این را به دولت دیگری بدهیم این صحیح نیست برای اینکه ما با دولت دیگری نه قرارداد دفاعی دوجانبه داریم و نه دولت دیگری را در دفاع از مملکت خودمان در مساعی که برای دفاع از مملکت خودمان داریم اینطور شریک کرده‌ایم.» در این وقت سناتور‌ها قیام کردند و کلیات ماده واحده تصویب شد بعد بدون اینکه شخص دیگری اظهارنظر کند ماده واحده به معرض رأی گذاشته شد بر خاستند و تصویب گردید و به مجلس شورا فرستاده شد این کل جریان مجلس سنا عملاً به طور محرمانه بود و همان آئین‌نامه داخلی سنارا هم رعایت نکردند. ریاست مجلس سنا از همین دوره به عهده شریف امامی گذاشته شد و تا سال ۱۳۵۷ ریاست او ادامه یافت.

برای تصویب نهایی باید کار به مجلس شورای ملی ارجاع داده می‌شد. مجلس شورای ملی در حال تعطیل بود که تشکیل جلسه فوق‌العاده تقاضا شد. قرارداد وین در جلسه دوم مهر تصویب گردید ولی ماده واحده همراه آن ده روز بعد در کمیسیون خارجه مطرح و تصویب شد و بعد در جلسه رسمی ۲۱ مهر تقاضای فوریت آن تصویب گردید و توجه به این هم نشد که موضوع در کمیسیون دادگستری و نظام که بر طبق آیین‌نامه تکلیف بررسی داشتند رسیدگی نگردیده است. در همین مجلس یکی از نمایندگان اشاره‌ای به

«کاپیتولاسیون» کرد اما جرات نکرد کلمه خاص کاپیتولاسیون را بیاورد؛ زیرا این کلمه بسیاری جنایات ناشی از تسلط بیگانه را متبادر به ذهن می‌ساخت ولی کافی است به متن یادداشت‌های متبادله که اساس تصویب ماده واحده می‌باشد مراجعه گردد.

امتیازاتی که به مستشاران آمریکا داده می‌شد بیش از چیزی بود که بر طبق عهدنامه ترکمن چای به روس‌ها داده شده بود، دولت منصور از آن دفاع می‌کرد و مدعی بود که دولت علم شش ماه قبل آن را تصویب کرده و علم هم ادعا کرده بود گر چه دولتش آن را تصویب کرده ولی اگر موافق با آن بود ضمن ششصد تصویبنامه دوره فترت به مجلس می‌فرستاد تا یکجا تصویب کنند.

یکی از همان نمایندگان محصول انقلاب سفید و کنگره آزاد زنان و آزاد مردان در مجلس گفت: «... این خطرناک است و خدای نخواسته واقعه سقّاخانه را تکرار خواهید کرد. وقتی که من دیدم پنجاهم زیر اوتومبیل یک نفر آمریکایی رفت و هیچ مرجعی ندارم که شکایت کنم چکار می‌کنم؟ می‌روم آمریکایی را می‌کشم. این به ضرر خود آنها است. نکنید این کار را... تازه نماینده مخالف هم از دید نفع آمریکا صحبت می‌کند.

در مجلس شورا هم در جریان این کاپیتولاسیون عادی نبود. بر طبق آیین‌نامه جلسه مجلس می‌بایست با چهار ساعت کار تعطیل



گردد، ولی همچنان ادامه یافت، برای اینکه کار تمام گردد و وقت به دو برابر ساعت جلسات عادی رسید و در حالی که پیشنهاد تعطیل جلسه می‌شد، هیئت رئیسه به کار ادامه دادند. یکی از نمایندگان مورد را به «مشورت با شکنجه» تشبیه کرد. حتی اجازه ناهار هم داده نشد و در چنین شرایطی بدون اینکه موضوع کاملاً مورد رسیدگی قرار گیرد و بدون اینکه نماینده دولت جواب قانع‌کننده‌ای به مخالفت‌ها داده باشد، با اکثریت ضعیفی تصویب شد!

توضیح و دفاع معاون وزارت خارجه از لایحه در مجلس شورا چنین است: «سفارت آمریکا طی یادداشت شماره ۴۲۳ در اسفندماه ۱۳۴۰ از ما خواست که نظامیان آمریکا از امتیازات و مصونیت‌های مأمورین سیاسی پیش‌بینی شده در قرارداد وین برخوردار باشند. مذاکرات و مکاتبات ما با سفارت آمریکا مدت‌ها طول کشید تا جلسه وزیران در تاریخ ۱۳ مهر ۱۳۴۲ آن را تصویب کرد. سپس لایحه مربوطه در تاریخ ۲۵ دی‌ماه ۱۳۴۲ به مجلس سنا تقدیم شد و سوم مرداد ماه ۱۳۴۳ به تصویب رسید و سپس به مجلس شورا آمد که آقایان وظیفه خود را انجام دهند!» و البته مجلس هم وظیفه‌اش را انجام داد، مجلسی که اساساً برای تصویب همین نوع قوانین تشکیل شده بود.

حافظه

مرگ به علت گرسنگی!

نگاهی به حضور استعمارگران در شبه قاره هند

باختند. به دستور چرچیل در این سال‌ها، همه کشتی‌هایی که برای انتقال مواد غذایی به هند استفاده می‌شد، برای انتقال تجهیزات و آذوقه برای نیروهای نظامی انگلستان در شمال آفریقا به کار رفت و به این ترتیب، دوباره قحطی بزرگی در ایالت بنگال هند، جان میلیون‌ها هندی را گرفت.

«أبوالحسن الندوی» در کتاب «ماذا خسر العالم بالانحطاط المسلمین» می‌نویسد: «انگلیس درباره بنگال هند، کار را به جایی رسانید که آنها را در گرسنگی و قحطی غیر طبیعی قرار داد. فقط گناه اهالی بنگال این بود که زیر بار سربرازی انگلیس نمی‌رفتند. انگلیسی‌ها برای فشار به ملت هند از تردد کشتی‌های کوچکی که مورد استفاده مزارع برنج بود جلوگیری کردند. و به دنبال آن چون خوراک مردم بنگال برنج بود و به دلیل ممنوعیت استفاده از کشتی‌های کوچک فراوان و راه‌ها باز بود و قطارها صبح و شام حرکت می‌کردند و سرتاسر هند آباد بود و می‌توانست شهرهایی خارج از هند را نیز سیر کنند، بنگال و بسیاری از شهرهای هند را مبتلا به گرسنگی عمدی کردند و صدها هزار ملت از گرسنگی تلف گردیدند تا نشان دهند که هند نمی‌تواند خود را اداره کند.»

حضور استعمارگران انگلیسی در هند جز فلاکت و بدبختی ثمری به همراه نداشت و این کشور ثروتمند بارها دچار قحطی شد که محصول سیاست‌های استعماری بود. «مایک دیویس» در کتاب خود به نام «هولوکاست ویکتوریای متأخر» که در سال ۲۰۰۱ منتشر شد، ماجرای قحطی‌هایی را روایت می‌کند که در اثر سیاست دولت بریتانیا، بین ۱۲ تا ۲۹ میلیون هندی را کشت. در زمانی که خشکسالی دهقان‌های فلات «دکن» در هند را در سال ۱۸۷۶ از هستی ساقط کرد، هندوستان دارای مازاد خالص برنج و گندم بود؛ ولی نایب‌السلطنه انگلستان «لرد لیتون»، اصرار و تأکید کرد که هیچ چیز نباید مانع صادرات این محصول مازاد به انگلیس شود. درست زمانی که میلیون‌ها نفر در هند از قحطی می‌مردند، دولت پادشاهی انگلستان، به یک عملیات نظامی برای «جمع‌آوری مالیات‌های عقب‌افتاده سال‌های خشکسالی» دست زد و باقی مانده پولی هم که می‌توانست دهقان‌های هندی نجات یافته از مرگ را از قحطی نجات دهد، به دستور لرد لیتون صرف هزینه جنگ در افغانستان شد.

سال ۱۹۴۲، قحطی دیگری به دلیل تصمیم استعماری دولت بریتانیا و شخص چرچیل در هندوستان به وقوع پیوست که حدود ۵ میلیون هندی دیگر را به کام مرگ کشاند. طی سال‌های ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۴ بین ۵/۳ تا ۵ میلیون هندی بر اثر قحطی جان

دهلیز

حکومت فرقه‌ای

مروری بر حضور بهاییان در دربار دیکتاتور پهلوی

بهاییان از جمله گروه‌های ذی نفوذی بودند که در ساختار حکومت پهلوی رسوخ کرده و مهم‌ترین مناصب سیاسی را در اختیار خود قرار داده بودند. این در حالی است که یکی از ادعاهای فرقه بهائیت این است که می‌گوید بهائیت دخالتی در امور سیاسی ندارد و در جلسات و محافل و اجتماعات بهاییان هیچ صحبتی از سیاست نمی‌شود و بطور کلی اعضای این تشکیلات از دخالت در امور سیاسی ممنوعند و در منطقه‌ای که سکونت دارند باید از حکومت آن پیروی و اطاعت کنند.

از آن روزی که علی محمد باب اعدام شد و ناصرالدین شاه قاجار هدف سوء قصد قرار گرفت بهاییان به سیاست گرایش پیدا کرده و تا به پایان حکومت پهلوی بهاییان ایران هم در امور سیاسی دخالت کردند و هم در جریان‌های سیاسی بین‌المللی راه پیدا کردند

بهاییان در ایران از ابتدای قرن حاضر مشاغل مهم دولتی و حتی مقامات عالیه‌تره را در دست خود گرفتند و نیروهای خود را گسترش دادند و در تمام امور مملکتی دخالت و نفوذ داشتند.

در زمان حکومت دکتر محمد مصدق، سازمان جهانی صهیونیسم تعطیل شد و نمایندگی سیاسی اسرائیل در ایران برچیده شد. در این زمان اداره امور سازمان‌های جاسوسی یهودیان ایران به کمیته بهاییان واگذار گردید. امیر عباس هویدا نیز به دست عناصر با نفوذ و نقابدار بهایی مأمور خدمت



سیاست نامه

سیدمحمدباقر صدر- ۵۲

مدافع انقلاب اسلامی

محمدتقی بهارلو

خبرنگار

از مختصات فکری بارز شهید صدر احترام به علما و مراجع به ویژه جایگاه راهبردی مرجعیت عام دینی بود. با این که خودش در معرض معرفی برای این جایگاه از حیث علمی قرار داشت، اما خود مقوم و تقویت‌کننده مراجع در طول عمر کوتاه اما پرثمرشان بودند و به هنگام مراجعه مردم برای قبولی مرجعیت اکراه داشتند تا قوت و قدرت مرجعیت واحد و عام را نkahند و مردم به این بهانه چند دسته نشوند. مردم موقعی برای تقلید به ایشان مراجعه کردند که هنوز رساله‌اش منتشر نشده بود و این نکته‌ای است که کمتر در بین مراجع یافت می‌شود. هیچ چیز بیش از این شهید صدر را آزرده نمی‌کرد که کسی خدمت ایشان برسد و بگوید من مقلد شما هستم. ایشان به مرور و پس از اینکه مردم بسیاری از کاستی‌ها، چه از لحاظ تولید فکر و پاسخگویی به شبهات، و چه از لحاظ نگاه جهانی و تصدی بر شئون اجتماعی احساس کردند، به مرور، بیشتر به او مراجعه کردند و ایشان از این نظر تحت فشار قرار گرفت. مردم نزد ایشان می‌آمدند و می‌گفتند که ما به هر حال از شما تقلید می‌کنیم و این از کنترل شما خارج است. کتاب یا رساله ماندنی را به ما معرفی کنید که ما به آن مراجعه کنیم. شهید صدر خلاصه‌ای از منهاج‌الصالحین آقای حکیم را گرفت و بر آن شرح نوشت و با تقسیم‌کار بین تعدادی از شاگردانش هر کدام چند نسخه از روی شرح شهید صدر دستنویس کردند تا در اختیار مردم بگذارند. مرجعیت شهید صدر بیشتر از طرف طیف‌های از طلاب مورد استقبال قرار گرفت، که دارای افکاری باز و روشن و علمی بودند. طرز فکر و اندیشه شید صدر با بقیه مراجع نجف تفاوت داشت. ایشان از بینش واقعی روشنفکرانه برخوردار بودواعتقاد داشت که اسلام سیاسی باید بر جهان اسلام حکومت کند.

شهید صدر در حمایت از امام خمینی هیچ تردیدی به خود راه نمی‌داد؛ فقط روش حمایت ایشان با امام موسی صدر متفاوت بود که البته شرایط جغرافیایی و سیاسی و اجتماعی در این امر تأثیر بسزایی داشت و الا شهید صدر بسیار جدی و باورمند از انقلاب اسلامی حمایت می‌کرد؛ به گونه‌ای که برخی معتقدند حمایت شهید صدر از انقلاب اسلامی از عوامل مهم بلکه مهمترین عامل شهادت ایشان بوده است. البته در این میان برخی به غلط هم ادعا می‌کنند که شهید صدر در حمایت از انقلاب، بدون اینکه شرایط عراق و ویژگی‌های آن را مد نظر قرار دهند؛ دچار نوعی برخورد عاطفی و شتابزده شدند. این در حالی است که کسانی که چنین ادعایی می‌کنند از تاریخچه حمایت آقای صدر از انقلاب اسلامی بی‌اطلاع هستندو تصور می‌کنند که ایشان پس از مشاهده رویداد پیروزی انقلاب یک‌نوع واکنش عجولانه و عاطفی از خودش نشان داد. در پاسخ باید گفت با توجه به مدارکی که در دست هست، این موضع‌گیری سید شهید در دوره پیروزی انقلاب شکل نگرفت، بلکه موضع ایشان موضعی اصولی و ثابت بود که ریشه آن به سال‌های قبل از پیروزی انقلاب و زمانی که هنوز خبری از انقلاب نبود، باز می‌گشت.

بازخوانی منطق حرکت انقلاب اسلامی در آموزه‌های امامین انقلاب اسلامی - ۴

دستاوردهای توجه به عقلانیت و مصلحت

مهدی سعیدی

جریان شناس سیاسی

تصمیم‌گیری در مدار **عقلانیت** و **توجه به مصلحت** و **میانه‌روی** در **اقدام** و **حرکت**، **آورده‌هایی** دارد که در **حکمرانی** و **فعالیت** **سیاسی** می‌توان **محصول** آن را **چید**، در **شماره سوم** از این **سلسله یادداشت‌ها** به **چهار مورد** از این **آورده‌ها** اشاره شد که در این **شمار سه مؤلفه دیگر** از **آثار کاربست عقلانیت** و **مصلحت** در **تداوم حرکت انقلاب** و **نظام اسلامی** پرداخته می‌شود.

۵-پرهیز از افتادن

در دام افراطی گری و تحجر

واقعیت آن است که یکی از آفات انقلابی‌گری و روحیه انقلاب مطابق با تجربه چهار دهه گذشته افتادن به دامان افراط و تحجر و قشری‌گری بوده است. انقلابیون اگر در دام افراطی‌گری اسیر شوند، خیلی زود اعتبار خود را از دست داده و در جاده انحطاط و هلاکت خواهند افتاد و حاصل آن جریانی انحرافی خواهد بود که جز ضربه زدن به آرمان‌ها و انفعال و بدنامی دستاوردی نخواهند داشت.

افراطیونی که خود را انقلابی معرفی می‌کردند، همان‌هایی بودند که بر ظاهر بیش از باطن تأکید داشتند، تدابیرشان بیش از عقلانیت بر عواطف و احساسات بنا نهاده شده بود، زود از کوره در رفته و از آن‌سو زود پشیمان می‌شدند، دافعه‌شان بیش از جاذبه‌شان نمایان بود و هر که را با اندک تفاوتی از دایره انقلابیون می‌راندند، از درک مصالح نظام عاجز و ناتوان بوده و مصالح نظام را در حد منافع افراد تقلیل می‌دادند، و در نهایت حتی از امام‌شان نیز پیش گرفته و خود را انقلابی‌تر از رهبر جامعه معرفی می‌کردند! سرنوشت این دسته از انقلابی‌نماها امروز به خوبی آشکار گردیده

است! آنان یا سرخورده و منزوی و بریده از انقلاب شده‌اند و یا در صف ضدانقلابیون و اپوزیسیون در آمده‌اند!

حکیم فرزانه انقلاب اسلامی در دیدار با دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم در این باره چنین فرموده‌اند: «نبیادا حرکت انقلابی جوری باشد که بتواند تهمت افراطی‌گری به او بزند. از افراط و تفریط بایستی پرهیز کرد. جوان‌های انقلابی بدانند؛ همان طور که کناره‌گیری و سکوت وی تفاوتی ضربه می‌زند، زیاده‌روی هم ضربه می‌زند؛ مراقب باشید زیاده‌روی نشود.»

۶-پرهیز از رادیکالیسم

در طول بیش از چهار دهه گذشته، حوادث مختلفی توسط برخی جریان‌های خودسر و رادیکال در کشور شکل گرفته که هیچ‌کدام مورد رضایت رهبر معظم انقلاب اسلامی نبوده است. این اقدامات حتی گاه با تعصبات مذهبی و غیر دینی و انقلابی و حتی به نام انقلابیگری و امر به معروف و نهی از منکر و... انجام شده است، که خاستگاه آن چندان تفاوتی در کراهت و مذموم بودن عمل نداشته و رهبری آن را مورد نقد قرار داده است. البته اقدامات رادیکال منحصر به جریان‌هایی با تابلوهای ارزشی نبوده، بلکه گروه‌های دیگری نیز در این مسیر قدم برداشته و ثبات و آرامش جامعه را مخدوش کرده‌اند.

نکته قابل تامل آن که دشمن همواره به استقبال این اقدامات رفته و تلاش کرده از این نمد، کلاهی برای خود فراهم کند، لذا بیشترین بهره در این حوادث سهم بیگانه شده است. در معرکه ایجاد شده توسط افراطیون، فرصت‌طلبان و نفوذها نیز فعال شده و به میدان آمده و از آب گل آلود ماهی خود را گرفته‌اند و بر آتش فتنه‌ها افزوده‌اند. افرادی که به ظاهر همسو با رادیکال‌ها شعار داده‌اند، اما بعد معلوم شده که تعلق به جریان‌های معاند و یا سرویس‌های جاسوسی بیگانگان داشته‌اند!

تبیین

جنگ روایت‌ها و جهاد تبیین -۱۴۳

میدان نبرد پنهان

شکست دهند، باید حقیقت را تحریف کنند، تصویر تاریخ را وارونه کنند و روایت خود را به ذهن‌ها تزریق نمایند.

لذا رهبر حکیم انقلاب در «تکالیف هفت‌گانه»ای که بر دوش اقشار مختلف مردم و مسئولان و تربیون‌داران تبیین گذاشتند، یک مأموریت مستقیم به اهل رسانه دادند: حفظ عزت و آبروی کشور و ملت که این وظیفه بی‌اغماض و بی‌بها، خبرنگار، فقط گزارشگر و قلم‌زنان است.
خبر نیست او مرزبان حقیقت است، وظیفه او حفاظت از حافظه تاریخی ملت است و سربازی است.

در این میدان، تبیین و رفع مغالطه‌ها، یک وظیفه راهبردی است. همان‌طور که رهبر انقلاب هشدار دادند، باید مغالطات دشمن را با بهترین روش و کمترین هزینه برای کشور باطل کرد و از افتادن در دام جنجال بر سر مسائل کوچک پرهیز نمود. جنگ تحمیلی اخیر، سسند زنده‌ای است بر اینکه دشمن از روایت درست به اندازه خیرشکن‌ها می‌ترسد.

دشمن تنها با بمب و موشک نمی‌جنگد. تحریف تاریخ، بمبی است که سنگر حافظه ملت را ویران می‌کند و اگر خط روایت به دست او بیفتد، می‌تواند حقیقت را از ذهن‌ها پاک کند بی‌آنکه حتی صدای انفجاری شنیده شود. در مقابل، اگر روایت در دست ما باشد، اثر آن از هر موشک هاپیر سونیکی در دل تاریخ ماندگارتر خواهد بود.

این اقدامات در سطوح مختلفی کشور را درگیر مصائب و مشکلات متعدد و گسترده کرده است و حتی تا ایجاد بلوایی بزرگ پیش رفته و در این میان گاه سیاست خارجی را مخدوش کرده و گاه پنجه بر صورت امنیت داخلی کشیده است و حتی عرصه معیشت و اقتصاد مردم نیز بی‌لطمه باقی نمانده است!

در این میان یکی از سرفصل‌های قابل درس آموزی و عبرت‌گیری فراز و نشیب‌ها و تغییر جهت‌هایی است که افراد و مجموعه‌ها و گروه‌های مختلف در مواجهه با حوادث از خود نشان داده‌اند. تغییراتی که از استحاله و دگرگونی درون ناشی از ضعف‌ها و ناتوانی‌های داخلی آنان حکایت دارد. این حقیقت از جمله دغدغه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی است که بارها در سخنانشان به آن اشاره کرده‌اند. به عنوان نمونه در دیدار رئیس، مدیران، پژوهشگران و محققان جهاد دانشگاهی(۱۳۹۳/۳/۱۹)، به شکل‌گیری این مجموعه براساس تفکر انقلابی اشاره کردند و گفتند: «باید جهت‌گیری و مسیر انقلابی جهاد دانشگاهی حفظ شود و نباید گذاشت این مرکز مهم علمی گرفتار آسیب‌های ناشی از پیچ و خم های سیاسی و «چپ‌روی‌ها» و «راست روی‌های» غلط عرصه سیاسی شود،» رهبر انقلاب اسلامی یکی از آسیب‌های فراز و فرودهای محیط‌های سیاسی را دگر دینی برخی افراد دانستند و افزودند: «افرادی که روزی با انگیزه‌های تند انقلابی حرکت می‌کردند، اکنون دیدگاه‌های آنها ۱۸۰ درجه تغییر کرده و حتی بنیات انقلاب اسلامی برای آنها نامفهوم است. باید مراقب بود، این خصوصیات به مجموعه جهاد دانشگاهی راه پیدا نکند.»

به واقع مبتنی بر نظر معظم‌له یکی از دلایل عمده این چرخش‌های ۱۸۰ درجه‌ای را باید در افراطی‌گری‌هایی دانست که در قالب

چپ‌روی‌ها و راست‌روی‌های سیاسی ظهور

آفاق

ضوابط تفکر انقلابی -۸

شرایط غیرعادی!

محمد رضا ملایی
پژوهشگر اندیشه
سیاسی



متعدد، کارشکنی‌های داخلی، فشارهای بیرونی و محدودیت‌های منابع مواجه‌است. دشمنان سازمان، دائماً صحنه را به‌گونه‌ای طراحی می‌کنند که اجرای عادی قوانین ممکن نباشد. در چنین شرایطی، اگر سازمان بر اجرای صرف و بدون انعطاف قوانین اصرار بورزد، به نتیجه‌ای نمی‌رسد و چه‌بسا از هدف نهایی خود نیز باز بماند.

در این وضعیت دوم، سازمان ناگزیر است برای حفظ جهت‌گیری اصلی و رسیدن به هدف نهایی، گاهی برخی قوانین را موقتاً کنار بگذارد، از مسیرهای فرعی عبور کند، تصمیمات جایگزین اتخاذ کند و به‌طور کلی انعطاف‌پذیر و مبتنی بر مصلحت عمل کند. البته این انعطاف‌پذیری به معنای عدول از هدف نیست، بلکه تلاش هوشمندانه برای عبور از موانع در مسیر تحقق همان هدف است.

جمهوری اسلامی ایران دقیقاً در چنین وضعیتی قرار دارد. قوانینی روشن، آرمان‌هایی بلند و دستوراتی مشخص دارد، اما به‌واسطه دشمنی‌های گسترده و موانعی که اکثراً از اختیار او خارج‌اند، امکان اجرای کامل و مستقیم آن قوانین وجود ندارد. در نتیجه، نظام مجبور است با سنجش دقیق شرایط، با محاسبه ظرفیت‌ها و محدودیت‌ها، سناریوهایی را طراحی کند که هم هدف اصلی حفظ شود و هم امکان عبور از بحران فراهم شود. این سناریوسازی، همان چیزی است که در ادبیات سیاسی جمهوری اسلامی از آن با عنوان «مصلحت» یاد می‌شود. در اینجا، مصلحت‌سنجی نه به معنای عقب‌نشینی از آرمان‌هاست، نه به معنای تسلیم در برابر فشارها؛ بلکه بخشی از عقلانیت انقلابی است.

^[1] در این وضعیت دوم، سازمان ناگزیر است برای حفظ جهت‌گیری اصلی و رسیدن به هدف نهایی، گاهی برخی قوانین را موقتاً کنار بگذارد، از مسیرهای فرعی عبور کند، تصمیمات جایگزین اتخاذ کند و به‌طور کلی انعطاف‌پذیر و مبتنی بر مصلحت عمل کند

^[2] البته این انعطاف‌پذیری به معنای عدول از هدف نیست، بلکه تلاش هوشمندانه برای عبور از موانع در مسیر تحقق همان هدف است

نکته گرام

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس؛ ماشین کشتار نازی‌های قرن بیست‌ویکم همچنان به نسل‌کشی و جنایت‌های خود ادامه می‌دهد. آن‌ها حقیقت‌گویانی مانند «انس الشریف» و دیگر خبرنگاران را ترور می‌کنند تا صداها را خاموش کنند اما حقیقت روشن‌تر می‌درخشد. همان‌طور که انس در وصیت‌نامه‌اش نوشت «اجازه ندهید زنجیرها شما را خاموش کنند و مرزها شما را بازدارند»، مسیر انس ادامه دارد و خشم و آگاهی جهانی، ماشین کشتار صهیونیستی را در هم خواهد شکست.

حسن رحیم‌پور ازغدی؛ عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ کریمت روزولت؛ مامور سیا در اجرای کودتای ۲۸ مرداد می‌گوید برای کودتا یک میلیون دلار نقد در اختیار داشته و ولی کار سرنگونی مصلدق و بازگرداندن پهلوی فقط با ۶۰ هزار دلار جمع شد و دوباره غارت ایران و دیکتاتوری و...

وحید یامین پور، فعال رسانه؛ اوکراین اول جنگ امیدوار به کمک‌های آمریکا بود برای شکست دادن روسیه. بعد افتاد دنبال دریافت کمک برای عقب نشینی و اتمام جنگ. حالا دنبال دریافت تضمین برای واگذاری خاک کشور به روسیه! نتیجه اعتماد به آمریکا.

مالک شریعتی نیاسر، عضو کمیسیون انرژی؛ کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد، ۷۲ساله شد. ایران هرگز در مبارزه با آمریکا آغازگر حمله نبوده(طیس/صدام). حالا دوباره جنگ به ما تحمیل شده؛ کی؟ دقیقاً وسط مذاکره! ترامپ مسوولیت حمله را از اول بعهده گرفت والیته ما جانانه دفاع کردیم. هر مذاکره‌ای در طول این مبارزه، خوب است؛ وگرنه خیانت است.

ناصر کتعمانی، سخنگوی وزارت خارجه؛ ۲۸ مردادسارروز کودتای آمریکایی-انگلیسی علیه دولت قانونی و ملی دکتر مصدق است. سابقه تاریخی دشمنی آمریکا با ملت ایران به دهه‌ها پیش از انقلاب اسلامی برمی‌گردد. کارنامه تاریخی اقدامات آمریکا و انگلیس علیه ایران و ایرانیان وحشتناک است. آنها با استقلال ایران ستیز دارند.

آرارات میرزویان، وزیر خارجه ارمنستان؛ خوشوقتم که در جریان سفر رئیس‌جمهور اسلامی ایران، دکتر پزشکیان به ارمنستان، با همتایم آقای عراقچی دیدار و تبادل نظر کردم. ما بر موارد زیر تأکید کردیم: اهمیت تقویت و توسعه مشارکت راهبردی به‌عنوان دو کشور همسایه، با توجه به روابط دوستانه و دیرینه. تقویت سطح ارتباطات در چارچوب حاکمیت و صلاحیت قضایی کشورها.

احمد نسادری، نماینده ادوار مجلس؛ دیپلماسی بی‌عزت یعنی همین صحنه‌ای که رهبران اروپایی چون فرمانداران یک ایالت، رویه‌روی ترامپ نشستند تا دستور بگیرند. اروپا که روزی مدعی استقلال و هویت تمدنی بود، امروز در مدار واشنگتن، از قاره کهن به قاره کهنر سقوط کرده است.

یرنی سندرز، سناتور آمریکایی؛ دیوانه‌کننده است که در ثروتمندترین کشور جهان، میلیون‌ها نفر قادر به خرید خانه نیستند و صدها هزار نفر هر شب بی‌خانمان می‌مانند.

فواد ایزدی، کارشناس مسائل آمریکا؛ در واشنگتن، گارد ملی ارتش آمریکا برای مقابله با تظاهرات مردم علیه ترامپ لشکرکشی می‌کند؛ نفربرهای زرهی را برای مقابله با تظاهرکنندگان غیر مسلح مستقر کرده است. در مقابل مردم که پرچم‌های وارونه آمریکا را در دست دارند، شعار می‌دهند: «دی سی (واشنگتن) را آزاد کنید.» ترامپ دوست داشت این تصاویر را در تهران ببیند

مهدیه چوپانی

دبیر گروه مجازستان

با گذشت نزدیک به پنج دهه از نخستین تلاش‌های ایران برای بارورسازی ابرها، این طرح همچنان با چالش‌هایی چون کمبود بودجه، نبود زیرساخت راداری و توقف‌های مکرر مواجه است؛ در حالی که کشورهای مانند چین و امارات با سرمایه‌گذاری کلان، فناوری‌های نوآورانه و استمرار فعالیت، توانسته‌اند بارش مصنوعی را به ابزاری راهبردی در مدیریت منابع آب بدل کنند.

نخستین تجربه‌های ایران در زمینه بارورسازی ابرها به سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷ بازمی‌گردد؛ زمانی که با همکاری شرکت‌های خارجی عملیات در اطراف سد کرج و جاجرود اجرا شد. در دهه ۱۳۶۰، پروژه‌هایی محدود با ژئوتورهای زمینی در ارتفاعات شیرکوه یزد ادامه یافت و از سال ۱۳۷۷ با تأسیس «مرکز ملی تحقیقات و مطالعات بارورسازی ابرها»

فعالیت‌ها جنبه سازمان‌یافته‌تری پیدا کرد.

در سال‌های بعد، استان‌هایی چون گیلان، مازندران، اردبیل و تهران میزبان عملیات بارورسازی بودند. بر پایه گزارش دانشگاه تهران از پروژه سال ۱۳۹۳، بارش‌ها در مناطق هدف حدود ۳۳ درصد افزایش یافته و ۲/۱ میلیارد مترمکعب آب اضافی ذخیره شد. با این حال، محدود بودن اثرگذاری (یک تاسه ساعت)، فقدان تجهیزات راداری مدرن، تخصیص ناقص بودجه (گاهی کمتر از ۱۰ درصد مصوب) و وقفه‌های مکرر باعث شد این طرح هیچ‌گاه به مقیاسی ملی و پایدار نرسد. طی دو سال اخیر نیز بیشتر فعالیت‌ها متوقف شد و تنها در پاییز ۱۴۰۳ چند عملیات محدود با نصب ژئوتورهای زمینی در ساوه و شازند انجام گرفت. کارشناسان هشدار می‌دهند که نبود شبکه رصد پیشرفته موجب شده بسیاری از عملیات‌ها «کور» انجام شود و نتایج آنها قابل سنجش نباشد.

این وضعیت در حالی است که کشورهایی

گزارش

فرصتی بزرگ یا چالشی جدی؟

دقیق آن می‌تواند منجر به اشتغال‌زایی بین ۸۰ تا ۲۰۰ هزار نفر در صنعت دیجیتال محتوا شود. به‌عنوان مثال، مدیرعامل بانک صدا اجرای این سند را نقطه عطفی برای تقویت زیرساخت‌های بومی، حمایت از گویندگان و افزایش رقابت با پلتفرم‌های خارجی معرفی کرد. او بر لزوم شفافیت، عدالت در تخصیص منابع و مشارکت واقعی بخش خصوصی تأکید کرد و پیش‌بینی کرده که با این رویکرد، صنعت صوتی دیجیتال می‌تواند تا پنج برابر رشد کند

در این بین از حمایت تا هشدار با وجود نگاه مثبت‌نخبگان، منتقدان نیز صدای خود را بلند کرده‌اند. برخی پلتفرم‌های دیجیتال و شبکه‌های نمایش خانگی با ارسال نامه‌ای به رئیس‌جمهور، اجرای سند را تهدیدی برای بخش خصوصی دانسته‌اند. زمینه مهم دیگر، ابهام در تعریف واژه‌هایی مانند «محتوای فاخر» است که می‌تواند موجب تصمیم‌گیری سلیقه‌ای و ناعادلانه شود.

از اپراتورها مبلغی بابت حق‌السهم محتوا دریافت و به صندوق‌های حمایتی منتقل می‌کند. از جهت اقتصادی، برآوردها نشان می‌دهند که سالیانه بین ۱۰ تا ۱۵ هزار میلیارد تومان به این اکوسیستم تزریق خواهد شد و با مشارکت بخش خصوصی، این رقم می‌تواند به ۳۰ هزار میلیارد تومان برسد. دبیر انجمن ناشران دیجیتال، آن را فرصتی تاریخی برای قانونمند کردن بازار محتوا دانسته و معتقد است منابع مالی آن می‌تواند جهشی در نشر دیجیتال، کتاب‌صوتی و خدمات محتوایی ایجاد کند. پتانسیل اشتغال و توسعه فرهنگی یک تحلیل از وضعیت بازار محتوا در ایران نشان می‌دهد که در بسیاری از حوزه‌ها از کتاب الکترونیک و صوتی تا پلتفرم‌های VOD و AOD-رکود حکمفرماست. در پاسخ، این سند قرار است انگیزه تولید محتوا را بالا ببرد، بازار را متنوع‌تر کند و وابستگی به محتوای خارجی را کاهش دهد. گفته می‌شود اجرای

مانند چین و امارات مسیر متفاوتی را پیموده‌اند. چین از دهه ۱۹۵۰ وارد این حوزه شد و از اواخر دهه ۱۹۹۰ یک شبکه ملی مدیریت آب‌وهوای مصنوعی ایجاد کرد. این کشور اکنون سالانه حدود ۵۵ میلیارد مترمکعب بارش اضافی تولید می‌کند و حتی در رویدادهایی مانند المپیک ۲۰۰۸ توانست باران را کنترل کند. استفاده از هواپیماهای تخصصی، توپ‌های زمینی پرتاب دیدید نقره، پهپاد و فناوری لیزر، همراه با زیرساخت کامل راداری و ماهواره‌ای و بودجه چند صد میلیون دلاری در سال، به افزایش ۱۵ تا ۴۰ درصدی بارش در مناطق هدف و کاهش اثر خشکسالی انجامیده است.

امارات متحده عربی نیز از اوایل دهه ۲۰۰۰ وارد عرصه بارورسازی شد و امروز با بهره‌گیری از پهپادهای پالس الکتریکی برای تحریک بارش، به یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای منطقه در این حوزه بدل شده است. تخصیص بیش از ۱۵ میلیون دلار بودجه سالانه، همکاری با دانشگاه‌های معتبر بین‌المللی و تجهیز به ناوگان



نگاهی به پیشینه طولانی ایران در مدیریت بارش مصنوعی

هواپیماهای اختصاصی، این کشور را به جایی رسانده که در سال ۲۰۲۲ بیشترین میزان بارش مصنوعی خود را ثبت کرد.

کارشناسان تأکید می‌کنند رمز موفقیت کشورهایی مانند چین و امارات در استمرار فعالیت‌ها، وجود نهاد واحد و مقتدر برای مدیریت پروژه‌ها، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و سرمایه‌گذاری پایدار است؛ عواملی که موجب انتقال تجربه عملیاتی و دستیابی به نتایج ملموس شده است.

ایران با وجود پیشینه‌ای طولانی، هنوز از نظر زیرساخت، سرمایه‌گذاری و مدیریت پروژه فاصله‌ای جدی با کشورهای موفق دارد. صاحب‌نظران بر این باورند که اگر دولت بتواند بودجه‌ای پایدار، شبکه رصد پیشرفته و همکاری علمی بین‌المللی فراهم کند، تجربیات چند دهه‌ای داخلی نیز می‌تواند زمینه‌ساز موفقیت‌هایی مشابه چین و امارات در مدیریت منابع آبی باشد.

خبر خوب

اتاق مشترک

اولین خانه فناوری ایران



کاری‌های علمی و فناوریانه ایران و چین وارد مرحله تازه‌ای شد. «حسین روزبه»، رئیس سازمان توسعه همکاری‌های علمی و فناورانه، در دیدار با زوئنگ پی وو، سفیر چین در ایران، از افتتاح نخستین خانه نوآوری و فناوری جمهوری اسلامی ایران در چین طی ماه‌های آینده خبر داد. روزبه با اشاره به پیشینه روابط دوستانه

دو کشور و ظرفیت‌های علمی و فناوریانه ایران گفت: «بیش از ۱۰ هزار شرکت دانش‌بنیان در کشور فعال هستند و این ظرفیت‌ها فرصت مناسبی برای توسعه همکاری‌های مشترک با چین ایجاد کرده است.

پژواک

آخرین نسخه

ترجمه گوگل هوشمندتر می‌شود



گوگل در حال آماده‌سازی تغییرات مهمی برای سرویس ترنسلیت است. این تغییرات شامل بازطراحی رابط کاربری، اضافه‌شدن حالت تمرین برای یادگیری زبان و استفاده گسترده‌تر از هوش مصنوعی می‌شود؛ تحولاتی که می‌تواند تجربه کاربران را متحول کند. در نسخه جدید مترجم گوگل، دکمه ورودی صوتی کوچک‌تر شده و جای آن تغییر کرده است. همچنین آیکن‌های ورودی صدا، نوشتار دستی و چسباندن متن در ردیفی جدید قرار گرفته‌اند تا دسترسی راحت‌تر شود و رابط کاربری ظاهری مرتب‌تر داشته باشد.

نرم افزار

ترجمه صوتی

محصول جدید هوش مصنوعی



طبق اعلام شرکت متا، قابلیت ترجمه صوتی هوش مصنوعی این شرکت به صورت جهانی عرضه شد. شرکت «متا» قابلیت ترجمه صوتی زنده جدید خود را به صورت جهانی عرضه کرد. این قابلیت موسوم به «Reels» از هوش مصنوعی مولد برای ترجمه صدای شما، با قابلیت لب‌خوانی اختیاری استفاده می‌کند. این ابزار روی صدای شما آموزش می‌بیند و یک آهنگ صوتی ترجمه شده تولید می‌کند تا با لحن شما مطابقت داشته باشد. سپس افزونه لب‌خوانی، حرکات دهان شما را با گفتار ترجمه شده مطابقت می‌دهد.

یادداشت

جای خالی سینمای ضدترور!

آرش فهیم

دبیر گروه فرهنگ



ایران در نیم قرن گذشته، در صدر آسیب از تررور قرار داشته اما کمترین فیلم ضدتروریستی در سینمای ما ساخته شده است!

سینما از دیرباز نه تنها ابزاری برای سرگرمی، بلکه رسانه‌ای قدرتمند برای بازتاب واقعیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بوده است. در دنیای امروز که سایه شوم تروریسم بر بسیاری از نقاط جهان سنگینی می‌کند، نقش سینما در روشنگری، بیداری افکار عمومی و حتی مقابله با این پدیده ویرانگر بیش از پیش اهمیت می‌یابد. یکی از منابع بررسی گذشته توسط آیندگان، محصولات رسانه‌ای و از جمله فیلم‌های سینمایی خواهد بود. واقعیت امروز این است که ایران کشوری است که صدها چهره سیاسی و حاکمیتی و نظامی و ده‌ها نفر از دانشمندان و هزاران تن از شهروندانش قربانی عملیات‌های تروریستی مختلف قرار گرفتند، اما این حوادث تراژیک، کمتر به دنیای درام وارد شدند. کشوری که بیشترین شهید را برای مقابله با یک غده سرطان تروریستی به نام داعش تقدیم کرد، اما غیر از دو سه نمونه، هیچ فیلمی در این باره ساخته نشد! یک کشور که در چند دقیقه، بزرگترین چهره‌های دفاعی و علمی‌اش توسط یک مرکز تروریستی به نام اسرائیل، هدف قرار گرفتند و ترور شدند، اما احتمالاً با گذشت

زمان غیر از چند نمونه انگشت شمار، این ماجرا کمتر به آثار سینمایی راه خواهد یافت! تروریسم نه تنها جان انسان‌ها را می‌گیرد و زیرساخت‌ها را نابود می‌کند، بلکه ریشه‌های فکری و ایدئولوژیک عمیقی دارد که جز با روشننگری و آگاهی‌بخشی قابل خشکاندن نیست. سینمای ضدترور می‌تواند با به تصویر کشیدن واقعیت‌های تلخ ترور، پیام‌های فاجعه‌بار آن بر زندگی افراد و جوامع، و همچنین ریشه‌های فکری و انگیزه‌های پشت پسرده آن، می‌تواند به عنوان آینه‌ای شفاف عمل کند. این ژانر می‌تواند با نمایش دقیق و واقع‌گرایانه، مخاطب را با عمق فاجعه آشنا کرده و او را به تفکر وادارد.

یکی از مهمترین کارکردهای سینمای ضدترور، «افشای چهره واقعی تروریسم» است. گروه‌های تروریستی اغلب با شعارهای فریبنده و ظاهری فداکارانه، سعی در جذب نیرو و موجه جلوه دادن اقدامات خود دارند. سینما می‌تواند با نفوذ به لایه‌های پنهان این پدیده‌ها، انگیزه‌های واقعی، روش‌های جذب و شستشوی مغزی، و پیام‌های نفرةافکنانه آنها را بر ملا کند. این افشاگری، سد محکمی در برابر پروپاگاندای تروریستی و جذب نیروهای جدید خواهد بود.

علاوه بر این، سینمای ضدترور می‌تواند به «ساخت روایت‌های جایگزین» کمک کند. در مقابل روایت‌های مسموم تروریست‌ها که بر پایه خشونت و نفرت بنا شده‌اند، سینما می‌تواند داستان‌هایی از مقاومت، امید، همبستگی و مبارزه برای صلح را به تصویر بکشد. این روایت‌های امیدبخش، به مخاطبان نشان می‌دهند که در برابر تروریسم، راه‌های دیگری جز تسلیم یا خشونت متقابل نیز وجود دارد. به تصویر کشیدن شجاعت و فداکاری می‌تواند الهام‌بخش باشد و به ترویج این ژانر و حمایت از فیلمسازی که با دغدغه و تعهد به این حوزه می‌پردازند، سرمایه‌گذاری بزرگی در راه امنیت فکری و روانی جامعه است. سینمای ضدترور، نه تنها یک ژانر، بلکه یک جبهه فرهنگی مهم در برابر تاریکی ترور است که باید همواره پویا و جاری باشد.

گفت‌وگو با داوود صبورى، تهیه‌کننده فیلم «اتاقک گلی»

برخی توقع دارند فیلم دفاع مقدسی را هالیوودی بسازیم!

گروه فرهنگ

صبح صادق

در دنیای پرهیاهوی سینما، برخی آثار نه تنها به واسطه داستان، بلکه به خاطر روحی که در پس تولیدشان نهفته است، جایگاهی ویژه پیدا می‌کنند. «اتاقک گلی» یکی از همین فیلم‌هاست؛ اثری که از دل یک تجربه واقعی و پر از درد و رنج در عملیات مرصاد برخاسته و با عشق و پایداری به پرده سینما رسیده است. برای درک عمیق‌ترین اثر و چالش‌های پشت پرده آن، با داوود صبورى، تهیه‌کننده «اتاقک گلی» گفت‌وگو کردیم که از نظر می‌گذرد.

«اتاقک گلی» از کجا شروع شد؟ شنیده‌ایم ریشه‌های این فیلم به تجربه شخصی شما از عملیات مرصاد برمی‌گردد.

بله، دقیقاً همین‌طور است. ایده اصلی «اتاقک گلی» کاملاً بر اساس تجربه شخصی من در عملیات مرصاد شکل گرفت. من خودم در جریان تمام اتفاقاتی که در فیلم می‌بینید حضور داشتم و حتی در همان عملیات مجروح شدم. این زخم و آن صحنه‌ها سال‌ها در ذهنم ماند تا بالاخره در سال ۱۳۹۰، طرح آن را نوشتم و با آقای جمال شورجه مطرح کردم. ایشان هم بسیار تمایل داشتند که این فیلم را با هم بسازیم، اما متأسفانه درگیر پروژه بزرگ سریال حضرت موسی(ع) شدند و کار به تعویق افتاد.

پس ایده ده سال مسکوت ماند؟ این صبر و پیگیری واقعا قابل تحسین است.

بله، دقیقاً ۱۰ سال! تا اینکه در سال ۱۴۰۰ دوباره با آقای شورجه صحبت کردم. با وجودی که حالشان خوب نبود و سکنه مغزی کرده بودند، اما باز هم با عشق و دغدغه روی طرح کار کردیم. اما نتوانستند کار کارگردانی را انجام دهند و در نهایت قرعه به نام آقای عسگری خورد که اولین تجربه کارگردانی فیلم سینمایی این فیلم را بسازند و موفق بودند. خدا را شکر، بنیاد حفظ آثار و بنیاد شهید نیز از همان ابتدا اعلام حمایت کردند. بنیاد روایت فتح و شهرک سینمایی دفاع مقدس هم حسابی همراه شدند و کمک‌های بی‌دریغی به ما کردند. این حمایت‌ها به ما دلگرمی داد تا با تمام وجود جلو برویم.

اگر بخواهید «اتاقک گلی» را در چند جمله توصیف کنید، چه می‌گویید؟

«اتاقک گلی» دلی نوشته و ساخته شد. داستان این فیلم از ورود رزمندگان به یک روستا برای نجات جان مردم شروع می‌شود؛ رزمندگان موفق می‌شوند جان مردم را نجات داده و روستا را تخلیه کنند، اما با حمله وحشیانه منافقین کوردل خودشان به شهادت می‌رسند. این فیلم تصویری از رشادت رزمندگان ما است؛ «اتاقک گلی» شکل تازه‌ای از جنگ در سینمای ما است بدون هرگونه شعار و اغراق! این فیلم متعلق به همه مردم ایران است و من تهیه‌کننده آن نیستم، تهیه‌کننده آن همه کسانی هستند که با جان و دل برای نشان دادن بخشی از واقعیت‌های دوران هشت سال دفاع مقدس صمیمانه به میدان آمدند و بنده را یاری دادند و خدا را شاکرم که ما توانستیم به بهترین شکل ممکن همه تجهیزات

و ادوات

مورد

نیازمان را از ۵ استان کشور به کرمانشاه انتقال دهیم و این فیلم را در بهترین ابعاد تولید کنیم.

به نظر می‌رسد این حجم از تجهیزات نظامی که در فیلم پدیدار است نیاز به همکاری گسترده‌ای داشته!

بله، بسیار زیاد. ما در تولید «اتاقک گلی» با دو چالش بسیار سخت مواجه شدیم، یکی همین تهیه تجهیزات بود که در عملیات مرصاد به خود منافقین اختصاص داشت. تنها در جاده‌ای که منافقین در آن حضور داشتند، ۷۰ نفربر و ماشین نظامی داشیم. شاید برایتان جالب باشد که این ماشین‌ها دقیقاً همان خودروهایی بودند که منافقین استفاده کرده بودند و بعد از عملیات مرصاد، در نمایشگاه‌ها و دانشگاه‌های نظامی چهار استان شیراز، اصفهان، تهران و کرمان نگهداری می‌شدند. من شخصاً با تحقیق آنها را پیدا کردم و با همکاری نهادهای مربوطه به اطراف جوازرد و روستا آوردیم. برای هر تانک هم یک گروه محافظتی وجود داشت تا در صورت بروز هر اتفاقی، اقدامات لازم را انجام دهند. تعداد زیادی ادوات جنگی اعم از ناریه، تیر، اسلحه، ماشین و... در اختیار ما قرار داده شد. بیشترین همکاری را پایگاه هوانبروز ۴ شکاری اصفهان با ما داشتند که فوق‌العاده بودند. همچنین شهرک سینمایی دفاع مقدس به مدت ۵ ماه تمام ادوات نظامی و ۴۰ نفر از نیروهای خود را کاملاً رایگان در اختیار ما قرار داد. اگر قرار بود برای اینها هزینه کنیم، چندین میلیارد کرایه باید می‌دادیم. ترابری سپاه آماد و پشتیبانی هم با همکاری داشتند. انصافاً برای تولید این فیلم هزینه و زحمت زیادی کشیده شده است.

و چالش دوم؟

چالش دوم ما، همزمان شدن بخشی از تولید این فیلم با اغتشاشات سال ۱۴۰۱ بود. طوری که من سر این اغتشاشات ۴۰ روز بین جوازرد و تهران در رفت و آمد بودم. علاوه بر این، در آن ایام اغلب حمل اسلحه و ماشین نظامی ممنوع شده بود. به خاطر تحمل این شرایط سخت، دست تمام ارکان فیلم را می‌بوسم که پای این فیلم ایستادند! هر کس دیگری بود جان خودش را برمی‌داشت و به تهران

برمی‌گشت، اما تمام عوامل فیلم «اتاقک گلی» به خاطر شهدای پای کار این فیلم ایستادند!

با وجود این سختی‌ها، باز هم تمایل به ادامه فعالیت در سینمای دفاع مقدس دارید؟

قطعاً آنچه ما را در این مسیر نگه داشته، عشق به این عرصه است. موانع و مشکلات در این مسیر مانند موانع موجود در مسیر دوی با مانع است. گاهی موقع پریدن از یک مانع شاید حتی دست و پای دونه آسیب هم ببیند، اما آنچه باعث ادامه راه می‌شود، عشق او به این کار است. ما هم عاشق پریدن از این موانع هستیم و دوست داریم در سینمای دفاع مقدس پریدن را تجربه کنیم. این عرصه، عرصه‌ای است که هر کسی توان ورود به آن را ندارد. خیلی‌ها حتی می‌رسند وارد این میدان شوند، کمالینکه واقعاً هم ترس دارد! برای ساخت فیلم دفاع مقدسی باید جان سخت باشید.

شما در صحبت‌هایتان به موضوع منافقین و لایه‌های مختلف آن اشاره کردید. نگاه شما به این موضوع چگونه است؟

واقعیت این است که موضوع منافقین از آن موضوعاتی است که چندین لایه مختلف دارد و هر کس بر اساس سناریو و داستانی که در دست دارد، می‌تواند به یکی از لایه‌های این پدیده بپردازد و فیلم بسازد. مهم این است با خردمان بگوییم آیا روایتی که ما از این گروهک ارائه می‌کنیم، می‌تواند اثرگذارتر از روایت‌های قبلی باشد؟ اگر بخواهیم مدام در یک مسیر حرکت کنیم، نه تنها اثرگذاری‌اش را از دست می‌دهد، بلکه از جایی به بعد مخرب هم می‌شود. در مواجهه با هر یک از لایه‌های مرتبط با گروهک منافقین ما باید قصه و فیلمنامه متفاوتی داشته باشیم و نباید مدام روی یک لایه این سوژه متوقف باقی بمانیم. این گروهک ایدئولوژی‌ای دارد که مواجهه با آن سن و سال نمی‌شناسد. اتفاقاً گویی هر چه سن و سال افراد درگیر با یک ایدئولوژی بالا می‌رود، تأثیر آن قوی‌تر هم می‌شود و دیگر غیرقابل تغییر نیست. در حوادث اخیر مربوط به کمپ تیرانا شاهد افرادی بودیم که به سن و سالی رسیده‌اند که گویی دیگر نمی‌توان برای نجات آنها از دام این ایدئولوژی کاری کرد. به همین دلیل باید تمرکزمان را روی جوان‌ترها بگذاریم که اساساً آلوده این نگاه نشوند.

متأسفانه به نظر می‌رسد در زمینه سینمای دفاع مقدس، با مشکلاتی در بخش مدیریتی هم روبه‌رو هستیم.

دقیقاً. متأسفانه در همین کشور خودمان افرادی هستند که گویی هیچ اعتقادی به دفاع مقدس و فرهنگ آن ندارند، اما مسئول تصمیم‌گیری

درباره فیلم‌های دفاع مقدس هستند! این گروه از افراد نه جنگ را دیده‌اند و نه شناختی از این مسائل دارند، اما در مسیر ساخت فیلم‌های ما به گونه‌ای با ما رفتار می‌کنند که گویی ما برای هالیوود داریم فیلم می‌سازیم! در فرآیند ساخت همین فیلم «اتاقک گلی» آنقدر با چنین آدم‌هایی مواجه شده‌ام که تنها کارشان مانع‌تراشی در مسیر ساخت فیلم‌های دفاع مقدسی است.

ما باید در مسیری حرکت کنیم که مردم متوجه شوند، نگاه ما با مردم در محصولات فرهنگی و هنری با موضوع دفاع مقدس متفاوت نیست. هر جا مردم را محور قرار دهیم، نتیجه می‌گیریم. قصه‌هایی هم که ما مورد توجه قرار می‌دهیم، داستان‌هایی است که بتوانیم در سینمای دفاع مقدس مردم را روایت کنیم. «اتاقک گلی» هم از این موضوع مستثنی نیست و ما دنبال این بودیم که فیلمی بسازیم که سرباز نقش کلیدی و قهرمانی را بازی کند و مردم هم بتوانند کنار این سرباز یک تصویر درست از دفاع مقدس ببینند. تمام شعار این جنگ ۱۲ روز با محوریت میهن‌دوستی بوده است و در اتاقک گلی شاهد همین ماجرا هستیم.

انتظارات شما از نهادهای مربوطه در تولید آثار دفاع مقدس چیست؟

بنده شخصاً خودم جزو خانواده شهدا هستم. یادم می‌آید پیش از این وقتی می‌خواستند در همایش یا جلسه‌ای در خصوص برادران شهیدم صحبت کنند، به ما می‌گفتند یک عکس از شهدا به ما بدهید و سپس آن را قاب می‌کردند و می‌آوردند و تمام! اما امروز حرکتی که بنیاد شهید در خصوص تولید فیلم درباره شهدا کرده بسیار پسندیده است و باعث می‌شود رشادت‌های این عزیزان در قاب سینما جلوه‌گری کند و به خصوص نسل جوان‌تر که از آن زمانه و روزگار بی‌اطلاع هستند، بتوانند با مجاهدت این شهدا و رزمندگان آشنا شوند.

نکته‌ای که بنده دوست دارم عرض کنم این است که ما وقتی راجع به شهدا بحث می‌کنیم، نباید نگاهمان تنها به سوی شهدای شاخص باشد! بدیهی است که به شهدای شاخص به اندازه کافی در حوزه‌های مختلف پرداخته شده و می‌شود و این وظیفه ذاتی ارگان‌ها این است که علاوه بر شهدای شاخص به سایر شهدا، رزمندگان و ایثارگران و حتی خانواده‌های آنها نیز بپردازد.

ارگان‌ها اگر سالی یک فیلم سینمایی خوب و قابل تأمل با محوریت هشت سال دفاع مقدس بسازد، بسیار بهتر است تا اینکه چند فیلم تولید کنند که فیلمنامه‌های ضعیفی دارند!

قبیله عشق

عاشق مبارزه باصهیونیست‌ها



پارسال روز تولدش در رختشوی‌خانه حضرت قاسم(ع) بود. لباس «ما عاشق مبارزه با صهیونیست‌ها هستیم» را پوشید. عکس شهدا را نصب کرد و رخت شست... رخت‌های زائران اربعین را. شب که شد، همان جا یک گوشه‌ای در رختشوی‌خانه خوابید. «امین عباس رشید» امسال در تولد سی‌سالگی‌اش در جوار امام حسین(ع) است. یک شب عباس مرتب قدم می‌زد. انگار آشفته بود. محافظ‌ها صدایش زدند و گفتند: چرابی‌قراری؟ عباس جواب داد: پدرم صدایم زد و گفت: ممکن است شهید شوم. باید مراقب مادرت باشی. به پدر گفتم: من هم آن موقع نیستم. من هم می‌روم. وقتی این جملات را محافظ‌های سپهبد شهید رشید از زبان امین‌عباس شنیدند، شاید متوجه نشدند منظورش از رفتن شهادت است. ۲۹ مرداد است و مصادف با سالگرد تولد امین‌عباس رشید. کسی که بعد از شهادتش معروف شد به آقا زاده‌ای که فقط برای شهادت از رانت پدرش استفاده کرد.

مادر شهید می‌گوید: «من برای تولدش می‌خواستم به دزفول بروم تا کنارش باشم ولی دوستانش اصرار داشتند حالا که پیکرش از ما دور افتاده حداقل اجازه بدهید شب تولدش منزل شما باشیم. سال‌های گذشته خودمان دور هم جمع می‌شدیم و حاج‌آقا همیشه به عباس هدیه‌ای معنوی می‌داد.

امین عباس بچه پر جنب‌وجوش و بسیار باهوشی بود. عباس علاوه‌بر حافظه تصویری‌اش حافظه شنیداری‌اش هم خوب بود. از وقتی که مهدکودک می‌رفت و زبان‌باز کرد، هر شعری برایش می‌خواندند را حفظ می‌کرد. حاج‌آقا از همان موقع بخش‌هایی از شاهنامه فردوسی را برای عباس به زبان بیگانه می‌خواند و توصیف می‌کرد. از کودکی عباس صحنه‌های شاهنامه را می‌خواند و همه متحیر می‌شدند.

هر جا کسی کمک می‌خواست، عباس آنجا بود. هر جایی سیل می‌آمد یا زلزله فرق نمی‌کرد، با گروه جهادی خودش را به آنجا می‌رساند. وقت‌های دیگر هم به مناطق محروم می‌رفت تا به مردم خدمت کند.

چند سالی بود که اربعین با دوستانش در موکب‌شان که به نام رخت‌شوی خانه قاسم بن الحسن مزین بود، خدمت می‌کرد. پارسال هم در روز تولدش موکب را با دوستانش بر پا کردند، به مادرش پیام داد و کارش را شروع کرد. روی لباسش نوشته بود: «ما عاشق مبارزه با صهیونیست‌ها هستیم» و تا آخرین لحظه زندگی‌اش سر حرفش ماند.

عباس اکثر شب‌ها بیدار بود. آخر هفته‌ها که از قسم می‌آمد همیشه می‌رفت زیارت شهدای گمنام. ساعت‌ها می‌نشست و با شهدا حرف می‌زد. هر جا شهدای گمنام بودند، عباس سرزده بود. امین‌عباس در آخرین پست اینستاگرامش نوشته بود: «روزهای سختی برای من، روزهایی که بیش از خیلی وقت‌ها احساس تنهایی و بی‌پناهی می‌کنم، ولی به مدد مولا می‌گذره، می‌زنم سر را بر سنگ مولا علی...» همین‌طور هم شد. بچه‌ام زیر آوار سرش با سنگ شکافت.

وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح

پاسخ ایران، خارج از محاسبه دشمن خواهد بود



«امیر عزیز نصیرزاده»، وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در حاشیه دیدار جمعی از وابستگان نظامی خارجی مقیم تهران با وی که به‌مناسبت «روز صنعت دفاعی» انجام شد، در جمع خبرنگاران گفت: در جنگ ۱۲روزه با یک قدرت کاملاً حمایت‌شده مواجه بودیم، جمهوری اسلامی ایران در این جنگ، تنها با رژیم صهیونیستی روبه‌رو نبود، بلکه تمام توان لجستیکی، اطلاعاتی و پشتیبانی آمریکا در این جنگ حضور داشت. وی افزود: نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در دفاع مقدس ۱۲روزه به هیچ عنوان کوچک‌ترین

ثبت رکورد جدید قرارگاه نصر



متخصصان و کارکنان مؤسسه سازندگی نصر هلدینگ راه و شهرسازی این قرارگاه در تاریخ ۲۷ مردادماه موفق شدند با یک اقدام جهادی، رکورد نصب تیرهای ۲۰ متری را در یک روز بشکنند. در این عملیات بی‌سابقه، ۲۵ تیر ۲۰ متری در یک روز و ۶۹ تیر ۲۰ متری در ۳ روز در قطعه چهار (ج) این پروژه، با رعایت دقیق‌ترین

رئیس سازمان فضایی ایران

پرتاب ماهواره‌های شهید سلیمانی



«حسن سالاریه» رئیس سازمان فضایی ایران درباره آخرین وضعیت پروژه «منظومه شهید سلیمانی» گفت: پروژه شهید سلیمانی؛ نخستین منظومه ماهواره‌ای باریک‌باند کشور است که با هدف توسعه خدمات اینترنت اشیا (IoT) طراحی و

اتکایی به منابع خارجی نداشت و هر آنچه در جنگ به‌کار گرفته شد، ساخت صنایع دفاعی خودمان بود. جهان شاهد بود که موشک‌هایی که استفاده شد، کاملاً به اهداف برخورد کرد و خسارت‌های زیادی را به دشمن صهیونی وارد کرد.

وزیر دفاع با اشاره به به سانسور خبری گسترده رژیم صهیونیستی گفت: هرچند سانسور رسانه‌ای رژیم صهیونیستی اجازه نداد کاملاً اصابت موشک‌های ایرانی به تصویر کشیده شود، اما اطلاعات این اصابت‌ها به‌مرور پخش شد که نشان‌دهنده توانمندی‌های نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بود و ما در استفاده از موشک‌های مان توانمندی‌های بسیار قوی‌تری نسبت به گذشته داریم که به‌کار گرفته نشده است.

امیر نصیرزاده با بیان اینکه جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر حفظ اصول و مواضع خود و اینکه آغازگر جنگ باید توسط جامعه جهانی تنبیه‌شود و منوط به آنکه آخرین پاسخ باید از سوی ایران داده شود، تقاضای آتش بس را پذیرفت، تصریح کرد: چنانچه طرف مقابل بخواهد به ماجرایی و شرارت‌هایش ادامه دهد، این بار پاسخ ایران با توجه به شناخت نقاط ضعف دشمن، متعدد، متکثر، غافلگیرکننده، دردآور و خارج از محاسبه خواهد بود.

استانداردهای ایمنی و فنی، نصب شد.

لازم به ذکر است این عملیات در دو مقطع کاری مجزا: با فاصله‌ای بیش از ۵ کیلومتر از محل دیو و در ارتفاع ۱۲ متری انجام شد که بر دشواری انجام این عملیات افزود. این موفقیت مهم، گام بلندی در راستای تحقق برنامه زمان‌بندی و تحویل پروژه می‌باشد.

پیش از این نیز، متخصصان مؤسسه سازندگی نصر هلدینگ راه و شهرسازی قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء (ص) توانسته بودند رکورد نصب ۲۴ تیر ۲۰ متری را با فاصله ۷۰۰ متر از محل دیو در بزرگ‌ترین پل خاص واقع در قطعه ۵(ب) این پروژه به ثبت برسانند.

پروژه راه‌آهن چابهار-زاهدان، به عنوان بخشی از کریدور ریلی شرق کشور، نقش حیاتی در اتصال بندر شهید بهشتی چابهار (تنها بندر اقیانوسی ایران) به شبکه ریلی کشور دارد. این خط ریلی تنها تنها کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان را به آب‌های آزاد متصل می‌کند، بلکه بستر توسعه سواحل مکران و رشد اقتصادی منطقه را فراهم خواهد کرد.

ساخته می‌شود. در فاز نخست، نزدیک به ۲۰ ماهواره ساخته و در مدارهایی با شیب‌های متفاوت قرار داده خواهد شد تا ارتباطات باریک‌باند باهدف توسعه اینترنت اشیا را برای کشور فراهم کند.

وی افزود: فاز طراحی منظومه از نیمه دوم سال ۱۴۰۲ آغاز شد و اکنون بخش زیادی از زیرسیستم‌ها و زیرسامانه‌های آن در حال ساخت و تأمین است. این منظومه توسط یک کنسرسیوم متشکل از بخش‌های خصوصی و دولتی طراحی و ساخته می‌شود.

رئیس سازمان فضایی ایران ادامه داد: طبق برنامه، پرتاب‌های آزمایشی نمونه‌های اولیه این منظومه در سال جاری انجام می‌شود و ماهواره‌ها در مدار قرار می‌گیرند تا تست‌های اولیه صورت گیرد. روند ساخت نمونه‌های اصلی ماهواره‌های این منظومه در ۱۴۰۴ انجام می‌شود و انتظار می‌رود از اواخر ۱۴۰۴ و سال ۱۴۰۵ پرتاب‌های اصلی آن انجام شود.

خبر

رشد ۴/۵ برابری

«مهدی هنری»، مسئول بسیج سازندگی خراسان جنوبی اظهار کرد: طی یک سال گذشته تعهد اشتغالی که برای مجموعه بسیج در استانداری خراسان جنوبی تعریف شده بود، ۱۵۰۰ نفر تعهد اشتغال بود که با تلاش معاونت اشتغال و سازندگی‌های شهرستان‌ها توانستیم ثبت اشتغال ۲/۱۶۶ نفر را در سامانه رصد انجام دهیم. تسهیلاتی که از طریق تبصره دو از جزء ۳ و ۴ در اختیار مجموعه بسیج سازندگی قرار گرفت در مجموع ۳۰۴ میلیارد تومان پرداخت تسهیلات و جذب اعتبارات تسهیلاتی را در یک سال گذشته داشتیم که رشد دو نیم برابری نسبت به سال گذشته دارد. بخشی از منابع ملی به استان تخصیص پیدا کرده بود.

آمادگی برای هر رویارویی



رزمایش موشکی «اقتدار پایدار ۱۴۰۴» نیروی دریایی ارتش با دستیابی اهداف از پیش تعیین شده پایان یافت. این رزمایش با شلیک طیف‌های مختلف موشک‌های برد کوتاه تا برد بلند، موشک‌های کروز دریایی «نصیر و قدیر» و موشک ساحل‌پایه و ضدکشتی «اقتدار» و پهپاد انهدامی «باور ۵» در محدوده شمال اقیانوس هند و دریای عمان برگزار شد و در جریان آن، انواع یگان‌های شناور سطحی و زیر سطحی، یگان‌های پروازی، سایت‌های موشکی ساحل به دریا، سایت‌های موشکی دریا پایه و یگان‌های جنگالی سناریوهای تعیین شده را با موفقیت اجرایی کردند.

از دیگر اقدامات مهم، اجرای عملیات گسترده‌ی مقابله با ریز پرنده‌ها توسط نیروی دریایی ارتش بود؛ عملیاتی در حوزه جنگ الکترونیک که با موفقیت کامل انجام شد. یکی از جنبه‌های قابل توجه این رزمایش، شرایط جوی دشواری بود که در منطقه حاکم بود. دمای بالا و رطوبت سنگین، انجام عملیات را با چالش‌هایی جدی مواجه کرده بود. با این حال، رزمندگان نیروی دریایی ارتش با پشتکار و تلاش شبانه‌روزی، موفق شدند این رزمایش را با کیفیتی مطلوب و طبق برنامه به‌سرانجام برسانند؛ اقدامی که تنها بخشی از فعالیت‌های مستمر آنان در مسیر حفظ توان دفاعی و اقتدار ملی محسوب می‌شود.

بازتاب گسترده رزمایش نظامی ایران در رسانه های غربی

خبرگزاری رویترز در این خصوص نوشت: ایران روز پنجشنبه اولین رزمایش نظامی انفرادی خود را از زمان جنگ ماه ژوئن با اسرائیل آغاز کرد. این رزمایش نشان می‌دهد که ایران به دنبال تثبیت مجدد تصویر قدرت خود پس از جنگ با اسرائیل است. رویترز افزود: تلویزیون دولتی ایران گزارش داد که واحدهای نیروی دریایی ایران در رزمایش «اقتدار پایدار ۱۴۰۴» چندین موشک و پهپاد را به سمت اهداف واقع در آب‌های آزاد در اقیانوس هند شلیک کردند.

نشریه نیوزویک آمریکا نیز نوشت: ایران روز پنجشنبه یک رزمایش موشکی دو روزه را در شمال اقیانوس هند و دریای عمان آغاز کرد که نشان‌دهنده قدرت نظامی این کشور پس از جنگ ۱۲ روزه ماه ژوئن با اسرائیل و آمریکا است.

این رزمایش شامل پرتاب موشک و عملیات پهپادی و جنگ الکترونیک بود و بر عزم تهران برای نشان دادن آمادگی برای هر مرحله جدیدی از رویارویی تأکید می‌کند. این رزمایش در برهه‌ای حساس برگزار می‌شود. اسرائیل و ایران اخیراً جنگ مستقیمی را که باعث تلفات و ویرانی قابل توجهی در هر دو طرف شد، متوقف کردند. آمریکا که با حملات هوایی خود در این جنگ مداخله کرد، از زمان پایان جنگ فشار بر ایران را حفظ کرده و در عین حال از اسرائیل حمایت می‌کند.

گرچه درگیری‌های آشکار متوقف شده است، اما آتش بس شکننده تأثیر چندانی بر کاهش خصومت میان ایران و اسرائیل نداشته است. رزمایش‌های نظامی مانند رزمایش روز پنجشنبه ایران، هم هشدار به رقبا و هم نشانه‌ای از آمادگی این کشور در صورت تشدید مجدد تنش است.

نشریه واشنگتن پست تصریح کرد: تلویزیون دولتی ایران روز پنج‌شنبه گزارش داد که این کشور اولین رزمایش نظامی خود را از زمان پایان جنگ ۱۲ روزه با رژیم صهیونی آغاز کرد و در آن کشتی‌های نیروی دریایی به اهدافی در دریا در خلیج عمان و اقیانوس هند موشک شلیک کردند.

شبکه‌ای بی‌سی‌نیز آمریکا نیز گزارش داد: تلویزیون دولتی ایران روز پنجشنبه گزارش داد که این کشور اولین رزمایش نظامی خود را از زمان پایان جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل آغاز کرد.

مسکن محرومان

«سرنگ سیدجعفر سبزه»، مسئول بسیج سازندگی سپاه حضرت جواد(الانمه(ع) خراسان‌شمالی گفت: حدود ۹۷ میلیارد ریال اعتبار از سوی بسیج سازندگی برای ساخت و تعمیر مسکن محرومان استان هزینه شد. تعداد مسکن ساخته‌شده از سوی قرارگاه‌سازندگی و محرومیت‌زدایی بسیج در یک سال اخیر ۳۸۵ واحد مسکونی برای مددجویان زیر پوشش کمیته امداد و ۱۹ واحد برای نیازمندانی که زیر پوشش هیچ نهاد حمایتی قرار ندارد، ساخته است. حدود ۵۸۰ میلیارد ریال اعتبار در ساخت واحدهای مسکونی برای مددجویان کمیته امداد و محرومان هزینه شد. برای مرمت ۲۷۴ واحد از منازل محرومان نیز بیش از ۳۸۰ میلیارد ریال هزینه‌شده است.

دستیار و مشاور عالی فرماندهی معظم کل قوا عنوان کرد

قدرت صلح می سازد



«سرلشکر رحیم صفوی» دستیار و مشاور عالی فرماندهی معظم کل قوا، با اشاره به شرایط حساس منطقه تأکید کرد: ما اکنون در وضعیت جنگ هستیم و هر لحظه امکان فروپاشی این وضعیت وجود دارد.

وی افزود: آمریکا و رژیم صهیونیستی معتقدند صلح از مسیر قدرت حاصل می‌شود و ایران نیز باید قدرت خود را در تمامی عرصه‌ها تقویت کند.

سرلشکر رحیم صفوی دستیار و مشاور عالی فرماندهی معظم کل قوا، در سخنانی تازه از افزایش احتمال وقوع جنگ جدید سخن گفت و تصریح کرد: من ترجیح می‌دهم بگویم که ممکن است جنگی جدید در پیش باشد و شاید پس از آن، دیگر جنگی روی ندهد.

وی با اشاره به رویکرد آمریکا و رژیم صهیونیستی اظهار داشت: آمریکا و رژیم صیهونیستی بر این باورند که صلح باید از مسیر قدرت ساخته شود؛ بنابر این ایران نیز باید خود را به سطح بالایی از قدرت برساند. صفوی همچنین با تأکید بر نگاه نظامیان به بدترین سناریوها افزود: ما نظامیان سناریو ها را طراحی کرده‌و بدترین احتمالات را در نظر می‌گیریم و برای آن نیز برنامه‌ریزی و آمادگی لازم را داریم.

وی با بیان اینکه شرایط کنونی به معنای آتش‌بس نیست، تصریح کرد: اکنون در مرحله جنگ قرار داریم و این وضعیت ممکن است در هر لحظه فرو بپاشد.

مشاور عالی فرماندهی معظم کل قوا ادامه داد: نه‌پرو تکلی و نه توافق‌نامه‌ای میان ما و رژیم صهیونیستی یا آمریکا وجود دارد.

سرلشکر صفوی در بخش دیگری از سخنان خود بر ضرورت تقویت توانمندی‌های ایران تأکید کرد و گفت: باید منظومه و راهبردهای خود را در حوزه‌های مختلف از جمله حمله، دیپلماسی، رسانه، فضای سایبری، قدرت موشکی و پهپادی ارتقا دهیم.

وی در پایان خاطر نشان کرد: ما نظامیان به این باور رسیده‌ایم که هر کس خواهان صلح است باید برای جنگ آماده شود و بهترین شیوه دفاع، حمله است.

نماینده ولی فقیه در سپاه عنوان کرد

مسجدسنگر جنگ‌شناختی



«حجت‌الاسلام و المسلمین حاجی‌صادقی» نماینده ولی فقیه در سپاه در همایش تکریم از فعالان فرهنگی مساجد که در مسجد مقدس جمکران برگزار شد، با اشاره به توطئه‌های مستمر دشمنان اسلام، اظهار کرد: امروز جبهه صهیونیسم در خط مقدم دشمنی با امت اسلامی قرار دارد و برای تسخیر افکار و اراده ملت‌ها همه امکانات خود را به کار گرفته است.

وی تصریح کرد: مسجد یک ساختمان ساده نیست، بلکه نهادی زنده و پویا و قلب تپنده جامعه دینی است. این پایگاه مقدس می‌تواند سبک زندگی اسلامی را سامان دهد، کادرسازی برای نظام ولایی انجام دهد و در عرصه‌های گوناگون مبارزه علیه دشمن، به‌ویژه صهیونیسم، پیشواز باشد. نماینده ولی فقیه در سپاه با تأکید بیانات رهبر معظم انقلاب افزود: رهبر انقلاب بارها فرموده‌اند مسجد سنگری است که هیچ‌یک از سنگرهای اسلام توانایی آن را در دفاع از دین و انقلاب باید در مقابله با رژیم صهیونیستی و حمایت از جبهه مقاومت تجلی یابد.

حجت‌الاسلام حاجی‌صادقی ادامه داد: دشمنی که در میدان نظامی شکست سختی از ملت ایران خورد، امروز به جنگ شناختی روی آورده است و تلاش می‌کند ذهن و باور جوانان مسلمان را هدف قرار دهد. این تهدید، خطری جدی است و تنها با پایگاه‌سازی مساجد و اجرای جهاد تبیین می‌توان آن را خنثی کرد.

وی خاطر نشان کرد: مسجد باید علاوه بر عبادت، کانون جهاد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی باشد؛ مساجد سکولار و بی تفاوت به تحولات امت اسلامی، نمی‌توانند نقش تاریخی خود را ایفا کنند. مسجدی که در برابر صهیونیسم و ظلم جهانی ساکت باشد، دیگر مسجد انقلاب نیست.

نماینده ولی فقیه در سپاه در پایان تأکید کرد: امروز بیش از هر زمان دیگر لازم است مساجد در قامت سنگرهای دشمن‌ستیز تقویت شوند و پرچمدار مبارزه با صهیونیسم و استکبار جهانی باشند، زیرا آینده‌امت اسلامی و تحقق وعده الهی در گرو رونق مساجد و زنده نگه داشتن روحیه جهاد در این پایگاه‌های مقدس است.

رئیس سازمان بسیج مستضعفین مطرح کرد

مسجدمرکزگفتمان عدالت‌خواهی



سردار «غلامرضا سلیمانی» رئیس سازمان بسیج مستضعفین طی سخنانی در سومین آیین ملی تکریم فعالان مساجد که در مسجد مقدس جمکران برگزار شد، گفت: امروز در نبردی سرنوشت‌ساز قرار داریم و ملت ایران پرچمدار جبهه حق است؛ در سوی دیگر، جبهه باطل شقی‌ترین انسان‌های تاریخ یعنی صهیونیست‌ها را به میدان آورده و با همه توان و امکانات خود به مقابله بر خاسته است.

سردار سلیمانی با تأکید بر جایگاه ایمان در این رویارویی اظهار کرد: جبهه حق با تکیه بر معنویت، ارادت پولادین و روحیه عاشورایی توانسته در این میدان بدرخشد و پیروزی‌های بزرگی را رقم بزند.

رئیس سازمان بسیج مستضعفین تصریح کرد: «مسجد» در سراسر عالم منبع نورانیت و مرکز تولید فرهنگ و گفتمان عدالت‌خواهی و حق‌طلبی است و همین جایگاه مقدس توانسته محور تحولات امت اسلامی قرار گیرد.

وی افزود: امروز همگان شاهد رشد مساجد در اروپا و آمریکا هستند که این موضوع، گواهی بر گسترش اسلام عزیز در سرتاسر گیتی است؛ جمهوری اسلامی ایران در این مسیر پیشگام و الهام‌بخش دیگر ملت‌هاست.

سردار سلیمانی ادامه داد: ما بدون فعال کردن مساجد نمی‌توانیم ادعا داشته باشیم که در مقوله استحکام درونی نظام، موفق عمل کرده‌ایم. وی با بیان اینکه اساس روز جهانی مسجد، بر پایه مبارزه با صهیونیسم است، افزود: از سال ۱۹۱۷ و روزی که پای صهیونیست‌ها به سرزمین فلسطین باز شد، تلاش جبهه صهیونی و غرب بر این بود که بیت‌المقدس و مسجدالاقصی را اشغال کند اما مسلمانان اجازه ندادند پاهای آلوده صهیونیست‌ها به مسجدالاقصی و قدس شریف باز شود.

رئیس سازمان بسیج مستضعفین با بیان اینکه مسجدالاقصی در پرتو ایستادگی مسلمانان همچنان استوار مانده است، گفت: این مسجد شریف همچون چراغی در قلب منطقه غرب آسیا می‌درخشد.

سردار سلیمانی با بیان اینکه پیروزی انقلاب اسلامی باعث شد روحیه امید‌پایداری در دل ملت‌های مسلمان از جمله فلسطینیان عمق پیدا کند، گفت: در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، تنها گوشه‌ای از زدالت‌ها و خشونت‌های صهیونیست‌ها نمایان شد.

توان نظامی ایران کلید دیپلماسی



در دنیای پر تلاطم روابط بین الملل، دیپلماسی تنها زمانی به نتیجه می‌رسد که پشتوانه‌ای محکم از قدرت نظامی داشته باشد. امروز، کشورها نه فقط بازبان دیپلمات‌ها، بلکه با نمایش توان بازدارندگی خود در صحنه جهانی سخن می‌گویند. این حقیقت تلخ اما واقعی است: بدون قدرت نظامی، قول‌ها و تواف‌ها شکسته‌اند و روی میز مذاکره، صدایی که پشتوانه نظامی ندارد، به سختی شنیده می‌شود.

ماجرای پرواز جنگنده‌های آمریکایی در جریان

دیدار اخیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه و ترامپ

رئیس‌جمهور آمریکا نمونه‌ای روشن از این واقعیت است. این نمایش قدرت، پیامی واضح داشت و آن اینکه در دنیای سیاست بین‌الملل، قدرت نظامی نه‌تنها مکمل دیپلماسی، بلکه تضمین‌کننده وزن حرف‌های یک کشور است. یا مثلاً به آزمایش موشک‌های کروز مافوق صوت «میرکان» روسیه در دی‌ماه ۱۴۰۰ نگاه کنید. درست در اوج مذاکرات حساس مسکو و واشنگتن بر سر اوکراین، روس‌ها با شلیک ۱۲ موشک از ناوچه وزیردریایی، نشان دادند که قدرت نظامی، اهرم فشاری بی‌بدیل در دیپلماسی است.

ایسن منطق جهانی، نقدها به برنامه موشکی ایران را هم زیر سؤال می‌برد. هنوز یادمان نرفته که در مناظره‌های انتخاباتی ۱۳۹۶، حسن روحانی

با لحنی انتقادی از نمایش شهرهای زیرزمینی موشکی ایران و شعارهای عبری روی موشک‌ها گله کرد و آن را تلاشی برای تضعیف برجام خواند.

اما حقیقت این است که آزمایش‌های موشکی ایران، نه تهدیدی برای دیپلماسی، بلکه ستون اصلی قدرت بازدارندگی و تضمین امنیت ملی ماست. وقتی قدرت‌های بزرگ با نمایش نظامی حرف خود را به کرسی می‌نشانند، چرا ایران نباید از این ابزار برای دفاع از منافع خود استفاده کند؟

حمله اخیر رژیم صهیونیستی به خاک ایران در جنگ ۱۲ روزه، زنگ خطری جدی بود. این رویداد نشان داد که دکترین نظامی ایران نیاز به بازنگری و تقویت دارد. تهدیدهای جدید و تحولات منطقه‌ای، از ما می‌خواهند که توان بازدارندگی مان را چندانچه و پیشرفته‌تر کنیم. موشک‌های دقیق‌تر،

پدافند ضدبالستیک قوی‌تر و نوسازی توان هوایی، گام‌هایی ضروری برای حفظ امنیت ملی و تقویت جایگاه ایران در مذاکرات بین‌المللی است.

جهان امروز به کشورهایی احترام می‌گذارد که نه‌تنها حرف، بلکه قدرت عمل دارند. برنامه موشکی ایران، با تکیه بر نوآوری و فناوری‌های پیشرفته، نه‌فقط سپری برای امنیت ملی، بلکه اهرمی برای دیپلماسی مؤثر است. این توانمندی، ایران را به بازیگری تبدیل می‌کند که نه‌تنها در منطقه، بلکه در معادلات جهانی، حرفی برای گفتن دارد. تقویت این قدرت، یعنی تضمین آینده‌ای امن و پایدار برای ایران؛ آینده‌ای که در آن، دیپلمات‌های ما با پشتوانه‌ای محکم از توان نظامی، پشت میز مذاکره می‌نشینند و صدای ایران را رسا و مقتدر به گوش جهان می‌رسانند.

اتمام مأموریت

«محمدباقر ذوالقدر» دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام ضمن حضور در منزل سردار شهید امیر علی حاجی زاده و دیدار با خانواده او تأکید کرد: این خون‌ها پایه‌های انقلاب را مستحکم‌تر کرد و راسخ‌تر به راه خود ادامه داد. امروز هم این اتفاقات و خسارت هر چند سنگین خلیی در آن ایجاد نخواهد کرد و نیروهای مسلح و هوافضای ما به درستی مأموریت خود را به انجام رساندند و دشمن را مجبور به عقب‌نشینی و تسلیم کرد. ذوالقدر با اشاره به نقش سردار حاجی‌زاده و دیگر شهدای هوافضای سپاه در دفاع مقدس گفت: مطالبه مردم که «موشک جواب موشک» را محقق کردند.

۱۵

پاسدار

شماره ۱۳۰۱ | دوشنبه ۳ شهریور ۱۴۰۴

صداق

روی خط

محاصره مقاومت غیر ممکن است

۰۹۱۲۰۰۲۱۲۴/ طرفداران بیانیه جبهه اصلاحات معتقدند پیشنهادات آن، راه‌حلی برای پیشگیری از بحران اقتصادی است. اما تجربه تاریخی نشان می‌دهد که مذاکره یک‌طرفه و پذیرش خواسته‌های طرف مقابل، نه‌تنها تحریم‌ها را کاهش نداده، بلکه فشارها را افزایش داده است. برجام مثالی روشن است؛ توافقی که با امید بهبود معیشت امضا شد، اما نتیجه‌اش تحریم‌های سنگین‌تر و مشکلات اقتصادی گسترده‌تر برای مردم ایران بود.

۰۹۱۳۰۰۰۸۸۱۷/ تحلیل رسانه‌ها و کارشناسان سیاسی غربی و غیرغربی نشان می‌دهد نشست آلاسکا، ناتوانی و سردرگمی آمریکا را حتی در خاک خود به نمایش گذاشت. این دیدار نتوانست سیاست‌های ناکارآمد ترامپ را جبران کند. ضعف مشهود در این مذاکرات، تصویری روشن از افول جایگاه آمریکا ارائه داد و نشان داد که چنین نشست‌هایی نمی‌تواند شکست‌های پی‌درپی سیاست خارجی این کشور را ترمیم کند.

۰۹۱۹۰۰۰۱۲۳۵/ سفر اخیر علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، به لبنان، پیامی قاطع به دشمنان مقاومت مخابره کرد: حزب‌الله تنها نیست و محاصره مقاومت لبنان غیرممکن است. این سفر، همراه با حمایت صریح یعنی‌ها، نشانه‌ای از حفظ تعادل قدرت در منطقه بود. حضور لاریجانی، عزم ایران برای حمایت از مقاومت را نشان داد و هشدار ی به کسانی بود که خیال تضعیف لبنان را دارند.

۰۹۲۱۰۰۰۵۴۹۲/ وحدت و همدلی، کلید موفقیت ملت‌هاست. مسئولان باید در گفتار و کردار دقت کنند تا این سرمایه ملی خدشه‌دار نشود. در شرایط حساس کنونی، بی‌عملی یا ایجاد تفرقه‌های ساختگی توسط مدیران، مانع انسجام ملی است. حفظ یکپارچگی جامعه، نیازمند رفتار مسئولانه و پرهیز از دوقطبی‌سازی‌های غیرضروری است تا کشور در برابر چالش‌ها استوار بماند و دشمنان از تفرقه‌سوء استفاده نکنند.

۰۹۱۹۰۰۰۵۲۶۹/ مقامات اوکراینی از تغییر ناگهانی موضع ترامپ در قبال جنگ اوکراین خشمگین‌اند و آن را خیانت توصیف کرده‌اند. ظاهراً ترامپ ابتدا قول فشار بر پوتین را داده بود، اما پس از دیدار با او، مواضعش با کرمیلین هم‌راستا شد. این تجربه باید هشدار ی برای غرب‌گرایان داخلی باشد که به توهم حمایت آمریکا دل بسته‌اند و واقعیت سیاست‌های غیرقابل اعتماد این کشور را نادیده می‌گیرند.

۰۹۳۷۰۰۰۵۰۰۱/ وقتی نتانیاهو از روایای «اسرائیل بزرگ» سخن می‌گوید و ارتش لبنان توان دفاع کامل از خاک خود را ندارد، چرا دولت لبنان به دنبال خلع سلاح حزب‌الله است؟ این اقدام، جز تضعیف قدرت ملی لبنان چه نتیجه‌ای دارد؟ مگر اینکه تصور کنیم این تصمیم تحت فشار آمریکا گرفته شده است. چنین سیاستی، تنها به نفع دشمنان لبنان و منطقه تمام خواهد شد.

۰۹۱۲۰۰۰۳۰۲۱/ جامعه امروز ایران بیش از همیشه به گفتمانی نیاز دارد که امید را تقویت کند و راه سوءاستفاده دشمنان را ببندد. در شرایط جنگ روانی کنونی، سخنان مسئولان باید انگیزه‌بخش و انرژی‌زا باشد، نه ناامیدکننده. هر کلمه باید با دقت انتخاب شود تا روحیه مردم را تقویت کند و در برابر توطئه‌های دشمنان، جامعه را به سوی پیشرفت و مقاومت هدایت نماید.

۳۰۰۰۹۰۰۰۳۰۳
سامانه پیامکی هفته‌نامه صبح صادق
هفته‌نامه صبح صادق

صداق

هفته‌نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

صاحب امتیاز

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول:یدالله‌جوانی

سرمدیر:علی حیدری

شورای‌سیاست‌گذاری:

سیامک‌باقری،سعدالله‌زارعی،

عزیز‌غضنفری،فرهادمهروی،مه‌دی‌سعیدی،

فتح‌الله‌پرشان،علی‌قاسمی،حسین‌عبداللهی‌فر

دبیرتحریریه:سیدفخرالدین‌موسوی

مدیرفنی: محمدصالح‌نادری

نگارش‌و‌ویرایش:‌محبوبه‌حاجی‌آقایی

صفحه‌آرا:‌علی‌اکبر‌هدایتی

عکاس: حامد‌گودرزی

ناظرچاپ:‌سعید‌قاسمی

چاپ: مرکز چاپ‌سپاه: ۰۲۱)۳۸۵۲۲۴۴۶

تلفن: ۰۱۱۰ و ۰۱۰۰ ۷۷۴۶۰۱۰۰

basirat.ir

@sobhesadegh_fa

نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶

سامانه پیامک: ۰۲۳-۳۰۰۰۹۹۰

شماره ۱۲۰۱ | دوشنبه ۳ شهریور ۱۴۰۴

کتابیه

ناباوران روز داورى!

**پاسخ ادبی به بیانه حقیرانه و شرم‌آور
جبهه اصلاحات**

آتش از گور همین قوم است، این خاکستری‌ها
مس‌فروشانى پیاپی گرم جنگ‌زرگرى‌ها
چشم ما بر بادبان کشتى نوح است، اما
دارد این باد مخالف، دعوى پیغمبرى‌ها
ناخدا‌دور خودش مى‌پیچد آنجا لنگ‌لنگان
کى به ساحل مى‌رسد کشتى از این بی‌لنگرى‌ها
مى‌شناسم فتنه را با اشتراک سرخ‌مویش
دین مباد این سان لگدکوب مسلمان کافرى‌ها
این خوارچ بر زبان هیپای «حُکم‌الله» دارند
کى شود تیغ علّی هیهات، خرج اشعری‌ها!
نردبان این جماعت چیست غیر از بام منبر
بنگر این شطرنج‌بازان را به‌جای منبری‌ها
حافظ از این واعظان است استخوان‌ها در گلویم
«گوییا باور نمى‌دارند روز داورى‌ها»
سکه‌شان را مشتری کو‌غیر گوهر ناشناسان
زرفروشان را چه کارى با دکان مسگرى‌ها
مى‌فروشند این جماعت دین و قرآن را به دنیا
دین‌فروشى شد متاع حجره‌بی مشتری‌ها
مى‌درخشد برقى از آه ابوذر‌های تنها
تا بگیرد شعله در کاخ شما کاکل‌زرى‌ها
دور باد از یوسف‌ت چشم حسودان تا که دارد
باز از افسون زلیخا شوق پیراهن‌درى‌ها!
دست در دست پرى‌رویان پاریس اند و غم نیست
کم ندارد چیزى این حکم برادر خواهرى‌ها!
سربه‌دیوارند مجنون‌های گمنام قبیله
خون‌فشان با خاطرات زخمى همسگرى‌ها
سینه‌ای مجروح مال‌بریز این خط‌ونشان‌هاست
چون فراتر از خط‌و‌خال است رسم دلبرى‌ها
باک از این زخم‌زبان‌ها نیست در نسل شهادت
مى‌شود روزى گریبان‌گیر، خون‌باکرى‌ها
در فلّقى بی‌وقفه طرح لاله‌چینی‌هاست، بنگر
در شفق دستى سب‌با مشق شقایق‌پرورى‌ها
مردهای زن‌نما! این جمله در «صدر» خبر‌هاست
مى‌شوید آخر گریزان از وطن با روسرى‌ها!
این ملیجک‌ها به‌لج از اعتراض سرخ‌مایند
ما که ناصر خسروان بودیم و گفتند انورى‌ها!
«آن‌ورى» هرکس نباشد از تبار انورى هست!

این تناقض‌ها بین در بیت‌بیت آن‌ورى‌ها
اصلاً از حال پرستان‌خبر دارید یک‌دم
از غم پروانگان بر گرد جمع بسترى‌ها
روى دوش باد، گلپَر‌هاست با رنگ پریده
قاصدک‌هایند با پیام مرگ «گل‌پری»‌ها
باغ بودای تو و نیلوفر مرداب را نیست
نیروانایی در این شب‌کوچه نیلوفرى‌ها
گرگرى در نامه مى‌خوانی و جای حیرتى نیست
بشنوى هر دم اگر پیک و پیام جان‌کری‌ها
از کلاغان سفارت‌خانه شیطان شنیدم
از تو در آن روز‌ها و نقشه شب‌باورى‌ها
شب‌پرستان! برق شمشیری ستم‌سوز است در راه
دست‌ها بر قبضه با اعجاز خورشید‌آوری‌ها
برج‌ها آنجا گلولی آسمان را مى‌خراشند
برج‌ها سهم شما گردید از نیک‌اختری‌ها
دایگان را آتشی‌ای کاش بر دامن بگیرد
تا عیان گردد در آن هنگامه مهر مادری‌ها

حجت الاسلام

محمد حسین انصاری‌نژاد

صبحانه

قافیه را نباز!

ما قوی می‌شویم از همان‌جا که ضعیف شدیم، و رشد می‌کنیم، از همان جایی که زخم خوردیم؛ بنابراین با ساده‌ترین اتفاقات و رفتارها قافیه را نیاز و برای رشد و تعالی اخلاق و باور و هویت خودت دست از تلاش نکش.

داستان

مگه کوری؟

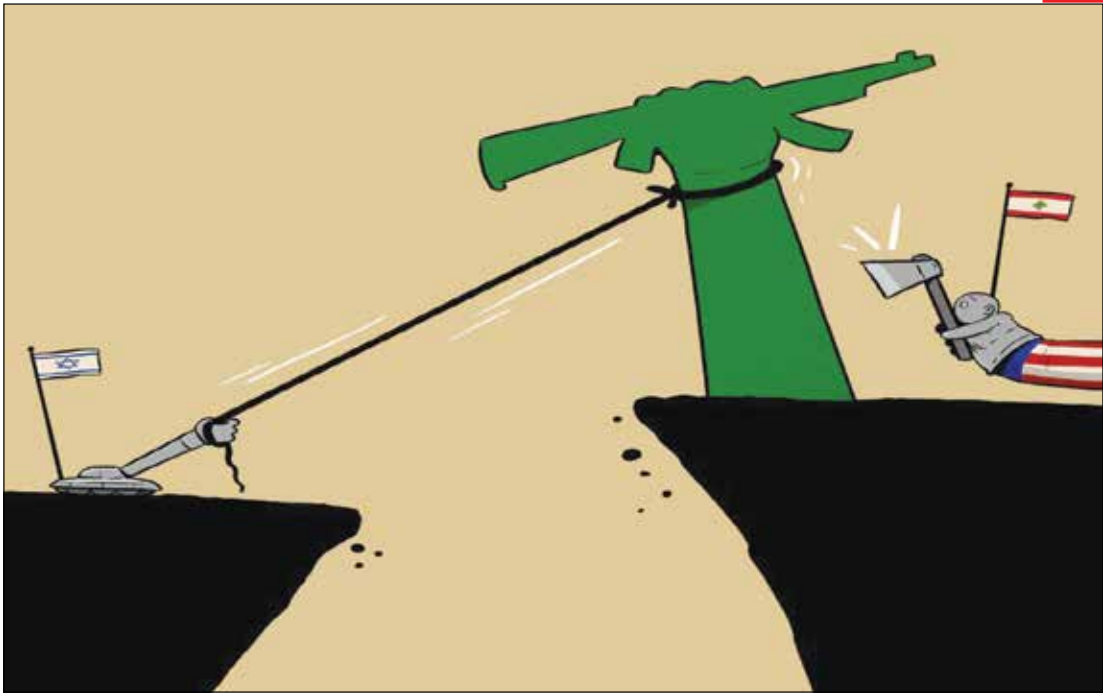
را سوزاند، بلکه غرورش را هم شکست.

خانه هم برایش آرامش نداشت. پای
سفره، پایش به لیوان آب یا کوزه می‌خورد،
ظرف می‌شکست و بدوبیراه پدر و شمات
مادر نصییش می‌شد. مادرش او را «شتر
افسارگسیخته» می‌خواند و می‌گفت: «جلو
پاتو نگاه کن!» اما او نمى‌دانست که مشکل
از چشم‌هایش است. در فوتبال هم ناکام
بود؛ هرچه نشانه می‌گرفت، پایش به توپ
نمی‌خورد و خنده بچه‌ها او را شرم‌نده می‌کرد.
نقطه عطف زندگی‌اش اما شبی در سالن
نمایش مدرسه شاپور رقم خورد. با پلیتی
رایگان به تماشای شعبده‌بازی رفت، اما از
آخر سالن هیچ چیز جز سایه‌های مبهم ندید.
اطرافیان می‌خندیدند و دست می‌زدند، ولی
او فقط حسرت می‌خورد. وقتی از همسایه‌اش
پرسید «چه می‌کنی؟»، پاسخ شنید: «مگر
کوری؟» آن شب، برای اولین بار، احساس کرد
چیزی در وجودش کم است.

اما سرنوشت راه دیگری پیش پایش
گذاشت. پیرزنی کازرونی، مهمان همیشگی
خانه‌شان، با عینک کهنه‌ای که دسته‌اش با سیم
و نخ قند بسته شده بود، به شیراز آمد. پسرک از
سر شیطنت عینک را برداشت تا خواهرش را

تلخند

مقاومت شکست ناپذیر است/ کارتون‌نویست: کمال اشرف/ یمن



راه نرفته

بددهنی کودکان!

بددهنی کودکان گاهی خنده‌دار یا نشانه حاضر جوابی به نظر می‌رسد، اما روانشناسان هشدار می‌دهند که اگر مدیریت نشود، می‌تواند به الگوی نادرست در رفتار کودک تبدیل شود. برای رفع این مشکل، ابتدا باید ریشه آن را شناخت. گاهی کودکان صرفاً برای سرگرمی یا تقلید از دوستان، کلمات نامناسب را به کار می‌برند، بدون آگاهی از معنای واقعی آنها. والدین باید با وضع قوانین روشن، به کودک توضیح دهند که این کلمات نامناسب‌اند و نباید در خانه یا بیرون استفاده شوند. اما گاهی بددهنی فراتر از بازی است. کودکان ممکن است هنگام خشم یا ناکامی، به دلیل ناتوانی در بیان احساسات، به ناسزا پناه ببرند. در این موارد، والدین باید به کودک کمک کنند تا احساساتش را بشناسد و راه‌های سالمی برای بیان آنها بیابد. ایجاد محیطی امن برای بیان احساسات، کلید کاهش بددهنی است. واکنش تند والدین می‌تواند نتیجه معکوس دهد و کودک را برای جلب توجه به تکرار این رفتار ترغیب کند. الگوبرداری نیز نقش مهمی دارد؛ اگر والدین یا اطرافیان از کلمات نامناسب استفاده کنند، کودک آنها را تقلید خواهد کرد. حتی لبخند به ناسازی کودک می‌تواند به اشتباه نشانه تأیید تلقی شود. سبک فرزندپروری مقتدرانه، ترکیبی از محبت و قانون‌گذاری، بهترین راهکار است. والدین باید با آرامش دلیل بددهنی را جویا شوند: «چرا این کلمه را گفتی؟ چه احساسی داشتی؟» این گفت‌وگو به کودک کمک می‌کند به جای ناسزا، از روش‌های دیگری برای بیان خود استفاده کند. اگر بددهنی برای جلب توجه باشد، محبت و وقت گذراندن با کودک بهترین پاسخ است.

دست بیندازد، اما وقتی آن را به چشم گذاشت، معجزه‌ای رخ داد. ناگهان برگ‌های درختان، آجرهای دیوار، و همه چیز را واضح دید. دنیا برایش رنگ دیگری گرفت؛ مثل این بود که تازه متولد شده باشد.

این کشف اما در مدرسه درم‌س‌ساز شد. روزی که عینک را به کلاس برد و در ردیف آخر نشست، معلم عربی، پیرمردی شوخ طبع اما تندخو، گمان کرد او قصد مسخره کردن دارد. با دیدن عینک عجیب روی صورت پسرک، خشمگین شد و فریاد زد: «نره‌خرا! مثل قوال‌ها صورتک زدی؟» خنده بچه‌ها کلاس را پر کرد و معلم، که او را بچه بازیگوشی می‌دید، با اردنگی و کشیده او را از کلاس بیرون انداخت.

در نهایت، وقتی ماجرای نیمه‌کوری‌اش را برای مدیر و ناظم تعریف کرد، باورشان شد. معلم عربی، که حالا شرم‌نده شده بود، او را به دکان میرزااسلیمان‌عینک‌ساز در صحن شاه‌چراغ برد. پس از امتحان چند عینک، بالاخره یکی را با پانزده قران خرید و دنیا را روشن دید. آن روز، مجید نه‌تنها بینایی‌اش را دوباره پیدا کرده بود بلکه هویت جدیدی پیدا کرده بود چون حالا او یک آدم «عینکی» شده بود.

سلامت

منهای بیماری قلبی!

نخستین و مهم‌ترین فایده، تأثیر شیر مادر بر افزایش هوش کودک است. طبق تحقیقات، بر اساس میزان تغذیه کودک با شیر مادر، این شیر در پیشگیری یا کاهش مشکلاتی مانند ضعف بینایی، عفونت یا ضعف شنوایی، عفونت‌های ویروسی، بیماری‌های دهان، مشکلات گوارشی و بیماری‌های قلبی، نقش بسیار مثبتی دارد. ه طور کلی افرادی که در دوران نوزادی و کودکی از شیر مادر تغذیه کرده‌اند، در دهه‌های ۳۰، ۴۰ و ۵۰ زندگی، کمتر دچار بیماری‌های قلبی و کلسترول بالا می‌شوند.

مطالعات متعددی در سراسر جهان نشان داده است که ویروس‌های معده، اسهال، بیماری‌های دستگاه تنفسی تحتانی، عفونت‌های گوش و مننژیت در نوزادانی که با شیر مادر تغذیه می‌شوند کمتر رخ می‌دهد و زمانی هم که به وجود می‌آید خفیف است و تغذیه نوزاد فقط با شیر مادر یعنی بدون غذای جامد، شیر خشک یا آب، به مدت حداقل شش ماه بیشترین محافظت را از کودک به عمل می‌آورد. یک پژوهش وسیع دیگر نیز در نشان داد خطر مرگ در بین کودکانی که تا یک سالگی با شیر مادر تغذیه می‌شوند، کمتر از کودکانی است که با شیر مادر تغذیه نمی‌شوند و تغذیه با شیر مادر بعد از یک سالگی نیز باز هم به کمتر شدن خطر مرگ برای کودکان ارتباط داده شده است.

پژوهش‌ها نشان داده است که تغذیه با شیر مادر می‌تواند خطر ابتلای نوزاد به برخی سرطان‌های دوران کودکی یا بیماری‌های قلبی عروقی در بزرگسالی را کاهش دهد.

صادقانه

اجتناب از تفرقه

امام علی (ع) می‌فرمایند: دست خدا بر سر جماعت است، از تفرقه بهره‌بیزید، زیرا شخص تکرو، شکار شیطان است، همانگونه که گوسفند تکرو، طعمه گرگ است.

شرح نهج‌البلاغه، جلد۸، ص ۱۱۲

غیر رسمی

مثل قبائل قدیمی!



در آن سال‌های ریاست‌جمهوری بنده، دو گروه در کشور بودند: چپ و راست. یک عده‌ای می‌گفتند چپ، یک عده می‌گفتند راست. بنده یک بحث تحلیلی مفصلی کردم. سال‌های ۱۳۶۲، ۱۳۶۳ بود؛ حالا دقیقاً یادم نیست و ثابت کردم که این اختلافات مثل اختلافات قبایل قدیمی عرب است. یک قبیله با یک قبیله دیگر بد بود؛ منشأش نه یک مبنای اقتصادی بود و نه یک مبنای اعتقادی. فرض کنید یک وقتی اسب این قبیله در مرتع یکی از افراد آن قبیله چریده، او هم مثلاً گفته بالای چشمش ابروست؛ این هم یک جوابی داده و احیاناً خونی هم بینشان ریخته شده یا نشده، اما این دو تا قبیله دیگر تا ابد باید با هم دشمن باشند! بنده ثابت کردم که اختلافات آن روزِ چپ و راست در کشور ما از این قبیل است؛ و بود. اختلافات عاطفی و اخلاقی به‌دسته‌بندی‌های سیاسی تبدیل شده بود.

بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان
۱۳۸۵/۸/ ۱۸

حسن ختام

واژه‌های کم‌شده!

در دلم حکایتی بی‌متن می‌جوشد، نامه‌ای که در یک «عجل لولیک الفرج» خلاصه می‌شود. خیالات، چون سیلی روان، صف کشیده‌اند و می‌بارند. قلم از نوشتن بازمی‌ماند، عقیم و ناتوان. قلب از تپیدن شوریده می‌شود، بی‌قرار و پر آشوب. اشک‌ها از نگفتن جاری‌اند، بی‌صدا اما سنگین. دهان از فریاد زدن قاصر است، گویی لال‌شده. چیزی در سینه‌ام سنگینی می‌کند؛ حرفی، یادی، خاطره‌ای که بود و حالا نیست.

عقل با دستورات خودش قاعده می‌چیند اما دل بی‌قرار چه می‌فهمد از این نصیحت‌ها؟ دل من تشنه است، تشنه‌ی نوشتن دو کلمه ساده: «دوست دارم». تشنه حرفی که از عمق جان برخیزد و بر کاغذ بشنید. تشنه یک «عجل لولیک الفرج» بی‌آلایش، بی‌زرق‌وبرق، که بتوان با آن معامله کرد. معامله‌ای که مشتری‌اش خود حضرت باشد، همان یار غایب که دلمان هر لحظه برایش پر می‌کشد.

می‌خواهم بنویسم، اما واژه‌ها کم شده‌اند. می‌خواهم بگویم، اما سکوت گلویم را بسته. تنها یک دعا می‌ماند، دعایی که از دل برمی‌آید و به آسمان می‌رود. شاید این بی‌قراری، این دل‌تنگی، روزی به وصال برسد. تا آن روز، قلمم خاموش، اما دلم همچنان در طلب مولایمان امام‌زمان(عج) می‌تپد.

